



شنیدن

سخن گفتن

خواندن

نوشتن

اصول
تعلیم زبان و ادبیات
در مدارس ابتدائی

چاپ دوم

تألیف : حسین رزمجو

برای : آموزگاران - کارآموزان دوره تربیت معلم سپاهیان دانش

The Principles Of
Teaching Language and Literature
in Elementary Schools

By :

Hossain-Razmjoo

SECOND EDITION

BASTAN BOOK STORE

MESHED - IRAN

1944 - 1965

PIR

۱۲۹۳۵

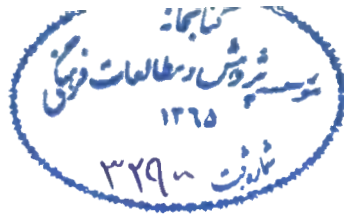
اصول تعلیم زبان و ادبیات در مدارس ابتدائی

ادبیات
فارسی

۲۸

۳

۵۳



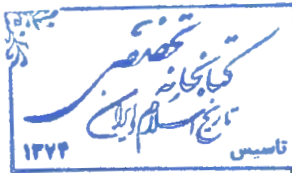
اسکن شد

اصول ۱۱

تعلیم زبان و ادبیات

در مدارس ابتدائی

قابل استفاده : آموزگاران - کارآموزان کلاسهای تربیت معلم
سپاه دانش - دوره تکمیلی سپاه دانش - دانشسراها



تألیف : حسین رزمجو

دبیر مراکز تربیت معلم خراسان

چاپخانه طوس - مشهد

ناشر: کتا بفروشی باستان

چاپ دوم

بها : ۵۰ ریال

حق چاپ محفوظ و مخصوص مؤلف است

۲۰۰۰ نسخه از این کتاب به تاریخ تیرماه ۱۳۴۴ با سرمایه کتابفروشی باستان

در چاپخانه طوس مشهد به چاپ رسید

به نام خدا

مقدمه چاپ دوم

چاپ اول این کتاب، در بهرام سال گذشته منتشر شد و چون مطالب آن مطابق با برنامه روش تدریس فارسی کلاسهای تربیت معلم یکساله و دوره تکمیلی سپاه دانش تدوین شده بود، اداره کل تربیت معلم آن را به عنوان کتاب درسی کلاسهای تربیت معلم تصویب و طی بخشنامه‌های ۵۳۹۱-۴۳/۹/۱۴ و ۵۸۲۴۰-۴۳/۱۱/۱۸ تدریس و استفاده از آن را در مراکز تربیت معلم، به ادارات کل آموزش و پرورش کشور توصیه کرد. استقبالی که از طرف چند مرکز تربیت معلم، و سپاه دانش از این کتاب به عمل آمد، سبب گردید که نسخ چاپ اول در اندک مدتی تمام شود و ضرورت چاپ مجدد آن پیش آید.

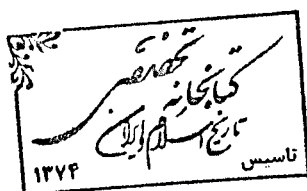
در چاپ دوم که به صورت مجموعه حاضر در اختیار خوانندگان محترم قرار گرفته است، با تجدید نظر بر مطالب چاپ اول، نواقص و اشکالات آن حتی الامکان مرتفع گردیده و مباحث تازه‌ای که برای کارآموزان سازمانهای تربیت معلم و سپاهیان دانش و آموزگاران در آموزش زبان لازم می‌باشد، بر چاپ نخستین افزوده شده است.

چون مطالب این مجموعه شامل اصول کلی زبان آموزی در مدارس ابتدائی است، برای تدریس آن به ویژه مبحث خواندن که بخش اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد، به چند کتاب کمکی، از جمله کتابهای: روش تدریس آمادگی کلاس اول دبستان - روشهای تدریس سالهای اول و دوم و به تمام کتب فارسی دوره ابتدائی احتیاج

است. دبیران محترمی که در مراکز تربیت معلم، یا کلاسهای سپاه دانش و دوره تکمیلی آن، به کار تعلیم و روش تدریس زبان فارسی اشتغال دارند، مباحث این کتاب را به ترتیب مراحل چهارگانه زبان آ.وزی که شامل: شنیدن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن است، باید تدریس کنند. و برای تمرین و تحلیل مطالب هر مبحث، از کتابهای مذکور که در پاورقی صفحات به آنها اشاره شده است، کمک گیرند. نگارنده با توجه به نواقص و اشکالات کار خویش، امیدوار است که چون این مجموعه، اولین کتابی است، که مبتنی بر تمام جنبه ها و مراحل زبان آ.وزی در دوران ابتدائی، به زبان فارسی تألیف می شود، بتواند در به ثمر رساندن اصلاحات و تحولات وسیعی که اخیراً در کلیه شئون جامعه ما، به خصوص در امر آموزش و پرورش به وجود آمده است، سهم ناچیزی داشته باشد و همچنین آرزومند است که نواقص این مختصر را بتواند با برخورداری از نظرات و پیشنهادهای اصلاحی صاحب نظران، در آینده برطرف سازد و با تأییدات خداوند بزرگ به مرحله کمال برساند.

مشهد - یکم مرداد ۱۳۴۴

مؤلف



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹ - ۱۱	پیشگفتار
۱۳ - ۱۵	زبان و اهمیت آن
۱۵ - ۱۶	ادبیات
۱۶ - ۱۸	مراحل یادگیری زبان

بخش اول : شنیدن

۲۰ - ۲۱	اهمیت شنیدن
۲۱ - ۲۲	پرورش شنوایی نوآموز در دبستان
۲۲ - ۲۵	تعیین نیروی شنوایی و وسائل آن
۲۵ - ۲۶	علائم نقص شنوایی
۲۶ - ۲۸	وظایف معلم در پرورش و رفع نقائص شنوایی نوآموز
۲۸ - ۲۹	آداب شنیدن

بخش دوم : سخن گفتن

۳۱ - ۳۳	سخن و اهمیت آن
۳۳ - ۳۶	سخن آموزی و مراحل آن

۳۶ - ۴۱	عوامل مؤثر در پرورش و پیشرفت سخن گفتن
۴۱ - ۴۴	نواقص سخنگوئی اطفال
۴۴ - ۴۵	علل لکنت زبان
۴۵ - ۴۷	وظایف معلم در رفع نواقص سخنگوئی اطفال
۴۷ - ۵۱	راههای پرورش سخنگوئی در دبستان
۵۱ - ۵۳	سخنرانی
۵۳ - ۵۵	شرایط سخنوری
۵۵ - ۵۸	آداب سخن گفتن

بخش سوم: خواندن

۶۰ - ۶۱	اهمیت خواندن
۶۱ - ۶۲	هدفهای تعلیم خواندن در دبستان
۶۲ - ۶۳	مراحل تعلیم خواندن در دبستان
۶۳ - ۶۶	۱- مرحله آمادگی
	۳- مرحله آغاز خواندن
۶۷	روش تدریس خواندن در کلاس اول و دوم
۶۷ - ۷۱	روش تحلیلی
۷۱ - ۷۴	روش کلی
۷۴ - ۷۶	روش ترکیبی
۷۶ - ۷۸	کتاب کلاس اول
۷۸ - ۸۶	چند نکته تکمیلی در مورد تعلیم خواندن در کلاس اول
۸۶ - ۸۷	ارزشیابی خواندن در کلاس اول
۸۷ - ۹۰	خواندن و روش تدریس آن در کلاس دوم
	۳- دوره پیشرفت در خواندن
۹۰ - ۹۱	از سال سوم تا ششم دبستان
۹۱ - ۱۰۰	روش تدریس خواندن در دوره پیشرفت

۱۰۰ - ۱۰۷	تحلیل یک درس نمونه از کتاب ششم دبستان
۱۰۸ - ۱۱۶	عوامل مؤثر در پیشرفت خواندن
۱۱۶ - ۱۲۰	انواع خواندن
۱۲۵ - ۱۲۶	مواد و مطالب مناسب برای مطالعه کودکان در دبستان
۱۲۰ - ۱۲۴	اهمیت کتاب و کتابخانه برای کودکان و نوجوانان
۱۲۶ - ۱۲۷	تشکیل کتابخانه در دبستان
۱۲۷ - ۱۲۸	کتابخانه عمومی
۱۲۸ - ۱۳۰	کتابخانه کلاسی
۱۳۰ - ۱۳۱	کتابهای مفید و خواندنی برای کودکان ۶ تا ۷ سال
۱۳۱ - ۱۳۳	» » » » از ۷ سال به بالا
۱۳۳ - ۱۳۵	» » » » از ۸ سال »
۱۳۵ - ۱۳۷	» » » » از ۹ سال »
۱۳۷ - ۱۴۰	» » » » از ۱۰ سال »
۱۴۰ - ۱۴۴	» » » » برای نوجوانان و جوانان

دستور زبان

۱۴۶ - ۱۴۷	اهمیت دستور زبان
۱۴۷ - ۱۵۱	روش تدریس دستور زبان در دبستان
۱۵۱ - ۱۵۵	برنامه تعلیم دستور زبان »

بخش چهارم : نوشتن

۱۵۷ - ۱۵۸	اهمیت نوشتن
۱۵۸ - ۱۶۰	مراحل نوشتن در دبستان
۱۶۰	برنامه و مواد نوشتن در دبستان

۱ = خط

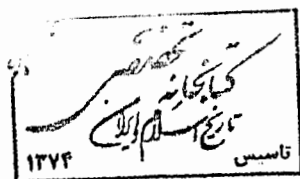
۱۶۰ - ۱۶۵	خط و روش تعلیم آن
-----------	-------------------

۲- انشاء

۱۶۶ - ۱۶۵	اهمیت انشاء
۱۶۷ - ۱۶۶	روش و مراحل تعلیم انشاء در دبستان
۱۶۸ - ۱۶۷	مرحله انشاء شفاهی (تقریری)
۱۷۰ - ۱۶۸	مرحله جمله سازی و نوشتن عبارات ساده
۱۷۳ - ۱۷۰	مرحله نگارش موضوعها - موضوعهای نمونه
۱۷۶ - ۱۷۳	اصول کلی تعلیم انشاء
۱۷۸ - ۱۷۶	ارزشیابی انشاء
۱۸۰ - ۱۷۸	نقطه گذاری و اهمیت آن در نوشتن
۱۸۵ - ۱۸۰	نامه نگاری
۱۸۷ - ۱۸۵	نامه نگاری در دبستان

۳- املاء

۱۸۹ - ۱۸۸	فواید املاء
۱۹۳ - ۱۸۹	اصول تعلیم املاء
۱۹۵ - ۱۹۳	نکته هائی در مورد تصحیح املاء
۲۰۸ - ۱۹۵	شیوه خط فارسی و قواعد املائی جدید
۲۱۲ - ۲۰۸	قواعد املائی کلمات عربی
۲۱۴ - ۲۱۳	فهرست مأخذ
۲۱۵	غلطنامه



به نام خداوند جان آفرین
حکیم سخن در زبان آفرین

پیشگفتار

عصر ما دوران تحول ، سرعت ، وسازند گیهای نوین اجتماعی است .
هماهنگی با پیشرفتهای سریع امروز و آمادگی برای زندگانی
مترقی آینده ، لزوم شیوه‌هایی تازه را در امر آموزش و پرورش ایجاب
می‌کند . برنامه کار ، مواد درسی ، شرایط و صفات معلم در زمان
حاضر باید طوری باشد ، که نیازمندیهای اجتماع امروز را جواب
گوید و تعلیم و تربیت به شیوه‌ای باید عمل شود ، که برای اداره
سازمانهای وسیع جامعه فردا ، نسلی با سواد ، معتقد و فعال را بار آورد .
دوره دبستان حساسترین مرحله آموزش و پرورش است .

زیرسازبنای شخصیت هر طفل ، در این زمان پی‌ریزی می‌شود و زمینه پیشرفتهای
بعدی او در این مرحله فراهم می‌گردد . سالهای ابتدائی به مراتب

بیش از دوره‌های دیگر تحصیلی در ایجاد تمایلات، معتقدات نوآموز مؤثر می‌باشد، زیرا نیروی نقش‌پذیری ذهن و روح او در این دوران از هر زمانی بیشتر است و به مصداق «العلم فی الصغر کالتقش فی الحجر» هر تصویری بر صفحهٔ پاک و آماده ذهنش ترسیم گردد، نقشی همیشگی می‌پذیرد و ساختمان افکار و عواطف و احساساتش برای زندگی اجتماعی آینده، بر این نقش‌های اولیهٔ بنیاد می‌گردد.

رکن اصلی برنامهٔ دوران ابتدائی زبان آموزی است.

اهمیت زبان در امر یادگیری به اندازه‌ای است، که اگر درست تعلیم داده نشود و نوآموز زبان مادری خود را خوب فرا نگیرد، به کسب هیچگونه دانشی نائل نمی‌شود، و در هیچ حرفه و شغلی پیشرفت نمی‌کند.

با این وصف، وظیفهٔ نخستین مادر امر تعلیم و تربیت است، که با اتخاذ شیوه‌هایی تازه؛ آموزش زبان فارسی را در برنامهٔ مدارس خود مقدم بر هر عملی قرار دهیم، و بدینوسیله زمینهٔ پذیرش دانش‌های مختلف و کسب معارف را برای نوآموزان خود فراهم کنیم، و راه موفقیت‌آمیز روز افزون و سازگاری با جامعهٔ متمدنی آینده را برایشان هموار سازیم.

این کتاب حاصل کوششی است که نگارنده به سهم خود در این راه انجام داده است.

در این مختصر سعی شده است که روش تعلیم زبان و ادبیات در مدارس ابتدائی با توجه به اصول روانشناسی و آموزش و پرورش جدید به زبانی ساده تشریح گردد و وظایف آموزگاران محترم در این امر

خطر معین شود .

مطالب این مجموعه ، بر طبق برنامه روش تدریس فارسی کلاسهای «تربیت معلم یکساله» دوره تکمیلی «سپاه دانش» تنظیم و در چهار فصل تدوین گردیده است و در هر فصل آن یکی از پایه‌های چهارگانه آموزش زبان ، یعنی : شنیدن ، سخن گفتن ، خواندن و نوشتن مورد بحث قرار گرفته است .

امید آنکه این کتاب بتواند در پرورش نوباوگان عزیز کشور مؤثر افتد و آموزگاران محترم را در امر زبان آموزی گامی چند رهنمون باشد .

حسین - رزمجو

مشهد. مهرماه ۱۳۴۳ شمسی

ملتی که زبان خود را خوب بدانند چنانچه
روزی اسیر ملت دیگر گردد ، به منزلت
محبوسی است که کلید زندان خود را در
جیب داشته باشد . چنین محبوسی هر
لحظه اراده کند ، می تواند از زندان خارج
شود و خود را از بدبختیهای رهایی بخشد .
«آلفونس دوده نویسنده فرانسوی»

زبان و اهمیت آن

زبان مجموعه‌ای از نشانه‌های قراردادی است، که بر معانی و مفاهیم موجود و متداول در زندگی انسانی دلالت می‌کند و برای بیان مقاصد و افکار به کار برده می‌شود.

زبان دقیق‌ترین وسیله تفهیم و تفهّم است. آدمی افکار و امیالش را به وسیله زبان برای هم‌نوعان خود بیان می‌نماید و با ایجاد ارتباط فکری بین خویش و افراد جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، نیازمندیهایش را برطرف می‌سازد.

زبان به منزله کلیدی است که با آن به گنجینه‌های دانش و اندیشه‌های بشری راه می‌توان جست و به وسیله آن تمدن و فرهنگ يك نسل را به نسل بعد یا ملتی را به ملت دیگر انتقال می‌توان داد. شناسائی محیط و آشنائی با قراردادهای زندگی اجتماعی تنها به وسیله زبان میسر است. از نظر تربیتی اهمیت زبان از این جهت است که در هر عصر و دوره‌ای، خصوصاً در دوران متحول و مترقی‌ما داشتن بیان گویا و خامه‌توانا، رابطه‌ای تام با موفقیت‌های اجتماعی و میزان شخصیت افراد دارد. «در اهمیت زبان دانی همین بس که گفته‌اند: هر کس چند زبان بداند به منزله چند نفر است که به همان اندازه از زندگی سهم بیشتری می‌برد و لذات فراوانتری کسب می‌کند. در روانشناسی امروز ثابت شده است، که میزان شادمانی و حرارت و

جنب و جوش افراد در فعالیت‌های اجتماعی ارتباط مستقیم با قدرت بیان و یادداشتن زبان دارد، و کسانی که از این موهبت بهره‌مندی زیادتری دارند، شاداب و بانشاط، پرجنب و جوش و فعال و در نتیجه پیروز و کامروا ترند. و بالعکس آنان که از نظر ابراز عقاید و افکار ناتوان‌ترند، غالباً عصبانی، ترسو، خجول، ناامید، خموده و تنبل هستند و از کسب موفقیت‌ها بی‌نصیب و محروم می‌باشند. (۱)

تمدن و فرهنگ هر کشور بر اساس زبان استوار است. زبانی که دامنهٔ توانائیش در بیان مفاهیم وسیع‌تر باشد و نیازمندی‌های معنوی و مادی عصر خود را بهتر جواب گوید، نشانهٔ تکامل و پیشرفت مردمی است که با آن تکلم می‌کنند. و چون مسئله استقلال هر ملت پیوندی ناگسستنی با فرهنگ دارد و فرهنگ خود بر پایهٔ زبان استوار است، زبان را ضامن اصلی و پشتوانه اساسی استقلال ملت‌ها باید دانست.

با این وصف، نظر به اهمیتی که زبان از حیث پرورش قوای فکری و روحی افراد هر جامعه دارد و از جهت نقشه‌و‌ثری که در ارتقاء و تکامل یک نسل ایفا می‌کند، وظیفه نخستین مادرکار آموزش و پرورش این است که تعلیم زبان را در برنامه‌های فرهنگی خود مقدم بر هر عملی قرار دهیم و مبتنی بر اجرای طرح‌هایی صحیح، با تقویت زبان نوآموزان خویش، زمینه پذیرش هر نوع دانشی را در آنان فراهم کنیم و بدینوسیله موجبات موفقیت‌های روزافزون و سازماری با جامعه مترقی فردا را برایشان مهیا سازیم و استقلال آینده

۱- از مقدمهٔ «روش نویسندگان بزرگ معاصر» تألیف نگارندهٔ این کتاب

کشور را در سایه آشنا کردن فرزندان امروز و مردان فردا با زبان ملی تأمین نمایم .

ادبیات

ادبیات هنر بیان نیات به وسیله زبان است . با مفهوم وسیعی که کلمه ادب داراست ، ادبیات به کلیه آثار اطلاق می شود، که به بیان افکار ، احساسات ، عواطف و عقاید بشری با سیمای هنری باشد . با قبول این تعریف نویسندگان ، شعرا و سخنوران يك جامعه را ادبا و انواع نظم و نثر و خطابه و هر نوع گفته و نوشته ای که بتواند با تأثیر معنوی خود عواطف رقیق را بیدار کند و در تلطیف روح و پرورش فکر انسانی مؤثر افتد باید به عنوان آثار ادبی معرفی کرد . چون ادبیات وسیله ای هنرمندانه و ممتاز برای بیان احساسات لطیف و افکار بلند می باشد و در قلمرو آن مسائل گوناگون اخلاقی ، مذهبی اجتماعی و... در قالبهای شعر و نثر و خطابه و داستان و نمایشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و زشتیها و زیباییهای زندگی و طبیعت به وسیله آن نشان داده می شود و از طرفی چون زبان ادب، زبانی وسیعتر و فاخرتر از زبان متعارف و معمول می باشد و درك دقایق و ظرایف آن بدون رشد ذهنی و پرورش استعداد درك هنر و فراهم شدن زمینه ای مساعد در روح و اندیشه افراد ، مقدور و میسر نیست ، از این جهت است که تعلیم ادبیات را در واقع مرحله ثانوی در راه زبان آموزی باید محسوب داشت و بدیهی است که تا نوآموزان ما به اجزای

سازندهٔ پیکرهٔ زبان آشنا نشوند و جای به کار بردن واژه‌ها، اصطلاحات ترکیبیات زبان مادری خود را ندانند و اصول دستوری آن را نشناسند و مفاهیم لغات را درست نفهمند، به درک نمودارهای هنری زبان یعنی ادبیات ناآشنا نخواهند شد. بنابراین، وظیفهٔ اولیهٔ هر آموزگار ایرانی است، که با به کار بستن شیوه‌ای صحیح نوآموزان خویش را از مراحل طبیعی زبان آموزی عبور دهد و با نظارت مستمر بر کار آنان و انجام تمرینها و ورزشهای مداوم، نخست مهارت بیان نیات و درک مفاهیم را در ایشان به وجود آورد و زمینهٔ تفهیم و تفهم را اذهانشان بسازد، تا در سایهٔ تسلط بر زبان، معانی عمیق و نکات دقیق ادبیات پرمایه و کهن فارسی را درک کنند و از زیباییها و لطایفش برخوردار گردند و خود نیز بتوانند بر این گنجینه‌های شایگان و میراث گرانقدری که از نیاکان پیرار جشان به آنها رسیده است، به سهم خویش بیفزایند و آن را از خطر نابودی و فراموشی پاسداری کنند.

مرآحله یادگیری زبان

بلکان زبان آموزی

دانشهای بشری را به کاخی عظیم و مرتفع تشبیه می‌توان کرد که مدخل ورودی آن را چهارپله مستحکم تشکیل داده باشد. این بلکان به ترتیب شنیدن، گفتن، خواندن، نوشتن است. کسانی که آرزو دارند از فضای پاک و چشم اندازهای نشاط آور و از لذات دائمی و نعمتهای زوال ناپذیر بنای بلند پایهٔ مزبور بهره‌مند گردند، بایستی ابتدا، توانائی

صعود از پلکان مزبور را با پرورش قدرت تفهیم و تفهیم در خود به دست آرند و در سایهٔ آموختن زبان، نیروی اندیشه و سایر قوای دماغی خویش را به کار اندازند، تا با کلید زبان قفل‌های پر اسرار درهای کاخ رؤیائی مذکور را بگشایند و به نعمتهای جاویدش راه یابند.

اما آموختن هر زبان مبتنی بر یادگیری کلمات و آشنائی با اصول دستوری و مطالعهٔ آثار مکتوب و غیر مکتوب آن زبان است. هنگامی می‌توان گفت: فردی يك زبان را به خوبی می‌داند، که معانی واژه‌ها، اصطلاحات، ترکیبات و حتی ضرب المثلها، کنایات، استعارات و... رایج در آن زبان را به آسانی و خوبی بفهمد و جای به کار بردن آنها را به درستی بشناسد و یا به عبارت ساده‌تر قادر باشد که به آن زبان خوب سخن گوید و خوب بنویسد و خوب بخواند و خوب حرف بزند.

هدف اصلی زبان آموزی در محیط دبستان هم جز این نیست، که نوآموز را قادر سازد تا مفاهیم مختلف را از طریق شنیدن سخنان معلم و خواندن کتب مفید دریابد و استعدادهای ذاتی و اکتسابی خویش را از راه سخن گفتن و نوشتن به دیگران بشناساند.

لذا در کار تعلیم هر زبان باید به ترتیب، به استحکام و تقویت چهار

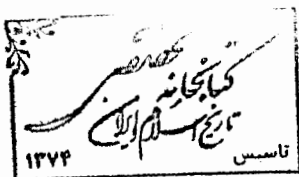
رکن اساسی ذیل:

۱ - شنیدن

۲ - سخن گفتن

۳ - خواندن

۴ - نوشتن



توجه کامل شور . به عقیده تمام علمای تعلیم و تربیت، مهمترین فعالیت سازمان دبستان باید بر محور زبان آموزی دورزند. و چون جنبه های چهارگانه زبان آموزی ارتباطی کامل بایکدیگر دارند و توقف یا کندی در هر یک از مراحل مزبور، موجب عدم پیشرفت در سایر بخشهاست. نو آموزان با راهنماییهای صحیح آموزگار باید به ترتیب از مراحل مذکور بگذرند و در هر مرحله مهارت و بصیرتی تمام یابند، تا با عبور از این گذرگاه، زمینه فراگیری هر نوع دانش و بینشی را به دست آرند و شایستگی ورود به قسطرطالائی و عظیم معارف و علوم را پیدا کنند و با امال به هدف عالی تعلیم و تربیت یازندگی مقرون به سعادت و افتخار نائل شوند .



این کتاب که موضوع آن «اصول تعلیم زبان و ادبیات در مدارس ابتدائی» است براساس مراحل چهارگانه زبان آموزی تألیف و مباحث آن پیرامون مراحل مزبور منظم شده است .

در صفحات آینده مطالب به ترتیب از بحث شنیدن شروع و پس از گفتگو در مورد سخن گفتن و خواندن به موضوع نوشتن که مرحله چهارم زبان آموزی است پایان می پذیرد .



بخش اول

شنیدن

اهمیت شنیدن

پرورش شنوائی

تعیین نیروی شنوائی

راههای اندازه گیری نیروی شنوائی

نقائص شنوائی و علائم آن

وظایف معلم در پرورش و رفع نقائص شنوائی نوآموز

آداب شنیدن

کسی که حرف می زند می کار و آن
کس که می شنود درو می کند.
علی «ع»

اهمیت شنیدن

پلکان اول زبان آموزی شنیدن است. شنوائی و بینائی از نظر نقشی که در وجود انسان دارند، از حواس دیگر به مراتب مهمترند، زیرا بیشتر اطلاعات و معلومات از طریق این دو حس به دست می آید و بعلاوه این دو حس وسیله ادراک مظاهر جمال و زیبائیهای طبیعت و زندگی هستند و از این روست که بعضی از روانشناسان آنها را به نام (حواس عالی) «۱» نامگذاری کرده اند.

شنیدن عامل اصلی عمل تفهیم است. انسان از راه گوش کلمات را می شنود و با تطابق مفاهیم آنها در ذهن، صورتهای سمعی علامات قراردادی زبان را از یکدیگر تمیز می دهد و با کمک این علامات به عقاید و افکار دیگران پی می برد و بر اطلاعات خود می افزاید و از این طریق سخن گفتن را فرا می گیرد و با تبادل افکار، رابطه معاشرت و دوستی با افراد جامعه و محیط خود برقرار می کند و نتیجتاً از امتیازات زندگی اجتماعی بهره مند می شود و به رفع احتیاجات و نیازمندیهای مادی و معنوی خویش نائل می گردد و علاوه بر آن به وسیله نیروی شنوائی از آهنگهای خوش طبیعت محظوظ می شود و همچنین از طریق شنیدن در مواقع مقتضی خطرات احتمالی که او را تهدید می کند، تشخیص می دهد و در پیشگیری

آنها برمی آید و بدینوسیله علاج و قایمی را که با منافع او مغایرت دارند قبل از وقوع می نماید.

پرورش شنوائی نوآموز در دبستان

به طوری که اشاره شد بعد از حس بینائی، شنوائی فعالترین و عالیترین حواس در امر یادگیری است، و چون تکلم بر پایه آن استوار می باشد و در واقع زیر بنا و بنیاد ساختمان زبان آموزی است ضروری است، که در این فصل ابتدا پیرامون وظایف معلم در امر پرورش نیروی شنوائی اطفال گفتگو شود و نکات لازم یادآوری گردد.

می دانیم که اغلب کودکان زمانی که به کلاس اول دبستان گذارده می شوند، شنیدن و گفتن را به طور طبیعی از والدین و کسان خویش آموخته اند و نسبت به نیازمندیهای زندگی کودکان خود قادر شده اند که خواسته هایشان را بیان کنند و پاسخ سؤالات و چون چراهایشان را بشنوند و بفهمند. ولی پر واضح است که این شنیدن و سخن گفتن بچه گانه برای کسب اطلاعات تازه و درك مفاهیم عالی و پیشرفت اصولی، در راه تحصیل کافی نیست و ناگزیر هرچه جلوتر روند بایستی شنوندگانی ماهر تر و دقیق تر و گویندگانی خوش بیان تر و بلیغ تر بار آیند.

اما چون هر معلمی در کار تدریس همواره با دو عامل اصلی «دانش» و «کودك» مواجه می باشد و برای رهبری و اداره کلاس و تعلیم صحیح

مبتنی بر (شناختهای دو گانه) «۱» که در آموزش و پرورش جدید، به عنوان اصلی مسلم در مورد صفات يك پرورشکار واقعی ارائه گردیده است، باید کار کند؛ نخستین وظیفه اشناسائی دانش آموزان و آگاهی از استعدادها، علائق، و ماهیت مشکلات و مسائلی است که در راه پرورش ایشان وجود دارد.

معلم باید یکایک شاگردان کلاس خویش را از لحاظ روحیات و خصوصیات دیگر به خوبی بشناسد و از جمله ایشان را از لحاظ میزان نیروی شنوایی و نقائص شنیدن مورد مطالعه قرار دهد و پس از کشف و تشخیص ناتوانیها و اشکالات کار، با استفاده از امکانات موجود در کلاس و دبستان برای رفع آنها اقدامات فوری و لازم کند.

تعیین نیروی شنوایی

تعیین درجه نیروی شنوایی و تشخیص نقائص شنیدن در محیط کلاس (به ویژه در کلاسهای شلوغ) کار نسبتاً دشواری است، چه گاهی ممکن است طفلی به واسطه نامناسب بودن جای او در کلاس، یا عدم توانائی بر اظهار عیب خود (به واسطه خجالت یا ترس از معلم و ..) مدتهای مدید نشنود و در نتیجه به علت قرار نداشتن در جریان فعالیتهای عادی کلاس و نفهمیدن درس، در زمره شاگردان ضعیف درآید و کم هوش و کودن معرفی گردد و آموزگار هم متوجه عیب اصلی او نباشد.

۱ - شناختهای دو گانه عبارتند :

- الف : شناخت موضوعها و موادى که در کلاس تدریس می شود
ب : شناخت کودکان از نظر شخصیت، استعداد، میزان هوش و نیروهای دیگر.

معلم‌ان آشنا به فن آموزش و پرورش و دلسوز و علاقه‌مند به حرفه معلمی همه وقت به این نکته توجهی کامل دارند و معمولاً در اوایل هر سال تحصیلی با استفاده از وسائلی بسیار ساده و آثار و علائمی که ذیلاً به آنها اشاره خواهد شد، میزان شنوایی شاگردان خود را اندازه می‌گیرند و با تعیین جای مناسب برای هر کدام در کلاس، همه را هماهنگ و یکسان در راه زبان آموزی جلو می‌برند و تا سرحد امکان از پیش آمدن اتفاقات مذکور جلو گیری می‌کنند.

راه‌ها و وسائلی که معلم می‌تواند به سادگی در تعیین اندازه شنوایی اطفال از آنها استفاده کند عبارتند از :

۱- از ساعت : آموزگار ساعتی را به دست می‌گیرد و از نو آموز می‌خواهد که چند قدم دورتر از او بایستد و بعد با اجرای فرمان کم کم به او نزدیک شود و هر جا که صدای ساعت را شنید توقف کند. بدیهی است که در این آزمایش چون فاصله شنیدن برای اطفال مختلف فرق می‌کند از روی اختلاف فواصل میزان شنوایی شاگرد را تا حدودی می‌توان تشخیص داد.

۲- از املاء کلمات با اعداد : معلم کلمات یا اعدادی را به کودکان املاء می‌گوید و در ضمن اینکه آرام کلمات را تلفظ می‌کند، با کودکان قرار می‌گذارد، که هر کلمه یا عددی را شنیدند به جای آن، خط فاصله‌ای بگذارند. با این آزمایش درجه ضعف شنوایی هر طفلی نسبت به چند درصد خطوط فاصله‌ای که در ورقه خود گذارده است مشخص می‌شود.

۳- از صدای افکندن اشیائی نظیر : پول، مداد، خط کش و...

بر زمین یاروی میز : معلم درحالی که کودک را در فاصله ای معین پشت بدخودش وامی دارد ، پنهان از نظر طفل سکه یا مداد یا خط کش و چیز دیگری را بر زمین و یاروی میز می افکند . طفل باید صدای شیئی مورد نظر را تشخیص دهد و بگوید . « ۱ »

۴ - از تلفظ اعداد و کلمات : معلم به طرق مذکور شاگرد را در فاصله ای تقریباً ۵ متر دورتر از خود درحالی که پشتش به طرف اوست وامی دارد . بعداً دستور می دهد که مثلاً سوراخ گوش راست را بگیرد و قبلاً به طفل متذکر می شود که از میان اعداد یک تا بیست چند عدد را خواهد گفت که او نیز باید تکرار کند و بگوید چه عددی است . سپس آموزگار اعدادی را تلفظ می کند و پس از هر تلفظ قدری صبر می کند تا شاگرد عدد منظور را تکرار کند . اگر کودک تمام اعداد را درست تکرار کرد ، نشانه آن است که شنوائی او طبیعی است و گرنه ضعف یا ثقل سامعه دارد « ۲ »

۵ - از رادیو یا ضبط صوت : اگر وسائلی نظیر رادیو بلند گو یا ضبط صوت در مدرسه باشد ، معلم می تواند از آنها برای تعیین میزان شنوائی شاگردان نظیر آزمایش ساعت استفاده کند ، بدین ترتیب که صدای بلند گو ، یا رادیو را تا حد امکان کوتاه کند به طوری که جز از چند

۱- روانشناسی پرورشی ، نگارش : دکتر علی اکبر سیاسی استاد دانشگاه

تهران . صفحه ۵۴ چاپ تهران

۲- روانشناسی عملی تألیف دکتر محمد باقر هوشیار استاد فقید دانشسرای

عالی تهران صفحه ۳۸۳ چاپ تهران

قدیمی صدای آن تشخیص داده نشود ، سپس شاگردان را در فاصله ای وادارد واز آنان بخواهد که به رادیو و ... نزدیک شوند واز هر فاصله که صدای آنرا شنیدند ، مطالب گوینده را برای او تکرار کنند. با این آزمایش از روی اختلاف فواصل، معلم می تواند تا حدودی میزان شنوایی اطفال را تعیین کند .

علائم نقص شنوایی

مهمترین آثاری که از روی آنها آموزگاری تواند ضعف و نقص شنوایی شاگردان خویش را در فعالیتهای کلاس تشخیص دهد عبارتند از :

علائم عضوی : وجود کثافت و چرك در مجرای گوش ، سرما خوردگیهای مزمن ، گوش دردهای متوالی ، عدم موازنه و تعادل بدن هنگام ایستادن و راه رفتن ، غیرطبیعی بودن ساختمان لاله و سوراخ گوش .

علائم صوتی : اشتباه در تلفظ لغات معمولی ، ادا نکردن یا جا به جا کردن بعضی از صداها و کلمه . بلندتر حرف زدن از حد طبیعی است.

علائم رفتاری : گردانیدن سر بیک طرف در هنگام سخن گفتن کسی و پیش آوردن گوشی که بهتر می شنود ، تقاضای مکرر برای تکرار تلفظ لغات و جملات از گوینده . چشم به دهان گوینده دوختن و خیره به او نگاه کردن ، بی اعتنائی نسبت به بحثها و گفتارهایی که در کلاس انجام می گیرد ، ایما و اشاره های زائد از اندازه در موقع سخن گفتن ، اشتباهات پی در پی در اجرای دستورهای آموزگار و ... است

علائم روانی : عبارتند از : خشمگینی و بد خلقی و زود از جا در رفتن ، اضطراب و هیجان دائمی ، خود را نسبت به دیگران خفیف و حقیر احساس کردن

عبوس و ابله نما بودن ، عدم تمایل به معاشرت و شرکت در فعالیتهای دسته جمعی و اختیار انزوا و عزلت «۱»

وظایف معلم در مورد پرورش و رفع نقائص شنوایی اطفال :

معلم در مواجهه با شاگردان معلول موظف است که پس از تشخیص میزان شنوایی آنان ، جای ایشان را در محلی مناسب از کلاس معین کند ، به طوری که بد آسانی او را ببیند و گفتارش را بشنوند ، او باید در بازدید های روزانه که از لباس و نظافت سروصورت اطفال به عمل می آورد ، مخصوصاً به بهداشت گوش آنها توجه داشته باشد و در مورد نظافت و تمیز نگه داشتن لاله و مجرای گوش تذکرات لازم بدهد و یاد آوری کند که هیچ گاه اشیائی نظیر مداد ، سوزن و . . را در گوش داخل نکنند و از گوش کردن به صدا های شدید که گاه ممکن است پسرده گوش را پاره کند بپرهیزند . و در صورتی که افرادی مبتلا به درد گوش یا سرما - خور دگی باشند ، با مطلع کردن مدیر مدرسه یا خانواده شان آنان را برای معالجه به طبیب راهنمایی کند . و برای ایجاد هماهنگی و سازگاری کودکانی که دارای نقص یا ضعف شنوایی هستند ، سعی نماید که بین ایشان و کودکان سالم در فعالیتهای کلاس هیچگونه فرق و استثناء گذاشته نشود . و برای تأمین آرامش روح و برطرف شدن ناراحتی های عاطفی کودکان معلول متوجه باشد ، که شاگردان کلاس آنها را به باد تمسخر نگیرند و مورد استهزاء قرار ندهند . همچنین بر معلم است که با کمال

بردباری به پرسشهای مکرر و در خواسته‌های متوالی این دسته جواب بگوید و باتشویق و کار بیشتر وسیله دلگرمی آنان را فراهم آورد.

و به‌طور کلی برای پرورش نیروی شنوائی هم‌شاگردان سعی کند که خودش همواره به عنوان سرمشق آهسته، شمرده و واضح سخن گوید و حتی الامکان از جملات کوتاه استفاده نماید و به شاگردان خاطر نشان سازد که هنگام شنیدن سخنان او یا کسان دیگر خوب دقت کنند و گوش بدهند و به تمام اجزای جملات و کلماتی که بیان می‌شود توجه کنند و از هیچ کدام نشنیده نگذرند و برای جایگزینی لغات تازه در ذهن و صحیح تلفظ کردن پس از شنیدن، هر واژه تازه را با خود چند مرتبه تلفظ کنند و آنها را در جملاتی به کار برند.

از جمله راههایی که معلم برای تربیت و تمرین شنوائی می‌تواند استفاده کند، پیغام بردن و پیغام گرفتن شاگردان است. این موضوع را می‌تواند بصورت دادن پیغام به اولیاء مدرسه یا خانواده طفل و یا رساندن پیام از کلاسی به کلاس دیگر بد وسیله نوآموز عملی کند و یا آن را به شکل بازی دسته جمعی در آورد.

دادن مأموریت به کودک برای شرکت در جلساتی نظیر سخنرانی و شنیدن سخنان ناطقین یا گوش کردن به برنامه‌های سانه رادیویی و ایراد گزارش شفاهی از آنچه شنیده است، از راههای دیگری است که در تقویت نیروی شنیدن مؤثر است از سرود و آواز و آهنگها و گاه

سکوت «۱» و کلیه پیشنهادهایی که در بخش پرورش نیروی تکلم ارائه خواهد شد نیز برای تلطیف و پرورش نیروی شنوایی استفاده می شود.

آداب شنیدن

موفقیت در جوامع امروز نصیب کسانی است، که هر چه بیشتر با قرارداد های اجتماعی و آداب معاشرت آشنا باشند و بدانند که در هر زمان و مکانی چگونه رفتار کنند و به چه نحو در برابر کردار مردم عکس العمل مناسب نشان دهند. حشرو نشر با افراد که خودده تضدن سخن گفتن با آنان و گوش کردن به آراء ایشان است، با آدابی مخصوص همراه است. پیدا کردن مهارت و شایستگی در هر کدام از مراحل چهار گانه زبان آموزی بستگی به رعایت مقرراتی خاص دارد، که نو آموز آنها را در محیط مدرسه باید فرا گیرد و با تمرینهای مستمر جزء عادت یا طبیعت ثانوی او شود.

از آن جا که شنیدن خود از عوامل اصلی زبان آموزی و بالمال از مسائل مهم پیشرفت در کارهای اجتماعی است، تعلیم آداب آن باید از مسائل مهم تربیت به شمار آید و توجه کاملی به آن مبذول گردد. به منظور آنکه

۱- «تمرین سکوت» به این صورت انجام می گیرد که معلم و شاگردان ساکت و خاموش در کلاس می نشینند به طوری که کوچکترین صدا حتی نفس کشیدن آنها نبایستی شنیده شود، با این عمل سکوت مطلق در کلاس حکم فرما می شود. در این هنگام گوش شاگردان برای شنیدن صداهای حقیقی مانند به هم خوردن ملایم برگ درختان محوطه مدرسه یا تیک تاک ساعت دیواری یا آواهایی که از مسافتات دور می رسد. دقت و حساسیت مخصوصی پیدا می کند و بدینوسیله به تقویت و تربیت شنوایی ایشان کمک می شود.

هر معلمی شاگردان خویش را مبادی آداب بار آورد و آنها را شنودگانی دقیق و مؤدب تربیت کند، ضروری است که در مواقع مقتضی نکات ذیل را به آنها خاطر نشان سازد که : هنگام شنیدن مؤدب وساکت باشد .
کلام گوینده را قطع نکنند و بی موقع نخندند و نجوا و سرگوشی ننمایند

نسبت به گفتار گوینده بی اعتنائی نشان ندهند و به اطراف نگاه نکنند بلکه متوجه او باشند .

بادقت به سخنان وی گوش فرادارند و چنانچه اشکال یا پرسشی برایشان ضمن گفتار گوینده پیش آید یا در خاطر بسپارند و یا یادداشت کنند و در پایان گفتار بارعایت نوبت مؤدبانه و با کسب اجازه، از وی بپرسند و زمانی که جواب شنیدند از گوینده تشکر کنند .

همچنین در محاورات و گفتگوهای عادی در مجالس و محافل باید؛ به سخنان خصوصی کسانی که نمی خواهند کسی از گفتگویشان با خبر شود دزدیده گوش نکنند (استراق سمع نکنند)

و وقتی سخن فردی را گوش می کنند قیافه درهم نکشند بلکه متبسم و گشاده رو باشند و فواید خاموشی را بدانند و همه وقت مستمعینی باشند که صاحب سخن را بر سر کار آورند .

میاور سخن در میان سخن
نگرید سخن تا نبیند خاموش
(سعدی)

* سخن را راست ای خردمند و بن
خداوند تدبیر و فرهنگ و هوش

* در مجالس حرف در گوش زدن بایکدگر

در زمین سپنه ها، تخم نفاق افشاندن است

بخش دوم

سخن گفتن

اهمیت سخن

سخن آموزی و مراحل سه گانه آن

عوامل مؤثر در پرورش و پیشرفت سخنگوئی

نواقص سخنگوئی اطفال (اشتباه - اختلال - لکنت)

علل لکنت زبان

وظیفه معلم در رفع اشتباهات و نواقص سخنگوئی اطفال

راهها و فرصتهای مناسب برای پرورش نیروی گویائی

نوآموز در دبستان

سخنرانی

شرایط و چگونگی سخنوری

آداب سخن گفتن



جمال‌مرد فصاحت زبان اوست.

«حمد» ص

سخن در زبان ای خردمند چیست؟
کلید در گنج صاحب هنر
چو در بسته باشد نداند کسی
که گوهر فروش است یا پیله ور
سعدی

سخن و اهمیت آن

سخن به اصواتی اطلاق می‌شود که مبتنی بر اندیشه و تعقل و از روی قصد و اراده برای بیان مفاهیم ذهنی و مقاصد انسان به کار می‌رود. سخن بزرگترین موهبتی است که خداوند به آدمی اعطا نموده «۱» و بدینوسیله او را اشرف مخلوقات کرده است. سخن گفتن از عوامل اصلی عمل تفهیم و عالیترین نمودار و وجه تمایز انسان از حیوان است. تعاریف و اصطلاحاتی را که فلاسفه و دانشمندان جامعه شناس نظیر: «انسان حیوانی است ناطق» یا «حیوانی است اجتماعی» در مورد آدمی به کار برده‌اند، گویاترین دلیل بر اهمیت سخن و نقش مؤثر آن در زندگی انسانی است.

تمدن و فرهنگ هر اندازه جلوتر رود و رابطه ملت‌ها با یکدیگر بیشتر گردد. نیاز به سخنگوئی محسوس‌تر می‌شود. در کشورهای راقیه جهان، امروزه کسانی در کارهای اجتماعی به کامروایی و پیروزی

۱- در اهمیت و مقام سخن تنها این نکته کافی است، که خداوند در کتاب آسمانی قرآن بعد از خلقت انسان، مهمترین موضوع را در آفرینش آدمی اعطای نیروی بیان به او دادند، آنجا که می‌فرماید، خدای مهربان به رسولش محمد (ص) قرآن آموخت و انسان را خلق کرد و به او تعلیم نطق و بیان فرمود. سورة الرحمن آیات ۴۰-۳۰-۲۰-۱

زیادتری می‌رسند، که بهتر می‌توانند خواسته‌های خود را بیان کنند و حرف بزنند.

هر کس در هر شغل و مقامی باشد يك معلم، و کيل دادگستری مهندس، پزشك، پیشدور، شاگرد مدرسه و... برای شناساندن خود به جامعه، و دفاع از حقوق حقه خویش احتیاج مبرمی به سخن گفتن دارد. ما امروز «همه‌وقت» و «همه‌جا» چه در منزل باشیم، چه در مدرسه یا اداره، چه در محافل خانوادگی یا مجالس عمومی، نیاز داریم که خوب حرف بزنیم. معرف شخصیت و طرز تفکر ما سخن گفتن ماست. در امر آموزش و پرورش سخن سبکترین و روشنترین وسیله تعلیم است. بیشتر وقت يك معلم در کلاس درس صرف حرف زدن می‌شود. از نظر روانی فایده سخن گفتن خوب در آن است، که نیروی اعتماد به نفس را زیاد می‌کند، روح شهادت را قوی می‌سازد و در نتیجه نیروی مقابله با مشکلات را در انسان توانا می‌کند.

با این وصف، حال که آینده‌مترقی و تحول‌بازندگی پیچیده آن در انتظار فرزندانمان می‌باشد. برای ساختن افرادی متعادل و سازگار با جامعه فردا وظیفه ماست، که از هر فرصتی برای به کار انداختن استعداد های نهفته آنان استفاده کنیم و به‌خصوصاً به مسئله سخن گفتن که تا کنون کمتر به آن اعتنا شده است، توجه داشته باشیم و بر اساس طر حهای صحیح و جهان پسندانه و ارشاد و رهبری اصولی، نوآموزان خویش را از پلکان دوم زبان آموزی عبور دهیم و مهارت گویائی را در ایشان ایجاد کنیم.

سخن آموزی

ظاهراً سخن گفتن از کارهای ساده و عادی بشر به شمار می‌رود ، در حالی که آن را از شگفت ترین و پیچیده ترین اعمال او باید دانست . اگر کودک را از نخستین روزهایی که زبان باز می‌کند تا هنگامی که به مرحله مهارت در سخن گوئی می‌رسد. مورد مطالعه قرار دهیم ، ملاحظه می‌کنیم که علاوه بر آن که مغز وی باید رشد طبیعی و کامل پیدا کند ؛ چون « در ادای يك كلمه ساده ، تقریباً صد عضله با هماهنگی دقیق و کامل باید حرکت کنند . و حرکات حنجره با حرکت عضلات سینه و شکم و صورت و دهان و گلو در کمال هماهنگی باشد »^۱

در نتیجه ، جریانی بس پیچیده و طولانی از لحاظ روانی و فیزیولوژی در روح و جسم کودک باید طی شود ، تا سخن گفتن را فرا گیرد . و از این روست که همه دانشمندان علم انسان شناسی ، زبان را معجزه ای شگفت انگیز و کاری خطر می‌دانند . در حالی که این مهم به نظر اغلب ما ممکن است امری عادی و ساده و ناچیز جلوه گر شود.

برخی از روانشناسان مراحل تدریجی پیشرفت تکلم را به ترتیب ذیل می‌دانند :

۱ - مشکل سخن گفتن اطفال « تألیف ک . وان رابیر » ترجمه نمینه پیر نظر

الف : مرحله انعکاسهای صوتی و حرکات خیالی ضعیف .

ب : « ادای کلمات جویده و نامفهوم .

ح : « استعمال کلمات ساده :

د : « به کار بردن جملات يك کلمه‌ای .

ه : « ترکیب کلمات و ساختن جملات کامل .

و : « احراز تسلط بر زبان و سخن گفتن مستقل «۱» .

ولی به طور کلی برای یاد گیری سخن و بیان کامل، سه مرحله اساسی

ذیل به ترتیب حائز اهمیت است .

فهم کلمات : در کار سخن گوئی قبل از هر چیز معانی کلمات را

باید فهمید و مفاهیمشان را تشخیص داد .

سخن گفتن اگر با درك معانی توأم نباشد، جز «هذیانگوئی» نام

دیگری بر آن نمی توان گذارد . اغلب کودکان تا هنگام ورود به دبستان

کم و بیش قدرت فهم لغات را پیدا می کنند «۲» و در نتیجه می توانند

زبان معلم را بفهمند و معانی تعلیماتی را که به آنها داده می شود درك کنند .

۱- روانشناسی کودک تألیف Alice Crow - lester Crow

ترجمه مشفق همدانی چاپ تهران صفحه ۸۱ .

۲- سخن آموزی کودکان قبل از دوران دبستان معمولاً بدین ترتیب

انجام می گیرد که نخست کلماتی را فرا می گیرند که با احتیاجات اولیه آنها

بستگی دارد و مورد انس و علاقه شان می باشد و یا لغاتی را که برایشان زیاد

تکرار می شود و حفظ آنها ساده تر است (معمولاً کلمات يك یا دو سیلابی) یاد

می گیرند و از میان کلمات نه گانه زبان فارسی ، ابتدا اسامی و سپس افعال و

آخرتر از همه ضمایر را می آموزند.

اصولاً در تمام مراحل زبان آموزی، همیشه تعداد لغاتی را که نوآموزان می‌فهمند، بر شماره واژه‌هائی که می‌توانند تلفظ کنند و به کار برند فزونی دارد. این موضوع در مورد بزرگسالانی که يك زبان خارجی را می‌آموزند نیز صادق است، چه‌ایشان غالباً کلماتی را که اهل زبان می‌گویند، ممکن است بفهمند، درحالی که مدت‌ها طول می‌کشد تا بتوانند همان کلمات را به‌طور مقبول و صحیح به کار برند.

تلفظ: بعد از درك معانی کلمات مرحله تلفظ پیش می‌آید. خردسالان تلفظ کلمات را بیشتر از راه تقلید می‌آموزند و همان‌طور که بزرگسالان (پدر، مادر، معلم، همبازی‌هاشان) تلفظ می‌کنند، فرا می‌گیرند و سپس ادا می‌نمایند. هر طفلی تغییر تلفظ در دوران کودکی برایش بسیار آسان است و با تغییر محیط و تماس با افراد مختلف، در اندك مدتی تلفظ مصاحبان تازه خود را می‌پذیرد. چنان‌که مثلاً يك كودك مشهدی که به لهجه محلی خو گرفته است، اگر به تهران یا کرمان یا شیردیکری برود، به‌زودی به لهجه تازه حرف خواهدزد. در حالی که در دوران نوجوانی و پس از آن تغییر تلفظ به واسطه عادت و تمرکز واژه‌های آموخته شده در ذهن، بسیار دشوار می‌باشد.

جمله‌سازی (کاربرد کلمات برای بیان مقاصد): پس از آنکه

كودك معانی لغات را فهمید و در تلفظ صحیح آنها مهارت یافت، برای افهام خواسته‌های خود، ناگزیر است از واژه‌هائی که یاد گرفته است جمله بسازد. جملات اولیه‌ای را که كودك به کار می‌برد معمولاً يك یا دو کلمه‌ای و بصورتی ناقص می‌باشد.

از سن چهار سالگی در جمله بندی طفل تغییراتی محسوس به وجود می آید و در این مرحله به واسطه تمایل شدید او به صحبت کردن و ایراد پرسشهای مکرر، بر طول و پیچیدگی جملاتی که به کار می برد می افزاید و نظم ارکان جمله را بیشتر مراعات می کند و روز به روز در تلفظ صحیح و جای به کار بردن لغات دقیقتر می شود و کلامش پر معنی تر و روشنتر می گردد.

عوامل مؤثر در پرورش و پیشرفت سخن گفتن

سلامتی : کودکان تندرست و با نشاط که دارای جنب و جوش زیاد هستند و پیوسته حرف می زنند، سرود می خوانند، بازی و جست و خیز می کنند یا برای همسالان خود قصه می گویند و در مواجعه با هر مجهولی سؤال می کنند، زودتر سخن گفتن را می آموزند و سریعتر پیشرفت می نمایند و بالعکس کودکان ضعیف و علیلی که به واسطه بیجالی و کم حوصلگی علاقه زیادی به حرف زدن نشان نمی دهند و اغلب ساکت و کز کرده از دایره فعالیت های دسته جمعی کودکان سالم بیرون هستند، به واسطه عدم تمرین کافی در سخن گفتن، کندتر جلو می روند و دیرتر کلمات را فرا می گیرند و زبان می آموزند. اطفالی که مبتلا به ثقل سامعه می باشند، در هر حال از نظر تلفظ لغات و سایر جهات سخن گوئی از همسالان خود عقبترند.

هوش : پیشرفت در تکلم رابطه مستقیمی با میزان هوش دارد. کودکانی که از هوش زیادتری برخوردارند، نه تنها زودتر از سایر کودکان زبان باز می کنند، بلکه تکلم صحیح و بیان روشن و واضح را

در اندك مدتی یاد می گیرند . از مطالعاتی که پیرامون کودکان باهوش و سنجش آنان با اطفال کند ذهن به عمل آمده ، ثابت شده است که: « کودکان با هوش، گاه تا چهار ماه زودتر از زمان معمول زبان باز کردن، شروع به سخن می کنند و در بعضی موارد تا حدود سه سال از لحاظ قدرت گویائی از اطفال کند ذهن جلوتر هستند » « به طور کلی همبستگی میان هوش و تکلم زیادتر از همبستگی میان سن زمانی و تکلم است. ۲ »

محیط : (خانواده ، مدرسه ، اجتماع) : چون کودک سخن گفتن را از راه تقلید می آموزد، لذا مادر ، پدر ، معلم ، کسان و دوستان او در پیشرفت سخن گویش تأثیر بسزائی دارند .

در مراحل اولیه تکلم ، مادر از هر کسی در پرورش سخن گوئی طفل مؤثرتر است . نوع رابطه مادر از لحاظ محبتها ، نوازشها ، سر به سر گذاشتن و عکس العمل وی در برابر پرسشهای طفل و حرف زدن با او، نقش مهمی در کار سازندگی تکلم دارد . « با بررسی کودکانی که در پرورشگاهها زندگی می کنند، آشکار می شود که روابط خانوادگی خصوصاً آغوش پر محبت مادر ، تا چه حد در تکامل سخن گوئی مؤثر است . اطفال پرورشگاهی بواسطه فقدان مادر و کسان دیگر معمولاً دیرتر از سایر کودکان زبان باز می کنند و قبل از اینکه به زبان آیند

۱- روانشناسی کودک تألیف : دکتر لستر کرو و دکتر آلین کرو ترجمه

مشفق همدانی صفحه ۸۸ چاپ تهران

۲- روانشناسی کودک تألیف دکتر مهدی جلالی صفحه ۳۷۳ چاپ تهران

زیادتر گریه می کنند و بطی تر در راه زبان آموزی پیش می روند. «۱»
 پیشرفت کودکان یکدانه و آنهایی که متعلق به خانواده های تحصیل
 کرده می باشند، از لحاظ قدرت گویائی غالبتر و سریعتر از کودکانی است
 که در خانواده های بی سواد و شلوغ زندگی می کنند.
 کودک کی که برادران و خواهران بزرگتر یا کوچکتر از خود دارد
 و همچنین توأمان (دوقلوها - سه قلوها...) («۲» از لحاظ نحوه زبان
 زبان آموزی با سایرین فرق دارند.

بعد از افراد خانواده، دوستان و همبازیهای کوچک و همبزرگهای
 دبستانی طفل، در طرز تکلم و پیشرفت یا تأخیر در سخن گوئی او اثراتی
 مهم دارند. پرواضح است که معلم نیز از عناصر قابل ملاحظه ای
 است، که در رهبری و تربیت نیروی گویائی کودک نقش مؤثری دارد.

وضع اقتصادی و اجتماعی: کودک کانی که در شرایط مناسبه و مرفه

تری از جهت اقتصادی و اجتماعی زیست می کنند، به واسطه تغذیه بهتر
 و استفاده از مواد و ویتامینهای لازم و تأمین کالری کافی در بدن خویش

۱- روانشناسی رشد تألیف الیزابت هارلاک ترجمه دکتر محمود پیر آفتاب

صفحه ۵۱

۲- بنا بر تحقیقاتی که در روانشناسی به عمل آمده است، کودکان دوقلو
 یا سه قلو... از خواهران و برادران معمولی خود در دوران قبل از دبستان
 در کار سخنگوئی عقبتر می باشند. تعداد اناتی که به کار می برند کمتر و جملاتشان
 کوتاهتر و ناقصتر است. علت این امر آن است که ایشان « زبان سری »
 مخصوص به خود دارند و به جای تقلید از بزرگسالان همان زبان سری را به کار
 می برند و چون از اشارات و عوض کردن قیافه مقاصد خود را به یکدیگر می فهمانند
 و از زبان معمول خانواده کمتر استفاده می کنند، در سخنگوئی کندتر جلوه می روند.

عموماً نسبت به کودک کان مستمند سالمترند، و به طوری که در صفحات قبل اشاره شد، سلامتی خود از عوامل اصلی در پیشرفت رشد گویائی است. و از طرفی چون وضع اقتصادی و اجتماعی در روحیات و ایجاد عواطفی نظیر شادمانی و نشاط و یا عقد حقارت و انزوا طلبی و خجلت زدگی کودک نقش مهمی دارد، در پرورش سخنگوئی که خود بر آرامش فکر و آسودگی درونی مبتنی است، طبعاً تأثیر عمده‌ای دارد. از مقایسه و مطالعاتی که بین کودکان طبقه مرفه الحال و طبقات پائین اجتماع یعنی کارگران و زحمتکشان به عمل آمده است، مشخص گردیده است که بین این دو گروه تاسن دوسالگی، تفاوت قابل ملاحظه‌ای در امر گویائی مشهود نیست، ولی از این دوره به بعد اختلافات فاحشی پدیدار می‌شود، به طوری که طرز صحبت و پیشرفت کودک کان دسته اول در تمام مراحل زبان آموزی بر اطفالی که متعلق به خانواده‌های فقیر می‌باشند برتری دارد و توانائیشان در تلفظ واژه‌ها و جمله‌سازی، واضحتر و صحیحتر است.

جنسیت: تا سن دوسالگی بین دختران و پسران اختلاف محسوسی از نظر سخنگوئی موجود نیست، ولی از این زمان به بعد (اگر از موارد استثنائی آن صرف نظر شود) دختران نسبت به پسران در راه زبان آموزی سریعتر پیش می‌روند، کلمات را بهتر فرا می‌گیرند و قدرتشان در تلفظ واژه‌ها و ساختن جملات طولانی بیشتر است. به نظر گروهی از روانشناسان علت این تفاوت به هیچ وجه آشکار نیست. ولی عده‌ای معتقدند که پیش‌رسی دختران و رشد بدنی آنان، در این امر

دخالت تمام دارد. و از طرفی با وجود آنکه احساسات دختران و پسران نسبت به مادر تا دو سالگی یکسان می باشد، ولی چون از این سن به بعد، دخترها می کوشند خود را مطابق مادر کنند و پسران سعی دارند که مثل پدر شوند و وضع زندگی اغلب ما طوری است، که پدران مجبورند محیط خانوادگی را ترك کنند و بیرون از منزل وقت بگذرانند، به واسطه دسترسی بیشتر دختران با سرمشق و مقلد خود و جدائی پسران از پدر. دختران زیاد تر از مادر می آموزند. و چون اختلاف بین صدای يك پسر خردسال با يك مرد، بیشتر از صدای دختری خرد سال با يك زن بالغ است، پسران از این جهت نیز در سخن گفتن کمتر احساس رضایت می کنند، و چون تقلید شان از پدر به نسبت دختران از مادر موفقیت آمیز نیست، کندتر جلو می روند. «۱»

دوزبانی بودن: عامل دیگری را که در پرورش و پیشرفت نیروی سخنگوئی مؤثر باید دانست، یاد دادن زبانی غیر از زبان مادری به کودک است. اطفالی که در دوره دبستان یا پیش از آن، یکی از زبانهای بیگانه را می آموزند و یا به واسطه آنکه پدر، مادر و کسانی که به زبان ترکی یا ارمنی و فرانسه، انگلیسی و... تکلم می کنند و آنها هم مجبورند که در منزل به آن زبان صحبت کنند، نسبت به کودکانی که يك زبان را می آموزند، کندتر در راه زبان آموزی پیش می روند. این دسته آمادگی کافی برای درك مفاهیمی که در محیط مدرسه تعلیم داده میشود، ندارند و سازگاریشان با محیط تازه مشکل است. و به واسطه عدم پیشرفت طبعاً

با ناراحتیهای روانی و عاطفی مواجه می‌باشند و غالباً افرادی ساکت و کم‌حرف و منزوی بار می‌آیند. موضوع دوزبانی بودن آن اندازه در عدم پیشرفت تکلم و توقف نیروی فکری طفل مؤثر می‌باشد که به گفته لوری (Laurie) روانشناس معروف: «یاد دادن دو زبان با هم به کودک نه تنها اندیشه او را افزونتر نمی‌کند، بلکه آن را دو برابر کاهش می‌دهد، زیرا اندیشه و روان طفل در برابر چنین فشار نوینی ناتوان است»^۱

نواقص سخن‌گوئی اطفال

با در نظر گرفتن مبحث گذشته (عواملی که در پرورش و پیشرفت سخن‌گوئی مؤثر است) روشن می‌گردد، که کودکانی که در يك کلاس به عنوان دانش آموز دوریکدیگر جمع می‌شوند، از جهت قدرت گویائی و طرز بیان یکسان و هماهنگ نیستند. و بسته به آنکه تا کدام يك از عوامل مزبور در روح و جسم ایشان اثرات شدیدتر یا کمتری گذاشته باشد و تا در چه موقعیت و شرایطی پرورش ورشد یافته باشند، بایکدیگر فرقهائی در سخن گفتن دارند. بنا بر این کار معلم علاوه بر توجه به اختلافات فردی دانش آموزان، مطالعه رفتار آنان و کشف علل و نواقصی است که بر اساس تفاوت‌های روحی و جسمیشان در کار سخن‌گوئی پیش می‌آید. و همچنین وظیفه دیگری، اجرای روشی صحیح و اصولی در پیش‌گیری و

فرزان تن و روان تألیف: دکتر عبدالله بصیر صفحه ۲۶۵ از انتشارات دانشگاه تهران

رفع نواقص موجود آنان (در حدود امکان) می باشد .

مهمترین نواقص سخنگوئی اطفال عبارتند از :

۱ - اشتباه در تلفظ : اشتباه در تلفظ اغلب نتیجه خطا در یاد

گیری است .

سهل انگاری کسان طفل در پرورش نیروی گویائی او و عدم راهنمایی و تصحیح نکردن اشتباهات لفظی کودک به واسطه محبت‌های زیاده از حد و علاقه بدشیرین زبانی و سخن گفتن بچه گانه او در مرحله پیش از دبستان، از علل اصلی اشتباه و اشکال در تلفظ است .

اشتباهات گویائی اطفال معمولاً عوض کردن ، حذف کردن ، و یا اضافه کردن صداها در کلمات است .

مثلاً ممکن است کودک بی جای کلمات (نکن = ننن) یا (گفتم = دفتم) یا (صدا = شدا) یا (تا کسی = ناسکی) یا (پسچی = پسچی) و (رفتند = رفتن) به کاربرد . یا هنگام بیان مطالبی به واسطه پیدا نکردن لغتی مناسب در ذهن ، بعضی از اجزای جمله (غالباً حروف اضافه، ربط و ضمائر) را بیاندازد ، یا به علت ندانستن معنی درست بعضی از واژه‌ها ، آنها را اشتباه و برخلاف قاعده دستوری تلفظ کند، مثلاً به جای کلمه پختم = پزیدم و یادو ختم = دوزیدم بگوید .

۲ - اختلالات صوتی : اختلالات صوتی شامل بانوک زبان صحبت

کردن ، جویده و نامشخص سخن گفتن (له کردن کلمات) و یا توبیننی و از حد معمول بلندتر حرف زدن است .

اختلال در تکلم یا ممکن است جنبه عاطفی و روانی داشته و یا مریض بوط

به نقص و عدم رشد اعضای گویائی باشد.

ترس، کمروئی، عجله در گفتار، بی میلی به سخن از عوامل روانی، و عدم تکامل اعضای مخارج حروف و نقص رشد عضلات دهان، زبان، حنجره و یا جفت نشدن طبیعی دندانها یا بزرگی زبان و شکافنگی سقف دهان و ضعف قوه شنوایی و بیماریهای دیگر از عوامل جسمی اختلال گویائی است.

۳ - **لکنت و گرفتگی زبان** : لکنت به حالتی در سخن گوئی اطلاق می شود که در گفتار گوینده مکثها و سکته هایی حاصل شود و در نتیجه رشته طبیعی کلام گسیخته و کلمات تکرار گردد و گاه به گاه صدای گویند قطع شود و ناگهان چند کلمه را سریع و پشت سرهم بیان کند. گرفتگی زبان حالتی است شبیه لکنت با این تفاوت که گوینده ضمن سخن اغلب برای مدتی قادر به ادای کلمات نیست، به طوری که مرتب نفس می زند و رنگ صورتش برافروخته و کبود می شود و کلماتش رامثل آنکه داخل دهان می جود.

لکنت زبان موضوعی است که در میان کودکانی که هنوز به دبستان نرفته اند، تقریباً عمومیت دارد. طبق تحقیقاتی که در روانشناسی به عمل آمده است، اغلب کودکان کشورهای متمدن پیش از دوران تحصیل به واسطه هماهنگ نبودن و عدم توازن میان سرعت فکر و سخن گوئی، به لکنت زبان مبتلا می شوند. «چنان که در کشورهای آمریکا

صدی هشتاد و پنج اطفال به لکنت مبتلا هستند . « ۱ » و-ی این نقص تا رسیدن به دوران مدرسه، کم کم در گروهی برطرف می شود و فقط در کودکانی که با علل ذیل مواجه می باشند ، ممکن است حتی تا دوران بلوغ باقی بماند.

علل لکنت زبان

۱ - شتاب در سخن گفتن موجب لکنت در زبان می شود . این امر در مورد بزرگسالان نیز صادق است . یک فرد سالم و طبیعی اگر در سخنگوئی از حد معمول تندتر حرف بزند ، به واسطه عدم کنترل فکر در تنظیم کلمات و استعمال نکردن بجای آنها در جملات ، مجبور است لغات را تکرار کند و طبعاً مکث و توقف در گفتارش پدیدار می گردد و زبانش گیر می کند و لکنت برایش پیش می آید.

۲ - عدم اطمینان به خود ، که غالباً در سایه ترس از معلم یا استهزاء و تمسخر شاگردان کلاس یا احساس حقارت و کمروئی به وجود می آید .
۳ - ذوق زدگی و خوشحالی زیاده از حد و یا بالعکس تأثر و ناراحتی شدید روحی که موجب عدم تعادل در تنظیم فکر و گفتار می شود.

۴ - محدود بودن دامنه اطلاعات لغوی و اشکال در تلفیق و ترکیب کلمات و جمله سازی .

۱- از تحقیقاتی که در میان مردم غیر متمدن و قبایل بدوی به عمل آمده ، معلوم شده است که آن-ان هیچگاه به لکنت زبان مبتلا نمی شوند.

۵ -- فشار و شدت عمل معلم و پرسشهای بیجای او و واداشتن کودک به اقرار بعضی از مطالب هنگام تنبیه و یا تشویق و تشجیع بـموقع کودک به صرف کردن نیروی زیاده از حد، برای نمایش اجباری و حرف زدن به عنوان هنر نمائی .

۶ -- انتقال عمل نوشتن از دست چپ به دست راست (۱)

۷ -- توارث

وظائف معلم در رفع نواقص سخنگوئی اطفال

برای رفع اشتباهات لفظی و اختلالات صوتی که یا به واسطه نا آشنائی کودک با صورتهای سمعی بعضی از کلمات و یا نا توانی او در تلفظ بعضی از حروف (از جمله س-ك-غ-ر و ..) پیش می آید، وظیفه معلم این است که آن دسته از حروف و لغاتی را که تلفظ آنها برای کودک دشوار می باشد؛ به صورتی روشن و صحیح و رسا تلفظ کند و جای به کار بردن آنها را ضمن جملاتی ساده نشان دهد و از طرفی کودکان

۱- در ناحیه خاکستری قاعده مغز منطقه ای به نام برکا «Broca» وجود دارد که مکانیزم تکلم با آن ارتباط دارد. درباره ای از اشخاص این ناحیه در طرف چپ مغز و در برخی دیگر در طرف راست قرار گرفته است و از این رو دخالت در عمل دست موجب دخالت در عمل تکلم خواهد شد، زیرا مرکزی که مربوط به عمل دست است، با مرکز عمل تکلم ارتباط و بستگی بسیار دارد و چون راست دستی و چپ دستی طبیعی است، دخالت در آن، مداخله در امری طبیعی بوده و بالنتیجه عمل مزبور يك حالت غیر طبیعی است و اختلال تکلم را موجب می شود. «روانشناسی کودک تألیف: دکتر مهدی جلالی شیرازی ص ۲۸۲ چاپ تهران»

را و او دارد که حروف و کلمات مورد نظر را خوب گوش کند و بعد تلفظ نمایند . به منظور تمرین صدای حروف ، معلم می تواند بازیهای ممتد گفتن حرف و یا تلفظ کلمات هم آغاز و هم پایان و هم قسافیه و . . که در مرحله خواندن (دوره آمادگی) بدان اشاره خواهد شد استفاده کند .

برای رفع و درمان لکنت زبان یا پیشگیری و تضعیف آن، معلم باید نکات اساسی ذیل را همواره در نظر گیرد و در مورد کودکان معلول مرعی دارد :

اول : آنکه به خوبی تشخیص دهد که لکنت واقعاً غیر عمدی و مربوط به اختلال عضوی و یا عوامل روانی است و تعمدی در آن وجود ندارد .

دوم : در مواجهه با کودکانی که به لکنت مبتلا هستند، با کمال شکیبائی به گفتار آنان گوش دهد و با خوشروئی و مهر بانی طوری با ایشان عمل کند ، که با اطمینان خاطر بتوانند خواستهای خود را بیان کنند .

سوم : همواره از آنان سؤالاتی بکند که به دادن جواب قادر باشند تا بدین ترتیب موفقیت خود را حس کنند و هیچگاه ضمن سخن مترجم بیان آنها نباشد، بلکه بگزارد خودشان حرف بزنند.

چهارم : در حضور آنها نقصشان را مهم جلوه ندهد و مراقبت کند که اطفال دیگر نیز لکنت دوستان خود را بابتی اهمیتی تلقی نمایند و آنها را تمسخر و استهزا نکنند .

پنجم : اگر اطفال معلول، به نقص خود واقف باشند به ایشان خاطر نشان سازد که اغلب مردم ممکن است در سخن گفتن کند باشند و

این نقصی است که به تدریج رفع می شود و به ایشان تلقین کند ، که عیبی ندارند .

ششم : در کار نوشتن آنها را آزاد بگذارد که هر دستی مایلند بنویسند .

هفتم : در صورت امکان با خانواده طفل یا با پزشك ، متخصص تماس بگیرد و از آنها در علاج ایشان یاری بطلبد .

هشتم : خود معلم همیشه از نظر خونسردی ، شمرده و صحیح سخن گفتن ، باید سرمشق باشد و همواره به کودکان یاد آوری کند که کارهای او را در نظر گیرند و مثل او حرف بزنند .

راهها و فرصتهای مناسب برای پرورش نیروی سخنگوئی در دبستان

چون موفقیت دانش آموزان در تمام مراحل زبان آموزی و پیشرفت ایشان در آموختن همه دروس را بطهء مستقیم با قدرت تکلم دارد ، بر آموزگاران است که از هر فرصت مناسبی برای پرورش قوه سخنگوئی و تربیت حسن معاوَره و آموختن آداب مکالمه به نو آموز در محیط دبستان استفاده کنند .

برای تربیت قوه گویائی اطفال ، هر معلمی باید :
اولاً از خصوصیات روحی و جسمی نو آموزان کلاس خویش به خوبی مطلع باشد و از هر جهت آنها را بشناسد و به عواملی که در پیشرفت زبان مؤثر است و قوف بالنسبه کاملی داشته و به نقائص تکلم آشنا باشد و ثانیاً در سایه شناسائیهای مزبور نیروهای پسندیده و عادات ارزنده دانش آموزان را تحریک و تقویت کند و با راهنمایی و زیر نظر

گرفتن دائمی اعمال آنان، زاهمواریها و معایب و عادات ناپسندشان را برطرف سازد و تربیت تکلم را منحصر به ساعت مخصوص و معینی نداند، بلکه در تمام ساعات برنامه و کلیه دروس به این امر توجه کامل مبذول دارد. و پیشروی در تکلم صحیح و حسن محاوره را بهترین وسیله سنجش در پیشرفتهای درسی بداند. در نتیجه از همه امکانات موجود در محیط مدرسه برای این منظور استفاده کند.

شرکت دادن دانش آموز در فعالیتهای ذیل از جمله راههایی است که برای معلم فرصتهای مناسبی را در کلاس درس جهت کشف نواقص گویائی و راهنماییهای لازم و ارزشیابی و اندازه گیری پیشرفت تکام فراهم می سازد. باز گوئی درس. گفتگو پیرامون موضوعهایی از قبیل بازیها توضیح در مورد لوحه های مصور یا طرز ساختن لوازم و کارهای دستی. در این مورد معلم مثلاً می تواند توجه کودکان را به قطعه ای چوب باتند درختی جلب کند و از ایشان پرسد که چه وسائلی را نجار از آن می تواند بسازد.

شرح ایام تعطیل، جشنها، اعیاد، مسافرتها، فیلمها

گزارش از گردشهای علمی.

شرکت در فعالیتهایی نظیر پیغام بردن و خبر گرفتن و پیام آوردن و مصاحبه با اولیای مدرسه و افراد دیگر. ایجاد بحثهای مشورتی پیرامون مسائلی نظیر: طرح ریزی برای ساختن واحد کار، یا آماده کردن برنامه جشنی در دبستان، یا تهیه مقدمات و کشیدن نقشه ای به منظور رفتن به گردش علمی و بازدیدهای دیگر.

انجام فعالیتهای سرگرم کننده ای از قبیل: مسابقات هوش، مسابقات

بیست سؤالی، طرح چیستانها «۱» و لغزها، سرود خوانی، مشاعره،

۱- چیستان و لغز که جزء ادبیات عامیانه و فولکور زبان فارسی است از جمله سرگرمیهای اغلب خانوادههای شهری و روستایی ایران است و بیشتر کودکان با آنها آشنایی دارند. معلم می تواند با طرح چیستانهای مناسب کودکان را به سخن گفتن وادارد و بدینوسیله هوش و فکر آنها را پرورش دهد. چیستانهایی که بین مردم متداول است یا به صورت نظم است یا نثر که ذیلاً چند نمونه آن از سالنامه اخگر سال ۳۹ نقل می شود.

نمونه هایی از چیستانهای منظوم:

آن چیست که دست و پا ندارد	گرداست و دراز و در ندارد
اندر شکمش ستارگانند	جز نام دوجانور ندارد

ج = خریزه

چیست آن گرد گنبد بی در	پوست در پوست گرد یکدیگر
هر که بگشاید این معما را	رخش از آب دیده گردد تر

ج = پياز

شخصی خداشناس چیزی به دست داشت

می گفت و می شنید که این «به تر» از خداست

ج = به

درختی را که ایزد آفریده	ده و دو شاخه بر او برگزیده
که بر هر شاخه ای سی برگه دارد	به هر شاخه دو میوه آفریده

ج = سال، دوازده ماه، سی روز، شبانه روز

چیست کاندردهان بی دندان	هر چه افتاد ریز ریز کند
چون زنی در دو چشم او انگشت	در زمان هر دو گوش تیز کند

ج = قیچی

نمونه هایی از چیستانهای منثور:

آن چیست که همه را می پوشاند و خود همیشه لخت است	ج = سوزن
همه را می بیند و خود را نمی بیند	ج = چشم

مناظره ، تلفن کردن و ...

بر گزاری نمایشهای ساده ، خیمه شب بازی یا بازیهای که جنبه نمایش داشته باشد (مانند: مهمان بازی ، دکان بازی ، معلم بازی و ...) داستان گوئی توسط خود شاگردان یا معلم و پرسش از نتایج اخلاقی آنها .

چون داستان گوئی و شنیدن افسانه و قصه از جمله سرگرمیها و مأنوسات مهم زندگی کودکان به شمار می رود و از نظر تعلیم و تربیت «داستان به منزله پلی است که دنیای افسانه ای و تخیلی کودک را به دنیای واقعی بزرگسالان مربوط می سازد و او را به ارزشهای اخلاقی را هنمایی می کند و بهترین وسیله ظهور وجدان پاک و خوی و خصلت پسندیده در انسان می باشد و از راه داستان می توان حقایق زیادی از تاریخ و جغرافی و مبادی علوم و طبیعت و اکثر فضایل و صفات نیک را تعلیم داد ۱» و به گفته افلاطون «پرورشی که روح اطفال به وسیله حکایات

→
آن چیست که از لذیذ ترین چیزهاست ولی ، نمی شود آنرا خورد . ج = بوسه
» هر چه از آن بکنند زیادتر می شود . ج = چاه
کدام يك از قراء ایران است که هر وقت اهالی آن بمیرند آنها را در بهار دفن میکنند . ج = قریه بهار
نه نام حقه داده ، حقه سر نقره داده ، می توانم درش را باز کنم ،
نمی توانم درش را ببندم ج = تخم مرغ
ديك چوبی ، ديگر چوبی ، نعمت پخته ، توديك چوبی
ج = گردو

۱- اصول ادبیات کودکان تألیف علی اکبر شعاری نژاد صفحه ۳۴ چاپ تبریز

حاصل می‌کند به مراتب بیش از ترتیبی است که جسم آنها از طریق ورزش پیدامی‌کند»^۱ در نتیجه معلم به خوبی می‌تواند از داستانهای کوتاه و آموزنده و شیرینی که نکات اخلاقی، مذهبی، اجتماعی، تاریخی و غیره را دربرداشته باشد (۲) برای پرورش نیروی سخن‌گوئی نوآموز در کلاس استفاده کند و ضمن آنکه آنها را به سخن‌گوئی وامی‌دارد نیروی تفکر و دقت آنها را با توضیح‌دهنشان به نتایج داستانهای مورد نظر توانا سازد و به‌طور غیرمستقیم، دقایق و رموز زندگی را برایشان تفسیر کند. چه به گفته مولوی:

کودکان افسانه‌ها می‌آورند درج در افسانه‌شان بس‌سروپند
هزل‌ها گویند در افسانه‌ها گنج می‌جود در همه ویرانه‌ها (۳)

سخنرانی

سخنرانی به نوعی از تکلم اطلاق می‌شود که با شرایط و آدابی خاص برای انجمن یا جمعیتی ایراد گردد.

سخنرانی از راه‌های اساسی است که در پرورش نیروی سخن‌گوئی از آن استفاده می‌شود.

امروزه در اغلب مدارس جزء فعالیت‌های فوق برنامه، به تشکیل

۱- جمهور افلاطون ترجمه فؤاد روحانی ص ۱۳۰ چاپ تهران

۲- آموزگاران محترم از تمام داستان‌هایی که در کتابهای قرائت فارسی دبستان و همچنین کتب داستانی که در این کتاب، فهرست آنها در بخش خواندن آورده شده است می‌توانند استفاده کنند.

۳- مثنوی معنوی ج ۳ چاپ تهران صفحه ۲۶۷

انجمنها یا کلوپهای سخنرانی توجه کافی مبذول می‌گردد و اکثر دانش آموزان با علاقه و میلی تمام در آنها شرکت می‌کنند یا برنامه‌هایی آزاد را به‌طور عمومی در تالار سخنرانی مدرسه برگزار می‌نمایند و یا کنفرانسهای کوتاه را در مورد تکالیف درسی در کلاس ای-را-د می‌کنند.

چون سخنوری در واقع جنبه هنرمندانه کار سخنگوئی است و با گفتگوهای عادی و معمولی فرق دارد و شخص سخنران برای ایجاد اقناع و ترغیب در شنوندگان، قواعد و اصولی خاص را باید مراعات کند. برای آشنائی آموزگاران محترم با اصول سخنرانی از میان «هفتاد پند در سخنوری» که نویسنده فرزانه مرحوم ذکاءالملک فروغی در کتاب آئین سخنوری ارائه کرده است، نکاتی که مناسب این بحث می‌باشد ذیلاً نقل می‌شود، معلمان می‌توانند آنها را هنگام ارزشیابی کار سخنرانی شاگردان مورد نظر قرار دهند و در مواقع مقتضی با زبانی ساده به شاگردان خویش بیاموزند و معایب کارشان را با توجه به اصول ذیل برطرف سازند «۱»

۱- برای اطلاع بیشتر از فن سخنوری و آشنائی با شرایط سخن بلیغ علاوه بر کتاب آئین سخنوری تألیف محمد علی فروغی، رجوع شود به کتابهای رمز نفوذ در دیگران و ناطقین زبر دست تألیف دیل گارنگی نویسنده آمریکائی و هنر سخن گفتن تألیف ژرژ سیون نویسنده فرانسوی و هنر سخن شامل سه سخنرانی تألیف بدیع الزمان فروزانفر...

شرایط سخنوری

« برای سخنور شدن هم علم سخنوری لازم است و هم عمل و عشق و ورزش .

سخنور باید محفوظات بسیار داشته باشد و در هر موضوعی که سخن می گوید مساطو از خود مطمئن و دلیر و با شهامت و خونسرد باشد . چون بسیاری از اوقات برای سخنرانی باید گفتار را کتباً تهیه کرد سخنور باید به هنر نویسندگی و علم ادب آشنائی داشته باشد و برای تهیه گفتار، خوب باید تفکر و مطالعه کند و یادداشتها بر دارد و آنها را خوب قرائت نماید و قواعد و اصولی که در سخنوری مراعات می شود باید ملکه او شده باشد ، نه این که در موقع سخنوری بخواهد آنها را به یاد بیاورد و سخن خویش را بر آن منطبق سازد .

سخنورمانند هر هنرمندی باید از نقادی که در باره او می شود آزرده نگردد ، بلکه برای بهبود هنر خود از آنها استفاده کند . سخنوری اگر با حسن نیت و خردمندی توأم شود، برای جامعه سودمندترین کارهاست ، اما اگر برای اغراض نفسانی و نیت بد به کار برده شود مضرتترین چیزهاست . و همچنان که سخنور خوب از جمله بدترین مردم است ، سخنور بد پست ترین اشخاص است و از این رو دانسته می شود حقیقت آن داستان که حکیمی گفت : زبان هم شریفترین و هم خبیثترین اعضای انسان است .

چگونه باید سخنوری کرد؟

چون سخنوری اساساً برای اقناع و ترغیب شنونده است باید برای

شنوندگان مایهٔ تہمت و نشاط باشد .

نباید تصور کرد کہ سخنوری تنها آب و تاب دادن و بلند و کوتاہ کردن صداست ، ہر چند مواردی ہست کہ باید چنین باشد . اما ہر قسم سخن نیکو گفتن ، اگر سادہ و بی پیرایہ باشد مطلوبتر و مؤثر تر است .

بہترین سخنور آن است کہ ہنگام سخن شتاب نکند و شمرده حرف بزند ، فریاد نکشد ، لحن و صوت و اشارات و حرکات و نگاہ خود را مراقبت کند و اگر در میان سخن ، حواسش پریشان شود ، تأمل کند و خونسرد و آرام پیش رود . و از کسی تقلید نکند و وقتی کہ در حضور جماعتی برای سخن گفتن حاضر می شود ہیئت خود را درست و بہ قاعدہ بسازد و تہیر و متبسم و گشادہ رو و نسبت بہ شنوندگان مؤدب و متواضع باشد و در سخن گوئی رعایت وقت و مدت را داشتہ باشد و سخن دراز نکند و با اطناب در گفتار ، شنوندگان را ملول و کسل نسازد و خود را بہ شہوت کلام و پرگوئی معروف نکند و از عبارات دراز و عالمانہ و فضل فروشی و ایراد سخنان سست و ناجا و بیہودہ پرمیزد و عفت کلام را ہمہ وقت مراعات کند . «۱»

اگر واقعاً بی‌بیریم هر کلمه‌ای که از دهان ما خارج می‌شود به منزله سنگی است که در بنای دوستی و دشمنی افراد به کار می‌رود، آن وقت تمامی توانیم، سعی خواهیم کرد که آداب سخن گفتن را مراعات کرده و سخن بی‌هوده و بی‌ارزش از دهانمان خارج نشود.

آداب سخن گفتن

علاوه بر طرح‌های مناسبی که آموزگار برای واداشتن نوآموزان به تکلم باید در محیط کلاس عملی سازد و با حوصله کافی و ابراز علاقه و مهربانی و خوشخوئی از فرصت‌های مناسبی که در صفحات قبل بدانها اشاره شد استفاده کند و خطاهای بیانی و نواقص گویائی ایشان را تصحیح و تکمیل نماید، باید آداب سخن گفتن را به شاگردان خویش تعلیم دهد و با تذکرات اساسی ذیل که رعایت آن برای هر کسی در برخوردهای اجتماعی و گفتگوهای عادی ضروری است، ایشان را به تدریج افرادی خوش فکر و دقیق و مؤدب و مبادی آداب بار آورد:

- ۱ - همیشه قبل از سخن فکر کنند و بی‌اندیشه حرف نزنند.
- ۲ - همواره سعی کنند صدایشان هنگام سخنگوئی یکنواخت یا کوتاه و نارسا و یا خیلی بلند نباشد.
- ۳ - کلمات را درست و روشن و خوش آینده تلفظ کنند و هیچگاه جویده حرف نزنند و یا به اصطلاح (من من) نکنند.
- ۴ - مکانها و مواقع سخن را تشخیص دهند و هر سخن را مناسب

اقتضای حال و موقعیت بگویند . مثلاً در مجـالس شادمانی مطالب غم انگیز بر زبان نیاورند و در عز او سوگواری از بیان مطالب خنده آور و هزل آمیز خودداری کنند .

۵ - حق صحبت دیگران را رعایت کنند و موقعیت مخاطب را از نظر شخصیت و سن و سال در نظر گیرند و با هر کسی در خور شأنش حرف بزنند .

۶ - همیشه در موقع سخن مؤدب باشند و مخصوصاً تعارفات معمول مانند خواهش می کنم، ببخشید، معذرت می خواهم و .. را در موقع اشتباه به کار برند .

۷ - تا از آنها چیزی نپرسیده اند حرف نزنند و چنانچه سؤالی از آنها کردند، اگر می دانند بگویند و اگر نمی دانند با کمال ادب عذر خواهی کنند .

۸ - تا کسی سخنش پایان نرسیده است، کلام وی را قطع نکنند و اگر چیزی را از دیگری پرسند و ایشان جواب آن را بهتر می دانند در جواب بگوئی پیمشدستی نکنند .

۹ - پر حرف نباشند و صحبت های خصوصی دیگران را، احترام بشمارند و در میان جمع، وقتی کسی حرف می زند سرگوشی و نجوا نکنند و بالاخره قبل از این که گوینده خوبی باشند، باید شنونده خوب و باتریمتی باشند .

چون در مورد آداب سخن و شرایط سخنوری از اغلب نویسندگان شعرا و دانشمندان بزرگ جهان، گفتاری آموزنده و کلماتی قصار به صورتهای نظم و نثر بر جای مانده است. بجاست که نمونه هایی از آن برای حسن ختام این فصل و تکمیل بحث آداب سخن نقل گردد.

سخن گفته دگر بار نیاید به زبان اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد



اگر چه پیش خردمند خامشی ادب است
به وقت مصلحت آن به که در سخن کوشی

دو چیز طیره عقل است دم فرو بستن

به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی

سیدی



چو گفتار بیهوده بسیار گشت سخنگوی درانجمن خوار گشت
ز دانش چو جان تر امانیه نیست به از خامشی هیچ پیرایه نیست



سخن چون برابر شود باخرد روان سـراینده رامش برد
زبان در سخن گفتن آثر کن کمان خرد را سخن تیر کن

فردوسی



در بساط نکته دانان خود فروشی شرط نیست
یا سخن دانسته گویای مرد بخرد یا خاموش



با عقل و فهم و دانش داد سخن توان داد

چون جمع شد معانی گوی بیان توان زد

حافظ

☆☆

آن به که نگوئی چو ندانی سخن ایراک

ناگفته بسی به بود از گفته رسوا

اصغر-رو عاوی

☆☆

کم گوی و گزیده گوی چون در

یک دسته گل دماغ-رور

لاف از سخن چو در توان زد

با آنکه سخن به لطف آب است

کم گفتن هر سخن صواب است

نظامی منجوی

یا درست حرف بزن یا عاقلانه سکوت کن .

ژر ژهربرت

کم دانستن و پر گفتن مانند پول نداشته و زیاد خرج کردن است .

ژاپتون کبیر

راست و درست گوی اگر چه تلخ باشد .

انوهیروان

یا خاموش باش و یا حرفی بزن که از خاموشی بهتر باشد .

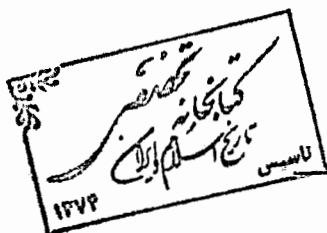
فینا نورث

راست گوی و عیب مجوی ، راستی که به دروغ مانند هم مگوی .

خواجہ عبداللہ انصاری

پر حرفی و پر گوئی مجال تفکر و تعقل را از انسان می گیرد .

باسکال



بخش سوم

خواندن

اهمیت خواندن

هدفهای تعلیم خواندن در دبستان

مراحل تعلیم خواندن

۱- مرحله آهستگی

۲- مرحله آغازخواندن

روشهای سه گانه تعلیم خواندن (تحلیلی - کلی - ترکیبی)

کتاب کلاس اول

کلیاتی در مورد تعلیم خواندن در سال اول دبستان

ارزشیابی خواندن در کلاس اول

خواندن و روش تدریس آن در سال دوم دبستان

۳- دوره پیشرفت خواندن

روش تدریس خواندن در دوره پیشرفت (از سال سوم تا ششم دبستان)

عوامل مؤثر در پیشرفت خواندن

مواد خواندن در دوره دبستان

کتابخانه و اهمیت آن - تشکیل کتابخانه در دبستان

فهرستی از کتابهای مناسب و خواندنی برای کودکان ،

نوجوانان ، جوانان

یگانه راه آشنائی و گفتگو با بزرگان
روزگار خواندن و مطالعه کتاب است.

دکارت

آنچه را باید بعد از بیست سال تجربه
آموخت، مطالعه صحیح در یک سال به ما
می آموزد .

اهمیت خواندن

زندگی امروز چنان سرعت و شتابی را در فعالیتهای بشری پیش
آورده، و آن اندازه پیچیدگی و دشواری را در سازمان اجتماعی انسان
ایجاد کرده است، که هر کسی ناگزیر است از حد اقل وقت حد اکثر
استفاده را از تجربیات دیگران بگیرد تا بتواند آگاهانه زندگی کند
و از پیشرفت بازماند .

خواندن از جمله وسائل اساسی تفهیم دردنیای کنونی است . آنچه
را بعد از چند سال آزمایش و تجربه باید به دست آورد، از طریق مطالعه کتاب
در اندک مدتی می توان فرا گرفت .

خواندن به منزله دروازه ای است ، که از آن به کلیه ذخائر بی
انتهای علم و ادب و هنر و فرهنگ بشری راه می توان جست و هر گونه
دانشی را با کسب مهارت در خواندن و استفاده از کتب مفید به دست
می توان آورد . خوب خواندن از عوامل مهم پیشرفت و وسیله سرگرمی
و لذت بردن و رفع خستگی است . به گفته دکارت فیلسوف فرانسوی
«خواندن و مطالعه کتاب یگانه راهی است، که ما را با بزرگان معاصر
و آنهایی که قرنهای پیش ازین در دنیا به سر برده اند، آشنا می سازد

و بدون این که ملتفت باشیم باقوه هر موزی مارا به طرف مجد و کمال می کشاند.» «۱»

تنها از طریق خواندن است، که هر کسی بدون هیچگونه دغدغه و تشویش خاطر، به مصاحبت اندیشمندان نائل می شود و از آراء و تجربیات آنان برای بهتر ساختن زندگی خود استفاده می کند. خواندن وسیله رفع اکثر نیازمندیهای مادی و معنوی است.

اهدافهای تعلیم خواندن در دبستان

تعلیم خواندن در محیط دبستان باید با هدفهای ذیل همراه باشد :

الف : آماده کردن نوآموز به اینک که حروف و واژه های زبان فارسی را بشناسد و معانی صحیح آنها را دریابد تا قادر شود هر نوشته ای را با تعمق بخواند و آنچه را می خواند بفهمد .

ب : قوه درک و قضاوت او در استخراج مطالب از کتابهای مفید تقویت گردد ، تا از نکات مستخرجی که برای رفع احتیاجات خود استفاده کند .

ج : عادات مطلوب از جهت کیفیت قرائت (بلندی و کوتاهی صدا و کندی و تندی بر حسب ماهیت موضوع ، نشان دادن حالات مختلف عاطفی نویسنده ، با توجه به نقطه گذاری) در وی توسعه یابد و بتواند هنگام خواندن بلند ، حق مطلب را از نظر تلفظ و بیان جملات صحیح

ادا کند و خواندن برای او نشاط آور ، و برای شنونده فرحبخش باشد.

د : ذوق و علاقه اودر خواندن انواع کتاب و منابع مطبوعاتی تلطیف و پرورش یابد و با اتخاذ روش صحیح در خواندن و انتخاب کتب متنوع بتواند از اطلاعات گوناگون برخوردار شود و لذت بیشتر ببرد و در مواقع مقتضی با مطالعه کتاب خستگیهای خویش را برطرف سازد .

ه : با استفاده از منابع و مآخذی غیر از کتابهای درسی برداشته اطلاعات لغوی خود بیفزاید و بدینوسیله نیروی تکلم و بیان کتبی او تقویت شود و بتواند خواستهایش را بهتر آشکار سازد و استعداد های اکتسابی و ذاتی خود را روشنتر ظاهر کند و مبتکر و مبدع بار آید .

و : تفکر و تخیل و بطور کلی نیروهای دماغی او پرورش یابد و آسانتر و سریعتر به حل مشکلات نائل شود و در دروس مختلف پیشرفت حاصل کند .

ز : به مسائل اخلاقی ، مذهبی ، سننها و قراردادهای اجتماعی آشنا شود و تهذیب اخلاق در او فراهم گردد و نیروی وجدان و حسن نوع دوستی در او تقویت گردد .

مراحل تعلیم خواندن در دبستان

مدت زمانی که نو آموز در مدارس ابتدائی ایران صرف خواندن می کند ۶ سال است . این مدت از نظر نحوه پیشرفت در خواندن که با رشد بدنی و ذهنی او همراه است ، از ابتدای دوره تعلیم تا رسیدن به مرحله تسلط بر خواندن به دوره های ذیل تقسیم می شود :

۱- دوره قبل از خواندن یا مرحله آمادگی (که شامل ماه اول سال تحصیلی در کلاس اول است.)

۲- دوره آغاز خواندن که در طول آن نوآموز حروف الفبا را یاد می‌گیرد و به خواندن تعدادی لغت ساده و جمله سازی آشنائی پیدا می‌کند. (این دوره شامل کلاس اول و دوم ابتدائی است)

۳- دوره پیشرفت در خواندن که از اواخر سال دوم شروع و تا پایان دوره دبستان به طول می‌انجامد.

۴- ابتدای مرحله تسلط بر خواندن یا خواندن مستقل، که شامل کلاس ششم و دوره دبیرستان می‌باشد.

۱- مرحله آمادگی

کودکش ساله ای که روز اول مهر ماه از کانون پر محبت و آشنائی خانوادگی، به عنوان نوآموز به کلاس اول دبستان پا می‌گذارد و کار آموختن را آغاز می‌کند، در واقع بادیائی تازه مواجه است، که در آن آزادیهایش نسبت به گذشته محدود می‌شود. او باید کارهایی مداوم و اجباری را در محیط تازه پیش گیرد، قبول مسئولیت کند، از قوانین و مقرراتی خاص تبعیت نماید، در فعالیتهای اجتماعی شرکت جوید رابطه با افراد مختلف برقرار سازد و با استفاده از فرصتهای مناسب استعداد های خود را از قوه به فعل در آورد. و خود را برای زندگی واقعی آماده کند.

بدیهی است که این موجود نارس بی تجربه، که می‌خواهد راهی طولانی در پیش گیرد و فراز و نشیبهای تحصیلی را در طول سالیان دراز

بپیماید، در این هنگام احساس بیگانگی و غربت می کند و چون خالی الذهن و بی خبر از محیط تازه است، نگران و دلوایس می باشد، می ترسد و نمی داند چگونه خود را در شرایط تازه توجیه کند و با آن سازگار سازد. و با مال چون آمادگی روحی و جسمی ندارد، نمی تواند بدون مقدمه ای کار آموختن را شروع کند و مطالبی را که هیچگونه با آنها انس و علاقه ای ندارد بیاموزد. لذا به منظور آماده شدن برای فراگیری دروس و انجام فعالتهای آموزش، نیازمند است با آموزگار، همکلاسیها، محیط دبستان و کلاس درس مأنوس گردد، احساس امنیت و اطمینان خاطر کند، خود را مورد محبت و توجه اطرافیان تازه ببیند، محیط کلاس را کانونی پر محبت و نشاط آور نظیر خانواده حس کند، فعالتهای مدرسه به نظرش ضروری و جالب جلوه گر شود و ...

روی این اصل است که در سابق «بعضی از دبستانها به جای شش کلاس هفت کلاس دایر می کردند و آن را که قبل از کلاس اول برای اطفال کوچکتر از هفت سال بود کلاس تهیه می نامیدند. در کلاسهای تهیه مبنای تعلیم باید محسوسات و مشاهدات باشد و قسمت اعظم وقت کلاس باید صرف پرورش و سرگرم کردن و قصه گفتن و خواندن سرود و نقاشیهای بسیار ساده و بازی بشود و طرز گفت و شنود و نشست و برخاست و راه رفتن در صنف و ورود به مدرسه و اطاق درس و نظایر آن در این کلاس آموخته شود» (۱)

در روش تازهٔ تعلیم خواندن، مهر ماه باید به دورهٔ آماده کردن طفل اختصاص داده شود و بر خلاف گذشته، در این مدت معلم به هیچ وجه نباید به کودک خواندن و نوشتن بیاموزد، بلکه با استفاده از کتاب آمادگی و لوحه‌ها و تصاویری که در این مورد تهیه شده است، و فعالیت‌هایی که ذیلاً بدانها اشاره می‌شود، نوآموز را برای مرحلهٔ آغاز خواندن که از ابتدای آبان ماه شروع می‌شود آماده کند.

۱- آسان و شیرین کردن تجربیات اولیهٔ کودک در دبستان و فراهم کردن فرصت‌های مختلف برای همهٔ شاگردان تا بتوانند در فعالیت‌های همگانی شرکت کنند و بایکدیگر و آموزگار آشنا شوند. معرفی شاگردان به یکدیگر.

۲- ایجاد علاقه و شوق به خواندن در کودکان به واسطهٔ خوشروئی، مهر بانی معلم و ایجاد فعالیت‌های سرگرم کننده و انجام بازیها، خواندن سرود، اشعار فکاهی، داستان گویی، با استفاده از لوحه‌های هشتم، سیزدهم بیستم و بیست و هشتم کتاب آمادگی.

۳- تربیت نیروی شنوایی نوآموز برای تشخیص صداها و مختلف، بخش کردن کلمات، تجزیه بخشها به صداها و آن، با استفاده از مسابقهٔ صداها و بخش کردن کلمات و تمرین در مورد کلمات هم آغاز، هم قافیه و بازی با صدای حیوانات، به کمک لوحه‌های ۶ و ۹ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۶ و ایجاد عادت صحیح گوش دادن برای درک معنی.

۴- تربیت نیروی بینائی برای تقویت دقت در تشخیص رنگها،

جہات ، کمی و زیادی ، تمرین حرکت صحیح چشم برای خواندن خط فارسی از راست به چپ ، پیدا کردن تفاوت‌های جزئی شکلها و ... با استفاده از لوحه‌های ۲ و ۴ و ۵ و ۷ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۳ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۷ و ۲۸ و ۵- تشویق و واداشتن کودک به حرف زدن از طریق طرح سؤالات مناسب درباره تمام لوحه های کتاب آمادگی ، مخصوصاً لوحه ه- ای : اول ، سوم ، پنجم ، سیزدهم ، بیست و پنجم و توضیح در باره اشیاء و لوازم ، داستان گوئی و غیره .

۶- ایجاد عادت صحیح برای نوشتن خط فارسی و همکاری چشم و دست با استفاده از دفترچه‌های نقاشی و کاغذ های شطرنجی و انجام نقاشیهای آزاد و کشیدن خطوطی مشابه حروف الفبا .

۷- تقویت نیروی دقت ، حافظه ، استدلال ، قضاوت صحیح ، از کل به جزء پی بردن و استفاده از معلومات برای کشف مجهولات ، با استفاده از لوحه‌های شماره : ، پنج ، پانزده ، شانزده ، بیست و چهار ، بیست و پنج .

۸- کشف ضعف شنوائی و بینائی اطفال و معین کردن جای مناسب برای آن‌ها در کلاس و پیشنهاد برای تهیه عینک ، جهت کودک کی که نیازمند آن است .

۹- آشنا کردن کودک به محیط دبستان ، ساعات کار و مقررات دبستان ، ورعایت نظافت ، عبور و مرور و غیره .

۱۰- تعلیم علامات نقطه گذاری : نقطه ، علامت تعجب ، علامت

سؤال و آموختن اعداد از يك تا بیست» (۱) آموزگار با استفاده از کتاب آمادگی و توجه به پیشنهادهائی که در آن برای تدریس هر لوحه شده است، باید ۲۸ لوحه کتاب آمادگی را در مهر ماه به خوبی تعلیم دهد و بپشتکار و حوصله و ابتکار در طرح سؤالات مناسب و وارد کردن تمام شاگردان در فعالیتهای کلاس، آنان را جسماً و روحاً برای مرحله آغاز خواندن که از آبان ماه شروع می شود آماده کند.

۲- مرحله آغاز خواندن

روش تدریس خواندن در کلاس اول و دوم :

از آنجا که اولین قدم برای آموختن هر زبان یادگیری حروف الفبا و کلمات می باشد، شایسته است به عنوان مقدمه، مختصری پیرامون روشهایی که تعلیم خواندن را مبتنی بر آنها می توان شروع کرد، بحث گردد و محاسن و معایب هر شیوه تجزیه و تحلیل و بررسی شود و شیوه ای که برای تعلیم، طبیعی و ساده و مفیدتر باشد اتخاذ و ارائه شود. برای شروع تعلیم هر زبان و آغاز تدریس خواندن سه روش موجود است :

۱- روش تحلیلی Methode Analytique

در این روش ابتدا حروف الفبا را به طریقه اسمی به ترتیب، از

۱- مقدمه روش تدریس کتاب آمادگی تألیف نمینۀ باغچه بان صفحات ۱ تا ۸

«الف» تا «ی» به نوآموز یاد می دهند و سپس به کمک حرکات کلمه می سازند (۱). مثلاً در مورد کلمه (مادر) اول حروف کلمه مذکور را

۱- الفبای متداول در زبان فارسی، کنونی، شامل ۳۳ حرف یا علامت صدا «و» ۳۱ صداست.

۳۳ حرف «یا علامت صدا» عبارتند از: اب پ ت ث چ ح خ د ذ ز ژ س ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ ل م ن و ه ی

۳۱ صدا عبارت است از: ا - آ - اِ - اُ - او - ای - اَو (مانند صدای اُو در کلمه جوونو) ای «i» (مانند کلمات: ری، کی) ب - پ - ت - ط - ث = س = ص - ج - چ - ح = د - ذ - ز = ظ = ض - ر - ژ - ش - ع = غ = ق - ف - ک - گ - ل - م - ن - و - ی . صورت ملفوظ هر حرف را به تنهایی (خارج از کلمه) صورت اسمی یا «اسم» آن حرف گویند. مثلاً «دال» صورت اسمی حرف «د» و «جیم» صورت اسمی «ج» است.

حروف فارسی به دو دسته: «مصوتها» و «صامتها» تقسیم می شوند.
الف - مصوتها (Voyelles) به اصواتی گفته می شود که هنگام تلفظ آنها گذرگاه نفس بسته یا تنگ نمی شود و هیچ يك از اعضای گفتار به هم نمی چسبند. مصوتها به سه دسته ذیل تقسیم می شوند:

اول مصوتهای کوتاه ا اِ اُ - دوم مصوتهای بلند آ او ای - سوم مصوتهای مرکب اوِ و ای i (برای مصوتهای کوتاه در زبان فارسی مانند سایر حروف، علامتی که بتوان به تنهایی نوشت وجود ندارد و آنها را مانند رسم الخط عربی بر روی کلمه یا زیر آن می گذارند و آنها را زیر - زیر - پیش یا حرکات می گویند)

ب - صامتها (Consonnes) حروفی هستند که هنگام ادای آنها یکی از نقاط گذرگاه نفس بسته یا تنگ می شود.

صامتها هر کدام دارای مخرجی مشخص می باشند و بسته به مخارجشان به دو گروه انسدادی مانند حروف: (ب پ ت و...) و انقباضی مانند حروف: (ش س ز خ و...) تقسیم می شوند.

به صورت اسمی (میم - الف - دال - ر) می آموزند و بعداً به ترتیب میم به صدای الفی (ما) دال به صدای بالا (د) ر به صدای جزمی (در) = «مادر»، کلمه می سازند.

«شروع تعلیم خواندن از مرحله الفبا و آموختن اسامی حروف قبل از کلمه شناسی، روشی است که تاچندی قبل در ایران و همچنین

→ حروف فارسی را به طور کلی به گروه های ذیل نیز تقسیم کرده اند :

دسته اول : **حروف امتداد پذیر** که خود به دو گروه ذیل تقسیم می شود :

الف - «امتداد پذیر حنجره ای» که شامل مصوتها و حروف صامت : م، ن، ز، ژ، و، ل، ع، ض، ظ، ذ، ر، ی است. در هنگام تلفظ این دسته از حروف تارهای صوتی به ارتعاش در می آید و این ارتعاش را با گذاشتن دست روی سینه می توان احساس کرد.

ب - «امتداد پذیر تنفسی» که شامل : حروف ح = ه - خ - س = ث = ص - ش - ف است.

هنگام تلفظ این گروه تارهای صوتی آزاد است و ارتعاش محسوسی ندارد فشار ممتد نفس را هنگام تلفظ هر کدام از حروف این دسته بر پشت دست به خوبی می توان احساس کرد.

دسته دوم : **حروف امتداد ناپذیر** است که خود به دو دسته ذیل تقسیم می شود .

الف - «امتداد ناپذیر حنجره ای» : هنگام تلفظ این گروه که شامل حروف ب، د، ج، گ، ق = غ می باشد تارهای صوتی به ارتعاش در می آید ولی برخلاف حروف امتداد پذیر حنجره ای کشیده ادا نمی گردند. این گروه را به نام حروف گنگ نیز نامیده اند .

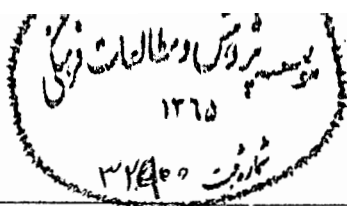
ب - امتداد ناپذیر تنفسی شامل : حروف پ، ت، ج، ک، است. هنگام ادای این حروف نفس با شدت و یکباره با فشار از دهان خارج می شود به طوری که حتی گلوله پنبه ای را می توان با هوای بازدم به جلوراند، یا شمعی را خاموش کرد.

بعضی از کشورهای جهان متناول بود. کارشناسان تعلیم و تربیت قدیم معتقد بودند که به منظور فراهم کردن شالوده‌ای استوار و صحیح در امر تعلیم زبان، قبل از هر چیز نوآموز را باید با الفبا آشنا ساخت و او را حروف شناس کرد و طرز صحیح الفاظ و بیان حروف باحرکات مختلف، همچنین نحوه تلفیق و بهم پیوستن اجزای پیکره کلمات را به او یاد داد، آنگاه به تدریس صورت کلی کلمات و بالاخره جمله‌سازی و تشکیل عبارات پرداخت.

اما در چند سال اخیر به واسطه پیدایش نظریات جدید در روانشناسی و تحول در امر آموزش و پرورش، به ویژه بنا بر اصل ارزنده (شیوه اصالت کودک) که در تعلیم و تربیت جدید توجه شایانی بدان مبذول گردیده است، عقیده تازه‌ای که (در بحث روش کلی) بدان اشاره خواهد شد. در موضوع تعلیم زبان به وجود آمد و در نتیجه تغییراتی در شیوه تدریس نسبت به گذشته فراهم گردید. به نظر دانشمندان تعلیم و تربیت جدید، درسی را آموزنده و ثمر بخش باید دانست که اولاً: مبتنی بر مأنوسات و علائق نوآموز باشد.

ثانیاً: طبیعی، ساده و درخور استعداد و توانائی آموزنده باشد (۱) با این وصف. آغاز تعلیم خواندن به روش تحلیلی به واسطه عدم علاقه کودک به حروف الفبا، که جز ۳۳ صدا و شکل بی‌معنی، چیز دیگری نیست و هیچ گونه رابطه‌ای با تجربیات زندگی طفل ندارد و ثانیاً به واسطه

۱- نشریه فرهنگ خراسان سال چهارم شماره ۲۹۱ «از مقاله تدریس زبان را چگونه بایستی شروع کرد» به قلم نگارنده این کتاب صفحات ۲۳ تا ۲۶



پیشروی از جزء به کل که برخلاف اصل «کلی‌نگری» (۱) است، کاری مشکل و خارج از حد توانائی نوآموز هفت‌ساله است.

۲- روش کلی Methode Globale

از نظر روانی یادگیری طبیعی در مورد هر چیز، بادر نظر گرفتن نحوه فعالیت ذهن، از کل به جزء یا از ترکیب به تجزیه است. بدین معنی، که کودک در برخورد با هر چیز تازه، ابتدا صورت کلی آن را احساس می‌کند و سپس به درک اجزای متشکله آن نائل می‌گردد. بنا بر اصل مذکور، کلمات که در حقیقت صورتهای کلی نسبت به حروف می‌باشند، یادگیری و انتقال و جایگزینی آنها در ذهن طفل ساده‌تر و طبیعی‌تر است، تا یاد گرفتن حروف، بنا بر این مثلاً یاد گرفتن صورت کلی کلمه «آذر» یا «دارا» به مراتب آسان‌تر است تا $ا + ا + ا = دارا$ یا $د آ د آ ر آ ر ا = دارا$. مطالعه در مورد نحوه به زبان آمدن و آغاز دوره تکلم کودکان، این نکته را روشنتر می‌سازد، چه در این مرحله، کودک بنا بر اصل طبیعی فوق، نام پدر، اطرافیان و اشیاء و لوازم پیرامون

۱- Globisme یا کلی‌نگری (همادنگری) چگونه اندیشه‌است که

در آن کل، ابداع و ساخته و پرداخته هر چیز بیشتر و زودتر از پاره‌ها و ریزه‌های آن چیز در یاد کودک نگهداری می‌شود. از این رو بچه کلی‌نگر است نه پاره‌نگر و یا به گفتار دیگر بچه پیش از پاره‌های یک چیز یا شیئی، کلی آنها را می‌نگرد و فکر او زودتر به کل چیزها و گفته‌ها کشیده می‌شود، تا پاره‌های آنها (از فرزندان و روان‌تألیف دکتر عبدالله بصیر، استاد بهداشت آموزشی در دانشسرای عالی تهران صفحه ۳۱۱ چاپ تهران)



خود را به طریق کلی یاد می‌گیرد، کلی آنها را می‌بیند، تلفظشان را کلی می‌شنود تا بالاخره به زبان جاری می‌کند. بدیهی است که در این مرحله، برای یاد دادن مثلاً کلمه «بابا»، به او گفته نمی‌شود: چشمان سیاه + ابروان پهن + بینی کشیده + موهای پرپشت + گردن دراز + صدای کلفت + ... جمعاً می‌شود «بابا»، بلکه قد و قامت کلی بابا را می‌بیند و نامش را می‌شنود و با تکرار در شنیدن و دیدن آنرا می‌شناسد و یاد می‌گیرد.

عقیده طرفداران روش کلی که چند سالی در مدارس ایران عملی گردید، این است که: یاد دادن حروف الفبا یاسی و چند صوت بی‌معنی به روش تحلیلی، به نوآموزان هفت ساله‌ای که تا دیروز جلسه درس در دنیائی آزاد به نام خانه به سر می‌برده‌اند و کاری جز بازی و جست و خیز، شنیدن قصه، خواب و استراحت، سرگرمیهای مختلف و دیدن اسبابهای بازی و تصاویر رنگی نداشته‌اند و هیچگونه سابقه ذهنی و انس و علاقه‌ای با حروف بی‌معنی الفبا ندارند، آنهم در ابتدای کار تحصیل، نه تنها مشکل و غیر طبیعی بلکه منزجر کننده و نفرت‌آور می‌باشد. و چه بسیار ممکن است همین عدم علاقه و مناسب نبودن درس با تجربیات زندگی کودکان، و دشواری آغاز کار، موجب دل‌آزردگی و وحشت و جلوگیری از ادامه تحصیل و یا کندیشان در پیشرفت‌های بعدی گردد. از طرفی آموختن حروف به صورت اسمی (الف - دال - میم - سین ..) در آغاز کار مشکل دیگری را برای نوآموز در مرحله ترکیب

و ساختن کلمه فراهم می‌سازد، چه او در این هنگام اثری از آنچه تا کنون شنیده و یاد گرفته است، در کلمات مورد نظر نمی‌بیند. او تا این زمان می‌شنیده است، که مثلاً: شکل «ا» را الف و «د» را دال باید تلفظ کرد، در حالی که در داخل کلماتی نظیر (دارا) یا (بابا) چیز دیگری می‌شود و این مسئله خود موجب سرگردانی و تشویش خاطر او می‌شود.

در روش کلی بر خلاف روش تحلیلی، ابتدا تلفظ اسمی حروف را به نوآموز یاد نمی‌دهند، بلکه خواندن را با شکل کلی کلمات به کمک تصویر آغاز می‌کنند. پس از تعلیم تعدادی کلمه به صورت کلی خوانی و آهاده کردن ذهن کودک، برای ورود به مرحله تجزیه، ابتدا صدای حروف را در داخل کلمات یاد می‌دهند و پس از تمرینهای کافی، در اواخر کتاب اسامی حروف را تعلیم می‌دهند (۱) روش مذکور با وجود آن که محاسن زیادی را در بر دارد، خالی از عیب و اشکال نیست.

«عیب عمده روش کلی این است، که تقریباً فقط حافظه بصری کودک را به کار می‌اندازد و آموزش را بر پایه تکرار و حفظ طوطیوار و قبول بدون چون و چرا بنا می‌کند. گذشته از آن، روش کلی فقط در مورد زبانهای صادق است، که خط و وظیفه اصلی خود یعنی: يك علامت در برابر يك صدا را از دست داده است، به این معنی: که گاهی علامت واحد نماینده چند صدا، یا صدای واحد دارای چند علامت است. چون

۱- از مقاله «تدریس زبان را چگونه باید شروع کرد» به قلم مؤلف در نشریه

چنین خطی رویه‌مرفته قوانین املائی ثابتی ندارد و املای هر کلمه را جداگانه باید آموخت، در آغاز کار تعلیم خواندن روش کلی را باید به کار برد. استفاده از این روش در مورد تعلیم خواندن و نوشتن خط فارسی که دوسوم علامات آن شامل حرف واحد در مقابل صوت واحد است، کار صحیحی نیست. روش کلی گذشته از این که از نظر آموزش ارزش چندانی ندارد، از نظر مادی و معنوی نیز بسیار گران تمام می‌شود. «۱»

۳- روش ترکیبی Methode Composée

روش ترکیبی همان گونه که از اسم آن پیداست، از ترکیب دو روش تحلیلی و کلی متشکل شده است، و محاسن هر دوشیوه را داراست. آنچه از روش کلی در آن منظور شده است «مبتنی بر اصل کلی نگری» پیشروی از کل به جزء و از شیوه تحلیلی،^۱ آموختن حروف و صداها، کلمه است. در نتیجه این شیوه کاملترین روشی است، که برای آغاز تعلیم خواندن تا کنون به کار رفته است. «در این روش ابتدا صورت کل کلمه به کودک نشان داده می‌شود و در قالب کل کلمه، حرف تازه مورد نظر آموخته می‌شود. و در چنین کلمه ای که آن را (کلمه‌ی کلید) می‌خوانند، و جزو کلمات آشنای کودک است، فقط يك حرف تازه وجود دارد. کودک با استفاده از عکس و راهنمائیهای دیگر، با وجود ندانستن

۱- روش تدریس کتاب اول دبستان تألیف: ثمینه باغچه بان صفحه ۱۷ چاپ

حرف تازه ، آن کلمه رامی خواند . مراحل ذهنی که طفل برای خواندن و آموختن حرف تازه در این روش طی می کند عبارتست از :

از دیدن تصویر یا معنای کلی جمله ، به « کلمه ای کلید » پی می برد و در ذهن خود آنرا « کلمه کلید » را از نظر صوت به اجزای صوتی آن و از نظر شکل حروف ، به اجزای صوری آن تقسیم می کند .

پس از مقابله صداها با حروف آنها پی می برد ، که کدام صدا متعلق به حرفی است که برایش تازگی دارد و تا به حال آن را نمی شناخته است . بعد از چند تمرین ، حرف تازه جزو معلومات کودک می شود و این حرف مجهول را که در اثر کوشش ذهنیش جزو دانش اوشده است ، برای کشف حرف مجهولی که در درس بعد با آن روبرو خواهد شد ، به کار می برد . با این روش ، کودک ضمن آنکه القبا را می آموزد به استدلال و تفکر و دقت عادت پیدامی کند ، اعتماد به نفس پیدامی نماید و برای خواندن مستقل آماده می شود و به طور کلی هر حرف تازه را با کوشش ذهنی خود می آموزد و آموختن این حرف پاداش معنوی اوست .

در هر درس با معمائی روبرو می شود که برای او قابل حل است . عادت می کند که از معلومات خود برای کشف مجهولات استفاده کند . در مقابل خود ، هدف روشنی را که آموختن سی و سه حرف الفبای فارسی است می بیند و پس از آموختن هر حرف حس می کند که یک قدم قطعی به سوی هدف برداشته است . و می فهمد که : معلومات او معتبر و قابل استفاده شده است « ۱ »

کتاب کلاس اول

کتابی که هم اکنون در کلاس اول ابتدائی شهرها و روستاهای ایران «۱»

۱- اشکال بزرگی که در بعضی از مناطق و روستاهای ایران در کار تعلیم خواندن وجود دارد ناآشنائی اهالی با زبان فارسی است. در نتیجه استفاده از کتاب معمول در نقاط مزبور که به لهجه محلی خود یعنی ترکی، کردی، مازندرانی و ... صحبت می کنند، برای آموزگار فارسی زبان اشکال بزرگی پیش می آورد اما از آن جا که هدف فرهنگ ما بسط و توسعه زبان فارسی و هماهنگ کردن و آشنائی همه مردم ایران نسبت به زبان رسمی است. بر خلاف آنچه عده ای می اندیشند که باید کسانی به این نقاط فرستاده شوند که به لهجه محلی آشنا باشند، از فرستادن این گونه افراد حتی الامکان باید خودداری کرده و فقط از وجود آموزگاران فارسی زبان استفاده کرد. زیرا معلمی که لهجه محلی می داند طبعاً مقداری از وقت خود را در کلاس با شاگردان به زبان محلی گفتگو می کند و برای دانش آموزان آسانتر آن است، که مشکلات خود را با آن لهجه با معلم در میان گذارند و در نتیجه در چنین شرایطی یاد دادن زبان فارسی، حالت ترجمه به خود می گیرد و فارسی یاد گرفتن شاگردان چنین معامی نظیر زبان انگلیسی یا فرانسه یاد گرفتن ما می شود، که وقتی می خواهیم یک فکر ساده را به زبان خارجی بیان کنیم، اول فارسی آن را درست می کنیم و به اصطلاح عامی تر به زبان فارسی فکر می کنیم و سپس به آن زبان بر می گردانیم، و اغلب در این کار دچار اشتباهات فاحش می شویم و این نقص از آن جاست که معلمان زبان خارجی ما در کلاسها به زبان فارسی صحبت کرده اند و زبان خارجه را به طریق ترجمه به ما یاد داده اند. اما آنچه اشکال مذکور را می تواند برطرف سازد، استفاده از روش مستقیم در تعلیم خواندن است.

روش مستقیم عبارت است از روشی که در آن برای یاد دادن، بیشتر از محسوسات و مشهودات و اشیائی که در اطراف طفل و محیط زندگی او موجود است استفاده می کنند و فی المثل برای یاد دادن نام یک چیز تا آن جا که ممکن است خود آن چیز را به کلاس می آورند و در صورت عدم امکان از تصویر رنگی آن

تدریس می‌شود. مبتنی بر شیوهٔ ترکیبی تألیف یافته است و رویه‌مرفته کتابی کامل و آموزنده است و تمام شرایط و خصوصیات را که يك کتاب خوب برای نوآموز هفت‌ساله باید داشته باشد داراست. محاسن کتاب مذکور سادگی، زیبایی، رنگینی، مصور بودن و خوانائی و مناسب بودن مطالب آن با تجارب زندگی طفل می‌باشد. و شامل نکات فراوان اخلاقی، اجتماعی، تربیتی است.

کتاب مزبور شامل چهار بخش و سیزده واحد است. در بخش‌های چهار گانه آن، تمام حروف مصوت و صامت‌اللقبا آورده شده، و حروف تازه هر درس بارنگ دیگر غیر از خط کتاب مشخص گردیده است.

واحدهای سیزده گانه آن شامل مطالبی متنوع به ترتیب ذیل

است :

→ استفاده می‌کنند و اگر تصویری در دسترس نبود شکل آن را روی تخته سیاه می‌کشند و بی آنکه به نام محلی آن توجهی داشته باشند، نام فارسی آن را آن قدر تکرار می‌کنند، تا دانش آموز مستقیماً آن چیز را با نام فارسی آن در ذهن خود تطبیق دهد. یاد دادن اسامی و لغاتی که مفهوم آن به طور مجسم در خارج از ذهن وجود دارد، باروش مستقیم بسیار آسان است و در مورد اسامی معنی‌اشکال به مراتب کمتر است زیرا کلماتی مانند هوش، عقل، فکر، علم و غیره در زبانهای ترکی و فارسی و لهجه‌های محلی بسیاری از آنها بین فارسی و عربی مشترك است. اشکال در فهم حروف اضافه و حروف ربط و اصطلاحات خاص زبان است که باید هر يك از آنها را با تمرین و تکرار در جملات مختلف یاد داد. (نقل با تلخیص از جزوهٔ روش تعلیم زبان فارسی در مناطقی که به لهجهٔ محلی سخن گفته می‌شود. از انتشارات ادارهٔ کل مطالعات و برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش ۱۳۰۰)

پنج واحد اول در باره کارها و وقایع ساده زندگی خانوادگی است. واحد ششم در باره گلها و گیاهان و واحد هفتم پیرامون خورشید و ماه و ستارگان مطالبی دارد. واحد هشتم در باره درخت و فایده آن گفتگو می کند و واحد نهم کودک را به زندگی روستائی و فصلها و ماههای سال آشنا می سازد. واحد دهم در باره خدا، شاه و مپهن است. در واحد یازدهم که واحد مشاغل است، طفل با کشاورزان، کارگران معادن، کارگران ساختمان، پزشک، پرستار و باغبان آشنا می شود و واحد دوازدهم و سیزدهم به ترتیب در باره تهران و باغ وحش و حیوانات آن و پرندگان و حشرات و پی بردن به لزوم ولادت همکاری در زندگی مطالبی دارد.

کتاب کلاس اول دارای کتاب تکمیلی به نام «روش تدریس» است که به صورتی منظم و جالب، شیوه تعلیم هر صفحه از کتاب قرائت در آن تشریح گردیده و وظایف معلم یادآوری شده است.

آموزگاران می توانند با استفاده از کتاب، زبور و توجه به نکات کلی که ذیلاً بدانها اشاره می شود، در کمال سهولت تمام حروف الفبا را مبتنی بر «روش ترکیبی» تعلیم دهند و کار خود را تا پایان سال به کمک آن دنبال نمایند.

چند نکته تکمیلی در مورد تعلیم خواندن در کلاس اول

۱- آموزگار کلاس اول برای تدریس هر درس، باید مقدمه مناسبی بچیند و به کمک تصاویر کتاب، سؤالات مربوطی طرح کند، تا جملات مندرج هر درس را از دهان خود کودک بگیرد و پس از نوشتن آنها بر روی تخته سیاه، توجه نوآموز را به تعداد کلمات آن جلب کند.

۲- برای آموختن هر حرف تازه ، معلم باید از شاگردان بخواهد کلمه‌ای را که حرف مورد نظر در آن قرار دارد ، به سیلابهای آن تجزیه کنند و با ادای هر سیلاب يك دست خود را از بالا به پایین حرکت دهند و سپس حروف سازنده (صداهاى) هر سیلاب را به وسیلهٔ ممتد گفتن مشخص سازند . و در مورد کلمات مرکب بخشهای مستقل هر کلمه را از لحاظ معنی معین کنند. مثلاً گلخانه = گل + خانه یا دانشگاه = دانش + گاه .

و برای هر حرف تازه چند کلمه بسازند . و برای آنکه با معانی کلمات و جای استعمالشان آشنا شوند ، آنها را در داخل جملاتی به کار برند .

چون اصل یادگیری در کار خواندن درك مفهوم و معنی کلمات می باشد و بین شکل کلمات یا صورت مکتوب آنها با معانی و مفاهیمشان هیچگونه مشابهتی موجود نیست و ارتباط بین لفظ و معنی یا دال و مدلول اشکال بزرگی در امر یادگیری برای کودک می باشد ، این دشواری را آموزگار باید به کمک تصاویر و اشیاء و لوازم کمک آموزش و دادن جنبهٔ عمل به درس ، هنگام تدریس برطرف سازد و در مورد اسامی معنی و کلماتی که تهیه تصویر یا نشان دادن خودشان ممکن نیست ، باید به روش مستقیم با ذکر مثالهای ساده و بیان تشبیهات محسوس لغات مورد نظر را قابل فهم کند .

۳- چون در ابتدای تعالیم خواندن ، به واسطهٔ آنکه کودک اطلاع و تجربهٔ کافی پیدا نکرده است و تلفظ صحیح کلمات بدون حرکات برایش مشکل

می باشد لازم است که اجزای هر کلمه تازه با «زبر- زیر - پیش» مشخص گردد.

البته بعد از آن که کودک مقداری خواندن و نوشتن را فرا گرفت احتیاج چندانی به استعمال حرکات نیست.

۴- برای تعلیم حروف متبنی بر روش ترکیبی، کودک ابتدا صدا و شکل هر حرف را در داخل کلمات باید یاد گیرد، نه اسامی حروف را. اسامی حروف الفبا زمانی باید آموخته شود، که تمرین کافی در مورد تمام صداها با کلمات مختلف شده باشد و کودک صداها را به خوبی بشناسد.

از میان حروف سی و سه گانه متداول در زبان فارسی کنونی حروف ذیل چون گاهی علامت واحد مبین چند صدا و یا چند علامت مبین صدای واحد می باشد، برای تعلیم آنها برخلاف سایر حروف، قاعده ویژه ای وجود ندارد. برای آموختن این حروف که در واقع استثنای الفبای فارسی از نظر قرائت و کنایت می باشند، معلم چاره ای جز آنکه فقط از حافظه بصری نوآموز استفاده کند نداشته و برای آنکه آنها را به خوبی مذکور ذهن کودک نماید و موارد استعمالشان را بشناساند، باید از تکرار و تمرین زیاد و بیان توضیحات کافی و ذکر مثال ای فراوان برای هر کدام غفلت نکند. حروف مزبور عبارتند از:

«و» این حرف در کلماتی مانند «دوات- گاو...» حرف صامت و در واژه هائی نظیر «شور- دور» نماینده مصوت بلند «او» و در لغاتی نظیر «خود- خوش» نماینده مصوت کوتاه «اُ» و در واژه هائی نظیر «جو- پرتو...»

نماینده مصوت مر کب «ô» و در کلمات «خواب - خواهر - خویش و...» صدائی ندارد «واو معدوله است».

«ی»: که در واژه‌هایی نظیر «یاد - چای» حرف صامت و در کلماتی مانند «سیب - بید» نماینده مصوت بلند «ای» و در کلمات عیسی - موسی - کبری و ... نماینده مصوت بلند «آ» است

«ه»: که در کلماتی نظیر شاه، ماه، شهر، هوا، حرف صامت و در واژه‌هایی مانند جامه، نامه، کوزه، میوه، نماینده مصوت کوتاه «-ه» است.

حروف «ث = س = ص». «ذ = ز = ض = ظ»، «ق = غ»، «ح = ه» که علامات متعدد و نماینده صدای واحد می‌باشند.

تنوین «أ» در کلماتی نظیر «اولاً، غالباً و...» که در تلفظ حرف صامت «ن ساکن» و در نوشتن به شکل «ا» می‌باشد.

۵- برای آنکه نوآموزان پیشرفت خود را در دوره یادگیری حروف الفبا به خوبی حس کنند، آموزگاران مجتهد باید جدولی برای حروف الفباء «طبق شکل نمونه» بسازند و آن را به دیوار کلاس در معرض دید شاگردان نصب کنند و هر حرف تازه‌ای را که تدریس کردند به ترتیب آن را در محل خود در جدول قرار دهند.

وجود جدول الفبا در کلاس درس سبب می‌شود، که نوآموز هر روز با آموختن درسی تازه و با پرشدن یکی از خانه‌های جدول حس می‌کند که گامی به هدف اولیه خواندن یا یادگیری الفباء، نزدیکتر شده است و در نتیجه با دلگرمی و شوق زیادتر در راه خواندن جلو می‌رود.

اَ	اِ	اُ	آ	او	ای
ب	پ	ت	ث		
ج	چ	ح	خ		
د	ذ	ر	ز		
ژ	س	ش	ص		
ض	ط	ظ	ع		
غ	ف	ق	ک		
گ	ل	م	ن		
و	ه	ی	س		

نمونه جدول الفباء

۶- چون آموختن حروف نسبت به کلمات، برای کودک امری دشوارتر می باشد و با تمام کوششی که معلم در تعلیم آنها به جای می آورد و فشارهایی که خود کودک تحمل می کند، باز هم ممکن است کودکانی باشند که حتی تا سال سوم و چهارم، حروف را به خوبی نشناسند؛ برای رفع این مشکل آموزگار می تواند از داستانهای ساختگی که قهرمانان شان را حروف الفبا تشکیل می دهند و همچنین بازیهای آموزشی، برای تمرین استفاده کند، تا بدینوسیله حس رغبت را در طفل برانگیزد و در سها را

متنوعتر و آسانتر سازد. مثلاً برای تمرین حرف (خ) می‌تواند از داستان ذیل استفاده کند:

داستان (خ) بزرگ و (خ) کوچک

(خ) بزرگ خیلی خنده‌رو و خوشمزه بود: (خ) کوچک از او خوشمزه تر و خوبتر بود و همیشه با کارها و حرفهای خودش همه را می‌خنداند. یک‌روز (خ) بزرگ به (خ) کوچک گفت: برو یک خر بزه بخر. (خ) کوچک گفت: چشم و رفت. وقتی آمد به جای خر بزه، یک بز گذاشته روی خرو آن را همین‌می‌کرد.

(خ) بزرگ تا آنها را دید گفت: «آخ آخ» این خرو بز را برای چه آوردی؟ (خ) کوچک گفت: شما خودتان گفتید برو خر بزه بخر یعنی یک خر و یک بز، من تقصیر ندارم.

(خ) به جای خر بزه خر آورده با بزه (۱)

برای تکرار کلمات و حروف، معلم می‌تواند نظیر بازیهای ذیل را نیز به کاربرد:

بازی خر گوش: آموزگار خر گوش را در یک طرف تخته سیاه و مقداری خوراکی را در طرف دیگر می‌کشد، لغات یا حروفی را که مایل

۱- بازی با الفبا تألیف عباس یمنی شریف ص ۹۰ - آموزگاران محترم می‌توانند از کتاب مزبور که برای هر کدام از حروف الفبا داستانی شیرین دارد، برای تمرین حروف استفاده کنند و نظیر داستانهای مذکور خودشان داستانهای جالب و ساده‌ای بسازند.

است کودکان تمرین کنند، به عنوان مانع سر راه خر گوش و خوراکیها قرار می دهد و به شاگردان می گوید این خر گوش می خواهد تمام موانع را از سر راه بردارد و خود را به خوراکی برساند و اگر نتوانست از مانعی بگذرد، باید به محل اولیه خود برگردد و از نو شروع به حرکت نماید. در این موقع از دانش آموزان داوطلب می خواهد و یا خودش افرادی را تعیین می کند که به جای خر گوش از موانع که کلمات یا حروف مورد نظر اوست. عبور کنند و آنها را بخوانند. هر کس نتوانست تمام لغات را به طور صحیح بخواند، آموزگار شکل خر گوش کوچکی در نزدیک خوراکیها می کشد و نام دانش آموز برنده را روی آن می نویسد و هر کس نتوانست، به جای اول برمی گردد و کار را از نو آغاز می کند. به همین ترتیب بازی را با سایر نوآموزان ادامه می دهد تا همگی، کلمات را به خوبی بخوانند و یاد بگیرند.

بازی پاک کردن لغات : آموزگار دانش آموزان را به دو دسته

تقسیم می کند و در مقابل تخته سیاه پشت سر هم قرار می دهد. و به تعداد شرکت کنندگان، لغات یا حروفی را انتخاب می کند و در دو ستون، مقابل هر دسته روی تخته می نویسد. وقتی شروع بازی اعلام شد، نفر اول هر دسته که جلو قرار دارد، کلمه یا حرفی را می خواند و آنرا از روی تخته سیاه پاک می کند و اگر نتوانست بخواند، به انتهای صف می رود و نفر بعد شروع می کند. به همین ترتیب بازی ادامه می یابد. هر دسته که زودتر موفق به خواندن تمام کلمات یا حروف و پاک کردن آنها گردید، برنده بازی محسوب می شود.

بازی پلکان: آموزگار شکلی به صورت پلکان روی تخته سیاه می کشد و روی هر پله، کلمه یا حرفی می نویسد و از شاگردان می خواهد که با خواندن آنها در واقع از پلکان بالا روند. هر کس توانست بدون اشتباه از پله ها بالا رود، نامش بالای تخته سیاه نوشته می شود و اگر اشتباه کرد باید به پائین برگردد تا دوم مرتبه نوبت به او برسد. این بازی را ممکن است با چند فلاش کارت بر روی زمین نیز اجرا کرد.

بازی تیپ تاپ یا دایره لغات: آموزگار دایره ای بزرگ تقریباً به شعاع ۵-۶ متری دست کودک، روی تخته رسم می کند و لغات یا حروف مورد نظر را روی محیط آن با فاصله های مساوی می نویسد، سپس شاگردان را يك يک جلوی تخته می آورد و از آنها می خواهد که روبه دایره بایستند و در حالی که چشمان خود را می بندند، دست راستشان را دور دایره بچرخانند و جملات (تیپ تاپ، دور می گردم من، خوب می گردم من، هر وقت بایستم يك لغت می گم من) را با آهنگ یا بدون آهنگ بیان کنند و به محض این که کلمات مذکور را تمام کردند دستشان در هر نقطه ای از محیط دایره قرار داشت لغت یا حرف برابر دست خود را با صدای بلند بخوانند. هر کس اشتباه کرد نوبت خویش را از دست می دهد و افرادی که درست عمل کنند برنده بازی هستند.

آموزگاران می توانند نظیر بازیهای مذکور خود نیز بازیهای ترتیب دهند و با اجرای آنها در کلاس، به درس خویش شور و حالی بخشند، و علاوه کلمات و حروف تازه را تمرین کنند و بدین وسیله آنها را بهتر و آسانتر مرور کنند و نوآموزان سازند.

۷- به منظور آنکه روز به روز بر دامنه اطلاعات لغوی کودکان افزوده گردد و ایشان را به مرحله تسلط بر خواندن نزدیکتر سازد، وظیفه معلم کلاس اول است که تنها به تدریس کتاب درسی قانع نباشد، بلکه از فعالیتهای فوق برنامه نظیر تهیه کتابهای آسان^۱ استفاده کند و یا در صورت امکان کتابهای ساده و رنگینی را که مخصوص نوآموزان سال اول تألیف شده است^۲ در اختیار شاگردان خویش بگذارد و ایشان را به مطالعه آزاد وادارد.

ارزشیابی خواندن در کلاس اول

علاوه بر رسیدگیهای مستمر روزانه و پرسشهایی که در هر جلسه درس توسط آموزگار کلاس اول از نوآموز به عمل می آید؛ پس از تدریس هر کدام از واحدهای سیزده گانه کتاب اول، کار دانش آموز از نظر خواندن و نوشتن باید ارزشیابی شود و با آزمایش از مطالب آموخته شده و حصول اطمینان از اینکه نوآموز، آن واحد را به خوبی آموخته است، تدریس واحد تازه ای آغاز گردد. در پایان سال تحصیلی کلاس اول نیز آزمایشی نهائی از تمام مطالب کتاب باید عملی گردد و به طور کلی در این ارزشیابی، آموزگار به دانش آموزی حق ارتقاء به کلاس دوم را باید بدهد که از جهات ذیل مهارت در خواندن و نوشتن را پیدا کرده باشد.

- ۱- کتاب آسان به مجموعه ای داستان کوتاه، سرودها، ترانه های ساده گفته می شود که شاگردان به راهنمایی معلم جمع آوری می کنند و باتصاویر رنگین و مناسب همراه می سازند و در مواقع بیکاری در کلاس یا منزل می خوانند.
- ۲- فهرست کتابهایی که شاگردان کلاس اول می توانند از آنها استفاده کنند در پایان این فصل آورده شده است.

۱- حروف الفباء را بخوبی بشناسد و مورد استعمال هر کدام را از نظر شکل و انفصال و اتصال تشخیص دهد و آنها را در هر ترکیب تازه ای نشان دهد .

۲- تمام واژه های مندرج در کتاب اول را روان و درست بخواند و صحیح بنویسد و آنها را بتواند به سیلابها یا بخشهای صوتی تقسیم کند .
۳- کلماتی را که فرا گرفته است، بتواند در جملات صحیح به کاربرد .
۴- آنچه را می خواند به خوبی بفهمد و بتواند مورد تصاویر و مفاهیم هر درس توضیحات کافی بدهد .

۵- به کمک علامات نقطه گذاری که در دوره آمادگی آنها است جملات خبری، پرسشی، تعجبی را از یکدیگر تمیز دهد و درست بخواند .
۶- علاوه بر کتاب درسی، کتابهای ساده و کمیکی را که برای نوآموزان کلاس اول تهیه شده است بتواند بخواند .

خواندن و روش تدریس آن در کلاس دوم دبستان

کلاس دوم را در واقع دوره تکمیلی مرحله آغاز خواندن باید دانست . در این کلاس نوآموزان باید آنچه را در کلاس اول براساس روش آمیخته «ترکیبی» آموخته اند کامل کنند ، یعنی حروف الفباء را به خوبی بشناسند ، بخشهای سازنده کلمات را تشخیص دهند به کلمه سازی و تشکیل جمله تسلط پیدا کنند و روان خوانی را فرا گیرند و بالاخره برای خواندن مستقل آماده گردند .

به طور کلی برای تدریس هر درس تازه در کلاس دوم، آموزگار باید در ابتدا مقدمه ای مناسب بچیند و هدف درس روز را به زبانی

ساده برای نوآموزان روشن سازد. سپس درس را با صدای رسا و آرام و شمرده از رو بخواند و به شاگردان دستور دهد که در این موقع ضمن اینکه خوب گوش می‌دهند، با دقت لغات تازه درس را در نظر گیرند و چنانچه تلفظ آنها برایشان مشکل باشد، لغات مورد نظرشان را زیر و زبر بگذارند و یا خط کوچکی در زیر آنها بکشند. بعد از قرائت متن درس، معلم باید لغات تازه را به طریقی روشن و واضح معنی کند و روی تخته سیاه بنویسد و برای آنکه جای کار بردشان برای نوآموز مشخص گردد، آنها را در جملاتی به کار برد. بعد از معنی کردن و توضیح بنفاهیم درس، باید مدتی به شاگردان وقت داده شود که همگی به طور صامت درس تازه را مرور کنند. سپس معلم برای خواندن بلند، داوطلب بخواهد و چند نفر از شاگردان درس را سطر به سطر یا پاراگراف به پاراگراف بخوانند. و به سؤالات آخر درس پاسخ گویند. در پایان باید از درس تازه برای مشق شب به شکلی که در کتاب درسی پیشنهاد شده است، تکلیف نوشتنی داده شود.

کتابی که هم اکنون در کلاسهای دوم دبستان به کار برده می‌شود (تألیف لیلی ایمن، از انتشارات وزارت آموزش و پرورش) به شیوه‌ای تألیف یافته است، که چنانچه آموزگار دستوراتی را که در کتاب روش تدریس آن، برای ارائه هر درس پیشنهاد شده است، به کار بندد، به آسانی خواهد توانست نوآموز را به هدفهای مذکور نائل کند و او را برای خواندن مستقل آماده سازد.

محاسن کتاب مزبور در این است که مطالب آن متنوع بوده، جملاتش

کوتاه و لغات آن آسان و بیشتر به صورت داستانهای آموزنده می باشد. و موضوعاتی که در آن آورده شده است، اولاً: از لحاظ سهولت خواندن و درثانی: از لحاظ مفهوم و مطابقت آن با فصول سال مرتب شده است. نو آموز با خواندن این کتاب به طور طبیعی با مفاهیم ساده علمی، بهداشتی، آشنایی شود و محیط زندگی خود را با مطالعه، با حسی نظیر: زندگی اجتماعی در دبستان، در ده، سنن و آداب اجتماعی، وطن، شاه حکومت، اتحاد مردم، حرف و مشاغل مختلف، ماهها و فصلهای سال، حیوانات، حشرات و... می شناسد، و به نتایج مفید و عملی آنها هدایت می شود.

این کتاب از لحاظ تمرینهایی که در پایان هر درس در مورد کلمات تازه با توجه به بخشهای سازنده هر کلمه و تعداد لغات هر جمله شده است و همچنین پرسشهای مناسب و تذکرات مفیدی که پیرامون تکالیف شبانه در آن طرح گردیده و راهنمائیهای لازم دیگری که برای هر درس شده است، قابل توجه می باشد.

آموزگاران محترمی که در شهرها و مراکز استانها به کار تدریس کلاس دوم اشتغال دارند، از روش تدریس کتاب دومی که برای مدارس شهر تألیف شده است و سپاهیان دانش و معلمانانی که در روستاهای ایران سرگرم تعلیم هستند، از روش تدریس کتاب دومی که مخصوص مدارس ده می باشد، می توانند به خوبی استفاده کنند و با کار بستن پیشنهادهایی که در مرحله آغاز خواندن و کلاس اول به آنها اشاره شد، نو آموزان خویش را به سهولت راهنمایی کنند.

دوره پیشرفت در خواندن

از سال سوم تا سال ششم دبستان

به طوری که در صفحات قبل اشاره شد، دوره پیشرفت خواندن از اواخر سال دوم شروع می شود و تا سال ششم دبستان ادامه می یابد. در این مرحله، کار آموزگار نسبت به کلاسهای اول و دوم فرق می کند و شیوه تدریس به واسطه پیشرفت و وسیع شدن دامنه اطلاعات نو آموز اندکی دگرگون می شود. وظیفه آموزگار در دوره پیشرفت خواندن آن است که: با اتخاذ روشی صحیح برای تدریس و انجام راهنماییهای لازم، قدرت فهم کلمات و مهارت تلفظ لغات را در نو آموز پرورش دهد و ذوق خواندن را در او تلطیف کند و ناهمواریها و نواقص عمل خواندن را از نظر کیفیت قرائت، بلندی و کوتاهی صدا، وقف و وصل جملات و... برطرف سازد و کودک را در راهی پیش برد که از انواع کتابها و منابع مطبوعاتی به خوبی استفاده کند و بر اطلاعات خویش در هر زمینه بیفزاید و هر چه زودتر به مرحله تسلط بر خواندن نائل شود و برای خواندن مستقل آماده گردد.

بدیهی است که رسیدن به هدفهای مذکور، مستلزم آن است که اولاً: معلم آمادگی کافی داشته باشد و کار خود را در تمام جلسات درس مبتنی بر تهیه طرح درس و مطالعات مستمر با روش صحیح انجام دهد و از طرفی با ایجاد موقعیتهای مناسب در کلاس درس، کودک را آماده فراگیری دروس کند، و در خارج از محیط مدرسه، او را راغب به مطالعه کتاب و رهبری به عمل و استفاده از مطالب آموخته شده خویش سازد.

روش تدریس خواندن در دوره پیشرفت

روش تدریس خواندن در کلاس سوم دبستان وسالهای بالاتر، یعنی در تمام دوره پیشرفت تقریباً یک‌طور می‌باشد، با این تفاوت که هر اندازه به پایان دوره دبستان نزدیکتر شویم، چون بر تجربیات و دامنه اطلاعات لغوی نو آموز افزوده می‌شود، تعلیم برای معلم و فراگیری برای طفل آسانتر می‌شود و پیشرفت در خواندن سریعتر انجام می‌گیرد.

هر آموزگاری با تهیه نقشه درس برای هر تدریس و اجرای صحیح آن در کلاس، کار خود را در تمام مراحل پیشرفت خواندن به خوبی می‌تواند دنبال کند و نتایج مطلوبی را با اجرای بحث ذیل در پیشبرد شاگردان خویش به دست آورد. مادر این بحث ضمن اشاره به اجرای یک نقشه درس و وظایف آموزگار را در هر قسمت برای تدریس خواندن از کلاس سوم تا ششم دبستان یاد آورد می‌شویم.

به طور کلی هر طرح درس مبتنی بر مراحل ذیل تنظیم می‌شود:

تهیه مقدمات

مقدمه چینی

بیان هدف

ارائه درس (تدریس)

کاربرد و مرور آموخته‌ها

نتیجه‌گیری

۱- تهیه مقدمات درس معمولاً در خارج از کلاس انجام می‌گیرد و ضمن آن، معلم خود را برای تدریس آماده می‌کند. یک معلم دلسوز و علاقه‌مند، قبل از تدریس نکات ذیل را در نظر می‌گیرد و آنها را به

مرحله عمل درمی آورد :

مرور درس روز : معلم قبل از این که به کلاس درس آید، درس روز را باید چندبار مرور کند و در این عمل :

لغات مشکل درس را نظر گیرد و چنانچه مفهوم یا تلفظشان برایش روشن نباشد، با مراجعه به فرهنگها به دست آورد. «۱»

دوم: مفاهیم کلی درس را در نظر گیرد و رابطه آنها را بایکدیگر تشخیص دهد، تا بتواند بخوبی «در مرحله ارائه» درس را تفسیر کند و توضیحات کافی و جامع پیرامون آن بدهد و حتی الامکان آن را به درس قبلی و بعدی مربوط سازد .

سوم: برای آنکه به موضوع درس احاطه کامل یابد و بتواند جواب پرسشهایی را که در کلاس از طرف شاگردان طرح می شود، بدهد. برای کسب اطلاعات زیاده از آنچه در متن کتاب آورده شده است، باید به منابع و مآخذ لازم مراجعه کند . و بداند که مثلاً فلان موضوع دستور را در کدام کتاب باید بدست آورد و فلان مطلب تاریخی و طبیعی را در فلان مجله یا مقاله مطالعه کند .

۱- از کتابهایی که تهیه آن برای هر معلم لازم بلکه واجب است، فرهنگ لغات می باشد . لا اقل يك فرهنگ فارسی و عربی هموقت بـاید در اختیار معلم باشد، تا معنی و تلفظ صحیح لغات را از آنها استخراج کند و در کلاس به کار برد. از جمله فرهنگهای کامل و ارزنده فارسی فرهنگ : دهخدا ، نفیسی ، آند - راج ، منتهی الارب ، معین ، عمید ، برهان قاطع و فرهنگ عربی المنجد و فرهنگ عربی به فارسی خلیلی و ... است .

چهارم: باید احتیاجات و علائق اطفال را در نظر گیرد و برای متنوع کردن درس، امثله، حکایات، ضرب‌المثلها و اشعاری که میل و رغبت را در شاگردان به درس برمی‌انگیزد، در نظر گیرد تا به موقع خود در مرحله‌ارائه درس به کار برود و درس خویش را رنگین‌تر و متنوع‌تر سازد.

پنجم: چنانچه در تدریس به‌وسائل کمک آموزش از جمله نقشه، تصویر، پوستر، فلاسکارت و لوازم و اشیائی مانند: فیلم، اسلاید، ضبط صوت و... احتیاج باشد، در مرحله تهیه مقدمات آنها را پیش‌بینی کند و برای فراهم کردن آنها اقدام نماید. باید متوجه بود، تدریسی که فقط به‌صورت شفاهی و بحث و گفتگو انجام گیرد، از نقطه نظریادگیری کافی و درست نیست و غالباً از حمت آموزگار با کار بستن این شیوه بی‌نتیجه می‌باشد. بنابراین اگر معلم هنگام تدریس از تصاویر و اشیاء و لوازم مناسب سمعی و بصری استفاده کند، هم‌توجه‌نوآموز به‌درس بیشتر جلب می‌گردد و هم درک معانی تازه برایش آسان‌تر می‌شود. (۱) در مورد تهیه‌وسائل و اشیاء کمک آموزشی آموزگاران می‌توانند در وهله نخست از مراکز سمعی و بصری ادارات آموزش و پرورش کمک بگیرند و اشیائی از قبیل دستگاه نمایش فیلم، اسلاید و فیلم استریپ، ضبط صوت، تصاویر، انواع نقشه، پوستر، و... را فراهم

- ۱- نمودار ذیل اهمیت و سایل کمک آموزشی یا مواد و لوازم آموزش سمعی و بصری را در امر تدریس و یادگیری به‌خوبی روشن می‌کند.
- | | | |
|--------------------------------------|-----|-------------------|
| زمانی که دانش آموز درسی را فقط بشنود | ۱۶٪ | آن را یاد می‌گیرد |
| « « « | ۳۲٪ | « « « |
| « « « | ۴۸٪ | « « « |
| « « « | ۷۲٪ | « « « |
- بشنود و ببیند بشنود، ببیند و انجام دهد بشنود، ببیند، انجام دهد و آزمایش شود

سازند و یا به ابتکار خود و با کمک شاگردان انواع وسائل ساده مورد لزوم را تهیه و واحد های کار مناسبی را برای موضوع های آموزشی تهیه کنند. از مجله های کهنه. روزنامه ها، کتابها، فهرستها و .. می توان تصاویر و موضوعهائی جالب و فراوانی را که مربوط به درس کلاس است به دست آورد و آنها را با چسباندن بر لوحه های مقوایی از نظر هر موضوعی تقسیم بندی و مرتب کرد. همچنین به وسیله جمع آوری سنگها، فلزات، حشرات، برگها، گلها، مدلها، نمودارها، نمایشگاه ساده ای در کلاس ترتیب داد و در هنگام تدریس حداکثر استفاده را از آنها گرفت (۱)

ششم: وقت کلاس در نظر گیرد و بداند درس را از کجا شروع کند و به کجا خاتمه دهد تا کار تدریس ناقص و ناتمام نماند.

هفتم: پرسشهای را که شاگردان باید به آنها جواب گویند و اعمال و تکالیفی را که در خاتمه درس باید انجام دهند، در نظر گیرد. پرسشهایی که در هر حلقه تهیه مقدمات از طرف معلم پیش بینی می شود، باید متنوع بوده، حتی الامکان به صورت های ذیل باشد:

پرسشهای مستقیم یا واقعی که جواب آنها در متن درس موجود می باشد. سؤالاتی که در تمام کتابهای فارسی دوره ابتدائی در پایان هر درس طرح شده است، شامل پرسشهای مستقیم است.

۱ - در مورد طرز تهیه و استفاده از وسائل کمک آموزشی، اخیراً کتابی ارزنده از طرف هنرهای زیبای کشور به نام: «راه به کار بردن مواد و وسائل آموزش سمعی و بصری» تألیف «دکتر رین هدسل» ترجمه و منتشر شده است. این کتاب برای آموزگاران محترم در طرز تهیه و کاربرد وسائل کمک آموزشی می تواند راهنمایی بسیار مفید واقع شود.

پرسشهای لغوی: که شامل لغات مشکل و تازه درس است.

پرسشهای استنباطی: که جواب آنها به طور واضح و مستقیم در متن

درس موجود نیست و پاسخگوئی آنها بستگی به آن دارد، که نو آموز موضوع درس را به خوبی فهمیده باشد و از مفهوم کلی و ربط نکات موجود در درس بایکدیگر، بتواند جواب را استنباط کند. پرسشهای استنباطی بهترین فرصت را برای بحث و گفتگو و تفکر دانش آموز در کلاس پیش می آورد.

۲- مقدمه چینی برای تدریس (در کلاس): هیچ معلمی به

محض قدم گذاردن در کلاس، از همان لحظه اول نمی تواند درس روز را شروع کند، بلکه چند دقیقه ای به عنوان مقدمه، صرف آماده کردن شاگردان برای فراگیری می کند.

فعالیت های زنگ تفریح و دروس ساعات قبل، موجب می شود که شاگردان در ابتدای ورود به کلاس افکارشان متشتت و پراکنده باشد. لذا وظیفه نخستین آموزگار در هر جلسه تدریس آن است، که این افکار متفرق و متشتت را در مسیر واحدی قرار دهد و زمینه مساعدی را با کار بستن نکات ذیل در ذهن کودکان برای پذیرش و آموختن درس روز فراهم کند:

الف: حضور و غیاب و رسیدگی به تکالیفی که در جلسه گذشته تکلیف داده شده است.

ب: آماده و منظم کردن وسائل و اسباب کمک آموزش.

ج: نوشتن عنوان درس جدید با خطی درشت و خوانا روی تخته

د : ذکر خلاصه‌ای از درس روز قبل : درس قبل یا ممکن است توسط خود معلم بازگو شود و یا از شاگردان سؤال گردد . هر گاه معلم درس جلسه گذشته را به عنوان مقدمه از نو آموزان می پرسد باید حتی الامکان پرسشها را دسته جمعی طرح کند و پس از دادن وقت کافی برای تفکر ، جواب آنها را به صورت انفرادی از چند نفر بخواهد . و چون مقصود از سؤال ، برانگیختن حس کنجکاوی و تمرکز فکر نو آموز می باشد ، پرسشها را معلم باید به صورتی مطرح سازد که جواب آنها «يك كلمه» یا جملات «بلی» یا «خیر» نباشد ، آموزگار به وسیله پرسش از درس قبل ، علاوه بر اندازه گیری پیشرفت ، معلومات گذشته را به خاطر دانش آموزان می آورد و به ایجاد رابطه بین درس جدید و اطلاعات قبلی ، عمل تدریس را آسانتر انجام می دهد .

ه : بیان هدف و توضیحات مقدماتی پیرامون مقاصد درس جدید به صورتی که محرك ذوق و رغبت شاگردان باشد . معلم با بیان هدف درس ، جهت فعالیت های درس جدید را روشن می کند ، بیان هدف درس موجب می شود که نو آموزان با کمال دقت و کنجکاوی مطالبی را که در بخش ارائه درس تدریس می شود ، دنبال کنند و نکات تازه را بهتر و آسانتر بیاموزند .

۳- ارائه درس : پس از مقدمه چینی و آمادگی ذهن نو آموز برای

پذیرش درس تازه ، معلم موظف است ، درس روز را به آرامی از آغاز تا پایان شمرده و رسا (يك يا دومر تبه) از روی کتاب بخواند . سپس لغات

تازه را با بیانی ساده و از راه نشان دادن مفاهیم آنها به کمک تصاویر و اشیاء و وسایل کمک آموزش معنی کند و روی تخته سیاه بنویسد و از آنها جمالاتی بسازد، تا جای کار بردشان مشخص شود. بعداً مطالب مبهم درس را باید با ذکر مثالهایی ساده و محسوس تفسیر و تشریح کند و ذهن کودکان را به نتایج اخلاقی و عملی که از درس مورد نظر گرفته می شود معطوف سازد و در این مورد همه وقت به نکات اساسی ذیل توجه داشته باشد :

« چون معلومات ، تجربیات معلم و سن و مقام و منزلت او چنان است که دانش آموزان اغلب بدون دلیل و برهان عقاید او را می پذیرند ، وظیفه و مسئولیت معلم در مورد پیشنهاد یا تلقین فکری در کلاس آن است که حتی الامکان به جای گفتن نتایج درس ، مقدمات و اطلاعات کافی در اختیار دانش آموزان بگذارد تا خودشان بتوانند شخصاً به کشف و دریافت نتایج نائل آیند.

هنگام تلقین افکار به شاگردان صدور دستورهای غیر مستقیم اغلب به دستورهای مستقیم ترجیح دارد . زیرا صدور دستورهای مستقیم در آنها «مقاومت منقی» ایجاد می کند و به علاوه هر قدر شاگرد فکر و عقیده ای را از خود بدانند بیشتر به تعقیب و یافتن حقایقی در باره آن راغب می شود . مثلاً مطرح کردن مطالب به صورت پرسش جمالاتی از قبیل : هیچ فکر کرده اید که ؟ یا تصور نمی فرمائید که ؟ یا آیا به نظر شما این طور نیست ؟ بر جمالاتی نظیر باید قبول کنید که ؟ یا چاره ای جز این نیست که ؟ همیشه ترجیح دارد .

معلم هنگام بیان و ایراد مطالب همواره باید مواظب عکس العمل شاگردان خود باشد، همین که حیران و سرگردان به نظر آیند، اندکی توضیح دهد و آنها را مجدداً به فعالیت وا دارد. ادای واضح کلمات و جملات، بیان رسا، به کاربردن لغات مأنوس، استفاده به موقع کلمات، توضیح لغات نامأنوس در ضمن جمله‌ها، تأکید جملات و مطالب مهم بالاخره عوض کردن آهنگ صدا در موقع ضرورت، از اموری است که در بخش ارائه درس باید مورد توجه آموزگاران در تدریس خواندن باشد»^۱

۴- کاربرد و نتیجه گیری: بدیهی است که اگر درس توسط شاگردان به کار نرود و تکرار و مرور کافی نشود، نتیجه مطلوبی عاید نخواهد کرد. جایگزینی مطالب تازه هر درس در ذهن نوآموز، هنگامی فراهم می‌شود که پیرامون آن زیاد و مرتب تکرار شود. يك دست‌ور دیرین در آموزش و پرورش می‌گوید: «کم بیاهوز و بسیار مرور کن» بدینجهت پس از مرحله ارائه درس وظیفه آموزگار است که نوآموزان را وادارد تا:

الف: لغات تازه درس را یادداشت کنند و برای آنکه مفاهیم آنها مرکوز ذهنشان گردد و جای استعمالشان را بدانند در جملاتی به کار برند.

۱- «چگونگی عمل تدریس» نوشته دکتر عباس اکرامی، استاد دانشسرای

ب : درس تازه را چند مرتبه با صدای بلند و روشن و شمرده بخوانند. قبل از آن که درس تازه توسط شاگردان با صدای بلند خوانده شود، اگر برای چند لحظه معلم دستور دهد که آن را همه نوآموزان به طور صامت مطالعه نمایند آمادگی بیشتری برای روانخوانی پیدامی کنند و در نتیجه بهتری خوانند .

ج : نکات اساسی و افکاری را که در هر درس موجود است از یکدیگر جدا سازند و نتایج آن را با استدلال بپذیرند و در صورت پذیرش، صریح و رسایان کنند .

د : به سؤالات آخر هر درس پاسخ گویند و اگر درس به صورت حکایت باشد آن را خلاصه کنند .

ه : از روی درس روز برای تکلیف شبانه بنویسند و در خارج از کلاس آن را چندین مرتبه بخوانند و مطالب آن را پیش خود و همچنین برای دیگران معنی کنند.

در مرحله کاربرد درس توسط شاگردان، آموزگار باید کار اطفال را دقیقاً زیر نظر گیرد و با همکاری خود شاگردان نواقص کارشان را به آنان خاطر نشان و بر طرف سازد و در این مورد توجه کامل داشته باشد که آنچه را کودکان می خوانند، به خوبی درک کرده باشند، کلمات تازه را درست تلفظ کنند، آهنگ صدایشان، هنگام قرائت صحیح باشد و طوری بخوانند که پستی و بلندی صدایشان افکار و عواطف نویسنده را در متن درس به خوبی بیان کند . باز گوئی درس باید به صورتی انجام

گیرد که برای نوآموز لذت بخش و برای دیگران جالب و مطبوع باشد. معلم باید به کودکانی که در مورد درس جدید اشکالاتی دارند، فرصت بدهد که برای حل مشکلات خویش از او استمداد جویند و معانی لغات و مفهوم مطالبی را که نفهمیده‌اند بپرسند. با این عمل او باید اطمینان حاصل کند که تمام شاگردان درس تازه را فهمیده و یاد گرفته‌اند. در پایان هر درس معلم اصول مطالبی را که تدریس کرده است باید تکرار نماید و برای تحریک حس کنجکوی نوآموز نسبت به مطالبی که در جلسه بعد تدریس می‌شود به درس آینده اشاره کند.

تحلیل «Analyse» يك درس نمونه از کتاب ششم ابتدائی

به منظور آنکه آموزگاران محترمی که در سالهای سوم تا ششم ابتدائی عهده دار تدریس خواندن می‌باشند و همچنین کارآموزان سازمانهای تربیت معلم که در دوره پیشرفت خواندن به تدریس عملی می‌پردازند با مطالبی که در صفحات گذشته پیرامون وظایف معلم در تدریس خواندن بحث گردید، آشنائی بیشتری پیدا کنند و عملاً به مطالب مزبور راهنمایی شوند، یکی از درسهای کتاب فارسی ششم ابتدائی را ذیلأً به عنوان نمونه مبتنی بر مراحل يك طرح درس مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

متن درس : «صفحه ۲۰ کتاب ششم ابتدایی چاپ ۱۳۴۳»

آفرین فردوسی

همه گیتی آکنده از نام توست
 به تن خون افسرده آید به جوش
 جهان را کهن کرد و خود تازه است
 ازین بیش تخم سخن کس نکشت
 چه گلها دمیده است بر طرف خاک
 ز تو زنده شد نام دبیرانشان
 سپهرش به سوهان خود سوده بود
 زدوی از او، زنگ ایام را
 به هر هفتخوان میهمان تو بود
 به تو باز گردد نژاد هنر
 زبان تو شد گنج حق را کلید
 به فر فریدون و راه نیای
 شب تار ایران به تو روز کرد
 که سی سال، بر جای ماند استوار
 نه از بینوائی شدت روی زرد
 بدستی زمین نیست بی جای بوس
 خراسان ز نام تو پسر آبروست
 تو را خواست از شاعران سرفراز
 ادا کسرد دین شه غزنوی
 پی افکند آرامگاه تو را
 «حسین سرور»

به يك گوشه از گیتی آرام توست
 چو آهنگ شعر تو آید به گوش
 ز شهنامه گیتی، پر آوازه است
 تو گیتی جهان کرده ام چون بهشت
 ز جاجیز و بنگر کز آن تخم پاک
 بزرگان پیشینه بی نشان
 اگر کلاه ز آهن، یکی توده بود
 تو آب ابد دادی، آن نسام را
 تهمتن نمکخوار خوان تو بود
 تویی دودمان سخن را پدر
 تو را گیتی از شاعران برگزید
 تو ایرانیان را شدی رهنمای
 خدایت بدان کار پیروز کرد
 شگفتا چنین همت نامدار
 نه پیری تورا کرد در کار سرد
 ز جاجیز و بنگر که در خاک طوس
 گرت بستن بند طوس آرزوست
 خدیو هنر جوی شاعر نواز
 همانا که شاه جهان پهلوی
 بر افراخت برمه کلاه تورا

☆ درمر حله تهيئه مقدمات که خارج از کلاس انجام می گیرد، کارهای

ذیل توسط معلم باید درمورد درس مزبور انجام گیرد:

متن درس چند مرتبه مرور شود و در این عمل، معلم باید يك یا

دو مرتبه آن را با صدای بلند برای خود بخواند .

معانی و تلفظ صحیح لغات مشکل و تازه آن یعنی واژه های ذیل را از یکی از فرهنگ های معتبر استخراج کند .

آکنده (پر، انباشته) - سپهر (آسمان) - سوده (از مصدر سودن، سائیده، خرد شده، حك شده، محو شده) - زدوده (از مصدر زدودن، پاک شده، محو شده و ...) - هفته خوان (در لغت به معنی هفت سفره است و در اصطلاح شاهنامه جنگی است که رستم در سفر مازندران برای نجات کیکاوس از بند دیو سفید می کند و به هفت حادثه دشوار مبتلا می شود. این هفت حادثه به ترتیب عبارتند از : کشتن رخس شیری را در نیستان - فروماندن رستم از تشنگی در راه - کشته شدن ازدها به دست رستم - کشته شدن زن جادو - کشته شدن دشتبان - کشته شدن دیو سفید به دست رستم و رهایی پیدا کردن کاوس) - دودمان (خاندان، خانواده) - قَر (شوکت، حسن، زیبایی و ...) - نیا (جد، پدر پدر) - بدست (وجب) خدیو (پادشاه، خداوند، امیر) - دین (وام، قرض، ...) و ...

مفاهیم کلی آن که عبارتند از : (رمز شهرت و معروفیت جهانی فردوسی - خصوصیت شعر فردوسی و تفاوت اشعار او با آثار سایر شعرا - اثراتی که شاهنامه بعد از مرگ فردوسی در افکار عامه و ملی و مخصوصاً ادبیات ایران کرده است - موضوع داستانهای شاهنامه - به ویژه داستان کاوه آهنگر و هفته خوان رستم که در متن درس به آن اشاره شده است - سبب برتری فردوسی بر سایر گویندگان و اینکه سراینده شعر من بورزبان او را به منزله گنج حق دانسته است - خدمت فردوسی به احیاء زبان فارسی و تاریخ

ایران باستان - کیفیت زندگی فردوسی مخصوصاً در آغاز و دوران پیری و فقر و تنگدستی آخر عمر و مدت زمانی را که برای سرودن شاهنامه رنج برده است - فردوسی و سلطان محمود غزنوی و علت رانده شدن او از دربار غزنوی - و بالاخره برگزاری جشن هزاره فردوسی و خدمت رضا شاه کبیر در ساختن آرامگاهی مجلل برای او .) باید در نظر گرفته شود و اطلاعات لازم پیرامون هر کدام به اندازه‌ای که درخور فهم شاگردان کلاس ششم می‌باشد از مآخذ ذیل کسب گردد.

منابع و مآخذی که معلم را در روشن کردن مفاهیم کلی می‌تواند راهنمایی کند، کتابهای ذیل می‌باشد:

تاریخ ادبیات دکتر ذبیح‌الله صفا ج ۱ - تاریخ ادبیات دکتر رضا زاده شفق و .. کتابهایی نظیر: گنج سخن تألیف دکتر صفا - بهشت سخن ج ۱ تألیف دکتر مهدی حمیدی - سیر سخن ج ۲ تألیف احمد احمدی و حسین رزمجو - شعرای بزرگ ایران تألیف هوشنگ مستوفی - داستانهای ایران باستان ، داستانهای شاهنامه تألیف دکتر یار شاطر ، فردوسی نامه مهر - هزاره فردوسی - یاتذکره‌ها و کتابها و مجلات دیگری که محتوی مفاهیم مذکور باشد .

سؤالاتی که احتمالاً از طرف شاگردان ممکن است در مورد این درس در کلاس مطرح شود؛ به‌طور مسلم از مفاهیم کلی فوق‌الذکر خارج نیست. برای ایجاد تنوع در تدریس نقل و مختصر یکی از داستانهای که در متن بدان اشاره شده است در مرحلهٔ ارائهٔ درس، ضروری است.

وسائل کمک آموزشی این درس : نقشه ایران یا نقشه‌ای از استان

خراسان - تصویری از فردوسی و آرامگاه او - مجسمه فردوسی شاهنامه فردوسی و تصویری از رضا شاه است. اگر احیاناً نواری از فردوسی که با آهنگ مخصوص اشعار حماسی خوانده و پُر شده باشد به کلاس آورده شود و به وسیله ضبط صوت پخش شود اثر مطلوبی در ذهن نوآموزان خواهد کرد.

پرسشهایی که در مرحله تهیه مقدمات از طرف معلم باید طرح گردد عبارت است از :

الف: پرسشهای لغوی که شامل لغات تازه درس است. ب: پرسشهای مستقیم، سؤالاتی است که در پایان درس، در کتاب مطرح شده است. مانند: فردوسی که بود اهمیت فوق العاده شاهنامه و ارزش خدمت بزرگ فردوسی در چیست؟ فردوسی در چند سال شاهنامه را به نظم درآورد؟ آرامگاه فردوسی به فرمان کدامیک از پادشاهان ایران ساخته شد؟

ج: پرسشهای استنباطی، که شامل نتیجه درس یا نکات دیگری است که از مفاهیم کلی آن استنباط می شود.

کار نوشتنی که در پایان تدریس باید به شاگردان تکلیف داده شود این است که مفهوم شعر را به نثری ساده بنویسند. برای تدریس کامل این درس دو ساعت وقت لازم است. معلم می تواند یا این درس را در دو قسمت تدریس کند و یا یک ساعت را به ارائه تمام درس و ساعت بعد را به اجرای مراحل دیگر طرح درس اختصاص دهد.

✽ در بخش مقدمه چینی در کلاس، پس از حضور و غیاب و رسیدگی به تکالیف نوشتنی معلم عنوان درس « آفرین فردوسی » را با

خوانا و درشت روی تخته سیاه باید بنویسد و سپس خلاصه‌ای از درس روز گذشته (حضرت محمد «ص» رسول خدا از هجرت تا وفات، صفحه ۱۸) را از شاگردان بپرسد. پرسش درس روز قبل سبب می‌شود که، علاوه‌ها گذشته به ذهن نوآموز آید و بدینوسیله زمینه‌ای مساعد برای بیان هدف درس تازه و ارتباط آن با درس گذشته فراهم گردد. به منظور آنکه هدف درس تازه به روشنی بیان شود و ارتباط آن با درس گذشته حفظ گردد، معلم می‌تواند در این مورد از مقدمه ذیل استفاده کند.

معلم - در جلسه قبل ضمن شرح حال حضرت محمد «ص» و پندهای آموزنده آن حضرت، فهمیدیم که نامه‌برده به‌ما سفارش کرده‌اند که در تمام مدت عمر نیکوکار باشیم و دانستیم که اگر کسی عمرش را در راه کارهای پسندیده و خدمتگزاری مردم سپری کند، گذشته از منافعی که در زندگی نصیبش می‌گردد، پس از مرگ مردم از او به نیکی یاد خواهند کرد و در واقع برای همیشه زنده خواهد بود. ما در درس امروز با یکی از مردان نیکوکار و خدمتگزاری که عمرش را در راه خدمت به مردم و کسب افتخار برای وطنش صرف کرده‌است، آشنا می‌شویم. این مرد، شاعر معروف ایران - حکیم ابوالقاسم فردوسی است. در این شعری که اکنون برایتان خواهم خواند، علاوه بر آنکه شما با کارپرداز و افکار بلندپایه این مرد بزرگ آشنا می‌شوید، خواهید دید که اثر کار نیک هیچ وقت از بین نمی‌رود و هر زمان که باشد دیر یا زود، سود آن به فرد نیکوکار خواهد رسید. و چنانکه در درس امروز خواهیم دید، زحمات

فردوسی پس از هزار سال از مرگ او حقیقت‌سناسی گردید و رضا شاه کبیر با ایجاد جشن هزاره و ساختن آرامگاهی مجلل برای او، بر شهرت و معروفیت این شاعر عالی‌قدر افزود.

پس از ذکر این مقدمه، مرحله ارائه درس فرا می‌رسد.

✽ در مرحله ارائه درس معلم ابتدا تمام شعر را از آغاز تا انتها با صدای بلند، شمرده و گیرایک یاد و مرتبه از روی کتاب باید بخواند سپس لغات تازه درس را معنی کند و روی تخته سیاه بنویسد و از آنها جملاتی نظیر: قلب ما همیشه باید «آکنده» از مهر وطن باشد، برای کلمه «آکنده» و برای لغت «سپهر» جمله: هنگام شب ماه بر سپهر آبی رنگ می‌درخشد و ۰۰۰ بسازد. بعداً درس را تفسیر کند و راجع به هر کدام از مفاهیم کلی به اجمال توضیح دهد. و ضمن تشریح درس از وسائل کمک آموزشی استفاده کند. او باید محل طوس را روی نقشه مشخص سازد و تصاویر فردوسی، آرامگاه او، رضا شاه و ۰۰۰ را به موقع و به اقتضای کلام به شاگردان نشان دهد.

در پایان مرحله ارائه درس، معلم باید به همه شاگردان چند لحظه فرصت بدهد که درس تازه را به طور صامت مطالعه کنند. سپس برای خواندن بلند داوطلب بخواهد و دستور دهد که چند نفر درس را بلند و واضح بخوانند و مفاهیم کلی آن را بیان کنند و به پرسشهایی که مطرح می‌کند، جواب گویند و ضمناً اشکالات خودشان را هم از او پرسند.

در پایان مرحله کاربرد، آموزگار به موضوع درس جلسه آینده
 «که طریقه نامه نگاری، صفحه ۲۱ است» باید اشاره کند و برای
 تکلیف نوشتنی، دستور دهد که شعر مزبور را به نثری ساده درآورند
 و بنویسد.



عوامل مؤثر در پیشرفت خواندن

خواندن از جمله درس‌هایی است که کار نوآموز در فراگیری آن نسبت به سایر دروس، باید با دقت و بینش زیاد تری از طرف معلم رهبری شود. برای تدریس صحیح و کامل درس خواندن، معلم علاوه بر تسلط و احاطه بر مطالب درسی و آشنائی با روش‌های تدریس و فن کلاس‌داری، باید شاگردان خود را از نظر خصوصیات روانی، عواطف، تمایلات شخصیت و تیپ فکری (ازلحاظ برون‌گرایی و درون‌گرایی) و بالاخره توانی‌های جسمی و روحی به‌خوبی بشناسد و مخصوصاً از عواملی که در سازندگی نوآموز از نظر درک مفاهیم و پیشرفت او در راه خواندن نقش مؤثری دارند و قوف بالنسبه کاملی داشته باشد. شناسائی عواملی که در تسریع یا کندی و توقف کار خواندن مؤثر می‌باشند، برای معلم این امکان را فراهم می‌کند که کار دانش‌آموزان را دقیق‌تر ارزشیابی کند و با هر کدام مطابق استعداد و شرایط و عوامل موجود در زندگیشان رفتار نماید و بالمال از تعلیم و تدریس بهره بیشتری بگیرد.

مهمترین عوامل مؤثر در پیشرفت خواندن عبارتند از:

۱- رشد:

خواندن صحیح که بنا بر قابلیت درک مفاهیم و مهارت در روان‌خوانی همراه می‌باشد، رابطه‌ای مستقیم با پیشرفت رشد بدنی و روانی نوآموز دارد. در جسم و روح هر کودک باید یک سلسله‌گر گونی‌های پدیدار گردد، تا استعدادهای او به کار افتد و قدرتهای ذاتیش از قوه

به فعل رسد و آماده فراگیری دانشها و مہیای پذیرش مفاهیم شود .
 وراثت ، طرز تغذیه ، چگونگی فعالیتہای اعضاء بدن به ویژه نحوه عمل
 غدد داخلی (ہیپوفیز ، تیروئید ، غدد فوق کلیوی و...) در ترشح ہورمونہای
 مختلف و بالاخرہ شرایط محیط اجتماعی ، از عوامل مؤثر در رشد می باشد.
 در تعلیم خواندن ، مسئلہ رشد باید از دو جنبہ ذیل مورد دقت و
 مطالعہ آموزگاران قرار گیرد:

الف - رشد جسمی : موفقیت نو آموز در ہر امری منوط بہ تندرستی
 جسم یار شد طبیعی اندام بدن اوست . توانائی جسم کہ عامل مہمی در تأمین
 شادابی و نشاط و خستگی ناپذیری کودک می باشد ، در پیشرفت خواندن
 مؤثر است . در کار خواندن علاوہ بر آنکہ کودک بہ طور کلی نباید بیمار
 باشد ، مخصوصاً چون حواس سہ گانہ : شنوائی ، بینائی و گویائی او
 نقش مہمی در یادگیری لغات و زبان آموزی دارند ، اگر
 نقص یا ضعفی در اعضای حواس مذکور راہ یابد و یا رشد کافی
 پیدا نکند ، بہ واسطہ نشیندن تلفظ صحیح لغات و ندیدن صورت بصری آنہا
 وعدم بیان و تلفظ درست و روشن ، در کار خواندن پیشرفت حاصل نمی شود .
 از این روست کہ آموزگار در تعلیم خواندن چون ہمیشہ از نیروہای مزبور
 باید کمک گیرد ، ضروری است کہ با معاینات دقیق نواقص شنوائی ، گویائی ،
 بینائی دانش آموز را تشخیص دہد و میزان توانائی ہر یک را اندازہ گیرد
 و جای مناسبی را برای کودک ان غیر عادی (۱) در کلاس فراہم کند و

با باز دیدهای متوالی از نظافت و انجام راهنمائیهای لازم، رعایت اصول بهداشت را به آنان خاطر نشان سازد و بدین وسیله سلامتیشان را تأمین کند و آنان را همآهنگ با کودکان عادی (۱) در خواندن جلو برد.

ب - رشد عاطفی و اجتماعی: سازگاری نوآموز با محیط کلاس و

شرکت کردن در فعالیتهای دسته جمعی، نداشتن حواس پرتی و دقیق بودن به مطالب هنگام تدریس. نترسیدن، کمرو نبودن و بر خورداری از آرامش خاطر و اعتماد بنفس که از جمله علائم بارز رشد عاطفی و اجتماعی به شمار می رود، از عوامل مؤثر در تعلیم خواندن است. برای آماده کردن شرایط مناسب جهت رشد عواطف و تقویت روحیات اجتماعی اطفال وظیفه معلم است که با توجه به اختلافات فردی شاگردان، طوری با آنان عمل کند، که حتی الامکان حالات و احساساتی نظیر: غم، خشم یا آس، و نفرت و حسادت در ایشان به وجود نیاید و شخصیتشان در هم شکسته نشود و علائق و خواستههایشان سر کوفته نگردد. آموزگار باید مخصوصاً افراد منزوی و عزلت طلب کلاس و آنهایی را که نواقص عضوی یا عقده های روحی دارند، بشناسد و با تشویق و دلگرمی، اعتماد خاطر را در آنان به وجود آورد و زمینه های مساعدی را برای شرکت در فعالیتهای کلاس در این دسته فراهم سازد. برای پیشبرد رشد عاطفی و اجتماعی طفل، معلم موظف است که در همه حال به شخصیت کودکان

احترام گزارد و بایک دسته بخصوص کار نکند . و برای برانگیختن رغبت کودکان به درس ، احتیاجات آنان را در نظر گیرد و با هر کسی مناسب قوه و استعدادش عمل کند . برای تأمین این منظور، معلم باید به کارش علاقمند و باشاگردانش دوست و مهر بان باشد و نخست خودش دارای عواطفی سالم و روحیه ای توانا باشد .

۴- میزان هوش

اگر هوش را به توانایی در سرعت فهم معنی کنیم و کلیه فعالیت های ذهنی نظیر : دقت ، شناسائی ، حفظ ، یاد آوری ، استدلال ، ابتکار و غیره را مربوط به آن بدانیم، باید قائل شویم که پیشرفت در خواندن نیز که بر پایه درک و فهم معانی و حفظ و یاد آوری صورت های سمعی و بصری واژه ها استوار می باشد . بامیزان هوش و ذکاوت نو آموز ، بستگی کامل دارد .

کودکان با هوش و مستعد همانگونه که در بحث سخن گوئی اشاره شد، در یاد گیری معانی لغات ، طرز تلفظ ، روان خوانی ، درک نکات دقیق و تفسیر و توضیح مطالب و انجام تکالیف ، همه وقت از دیگر شاگردان کلاس جلوترند و حتی در بسیاری از موارد ملاحظه می گردد که برنامه کلاس برای آنان و کم و ناچیز جلوه گرمی شود . این دسته غالباً به کتاب درسی کلاس قانع نیستند و همواره در صدند که عطش یاد گیری خود را با خواندن کتابها و نوشته های زیاده تر از مطالب درسی تسکین دهند . از این روست که در تعلیم خواندن معلم نباید با همه ،

شاگردان با روشی واحد کار کنند و حد و حصری یکسان را در نظر گیرد و از همه يك اندازه پیشرفت را انتظار داشته باشد. بلکه ضروری است برای هر نوآموز درخور تواناییهای روحی و جسمیش زمینه فعالیت فراهم سازد و شاگردان با هوش را به کارهای فوق برنامه و مطالعه آزاد، راهنمایی کند.

۳- محیط

الف - خانه و خانواده : خانواده جامعه کوچکی است که بنای شخصیت کودک در آن پی ریزی می شود و افکار و عواطف و طرز دید و کیفیت و کنشهای او از نظر سازگاری یا ناسازگاریش در زندگی اجتماعی بنیاد می گردد.

در دوران پیش از دبستان، تمام وقت کودک تحت سرپرستی و نفوذ تربیتی خانواده می گذرد و در دوره دبستان هم اگر هر روز پنج ساعت کار و به طور متوسط برای هر کلاس چهل نفر نوآموز را در نظر بگیریم، معلوم می شود که مقدار وقتی را که کودک در محیط خانه و خانواده می گذراند، چندین ده برابر زمانی است که در محیط مدرسه می باشد. وضع اقتصادی (۱)، میزان تحصیلات و تعداد افسراد تحصیل کرده و

۱- از مطالعاتی که چندی قبل در یکی از نواحی بلژیک انجام گرفته است چنین بر می آید که از هر صد نفر شاگردی که مردود می شوند ۲۴/۳ درصد متعلق به خانواده های ممول ۲۸/۳ درصد فرزندان خانواده های متوسط خوب و ۴۷/۴ درصد فرزندان خانواده های فقیر می باشند. نتیجه تحقیقاتی که بر روی صد هزار

علاقهٔ اعضای خانواده به کتاب و مطالعه و نوع ارتباط و مراقبت و توجه آنان به کودک و تشویق و تشجیع به امر خواندن و همچنین همکاری آنان با مدرسه و آشنا بودن به امور تعلیم و تربیت، از عواملی است که در پیشرفت خواندن نو آموز نقش مؤثری دارد.

ب - **مدرسه و معلم** : بعد از خانواده محیطی که جسم و روح کودک را با نفوذ معنوی و قوانین و برنامه‌های مرتب خویش پرورش می‌دهد و او را برای فعالیتهای زندگی آماده می‌کند، مدرسه است. معلم نیز که رکن اساسی دستگاه آموزش و کارگردان فعالیتهای مدرسه می‌باشد، سرمشق و مورد تقلید نو آموزان بوده، کلیه حرکات و سکانات او الهام بخش و دلیل راه و محرک فعالیتهای کودک است.

شیوهٔ کار معلم، صفات و رفتار او اثر مستقیم در ساختمان عواطف و روحیات کودک و با مال در کلیه پیشرفتهای تحصیلی او و از جمله در کار خواندن دارد.

تعلیم صحیح خواندن زمانی صورت می‌گیرد، که بین معلم و شاگردان تفاهم کامل موجود باشد. معلم باید با تسلط بر مواد درسی و شناختن

→
نفر شاگرد مدرسه در فرانسه انجام گرفته است، نشان می‌دهد که بطور قطع وضع اقتصادی و اجتماعی خانواده، در درجهٔ هوش و در نتیجه در پیشرفت تحصیلی آنان اثر مستقیم دارد، مثلاً فرزندان دهقانان در هر سنی نتایج ضعیفتری نسبت به افراد مشاغل دیگر به دست می‌آورند. «نقل از مجلهٔ آموزش و پرورش شماره ۷ دورهٔ سی و چهارم صفحه ۴۴ نوشتهٔ دکتر پریخ بهنام»

اختلافات فردی کودک کان یا بر اصل شناسائی دو گانه (دانش و کودک) و دلباختگی دو گانه (علاقه مند بودن به حرفه ی معلمی و شاگردان) و با مهر بانی ، خوش خلقی ، شکیبائی و داشتن هدفی مشخص و نظم و ترتیب در رفتار ، رغبت نو آموزان را به کار خواندن برانگیزد و طوری عمل کند که محیط کلاس برای کودک رعب آور و خسته کننده نباشد . او باید با تشویقهای بجا و دادن آزادی عمل ، در نو آموزان آن اندازه جرأت و آرامش خاطر ایجاد کند ، تا بتوانند مشکلاتشان را با او در میان گذارند و در رفع آنها از او استمداد جویند . معلمی که مبتنی بر طرح صحیح و آمادگی کافی برای هر جلسه درس ، در کلاس حضور یابد و با راهنمائیهای لازم شاگردان را به مطالعه و تحقیق وادارد ، و کار آنان را دقیقاً تحت نظر گیرد ، شك نیست که روز به روز علائق دانش آموز را زیاده تر و دامنه اطلاعاتش را وسیعتر می سازد و پیشرفت او را در راه خواندن سریعتر و به هدفهای زبان آموزی نزدیکتر می کند .

بیان رساو گرم معلم ، تلفظ صحیح و آهنگ صدای او نیز در پیشرفت خواندن نو آموزان به سزائی دارد .

۴ - وسائل - برنامه کار

از عوامل دیگری که در پیشرفت خواندن کمال اهمیت را داراست ، وسائل و ابزار کار و برنامه مناسب است .

مکان درس و وسائل کمک آموزش و لوازم التحریر و اگر دارای شرایط لازم نباشد ، یا به اندازه کافی در اختیار نو آموز قرار نگیرد و از طرفی برنامه خواندن مناسب سن و استعداد و علائق کودک طرح ریزی نشود ، از کار تعلیم و تعلم نتایجی ارزنده عاید نخواهد

شد .

در وهله نخست ساختمان مدرسه و کلاس درس که در آن فعالیتهای تحصیلی انجام می گیرد ، باید از لحاظ نور ، حرارت ، هوا ، رطوبت و بر اصول بهداشتی بنا گردد . چه اگر کلاس درس تاریک باشد موجب ضعف بینائی می شود و اگر روشنائی آن از حد معمول زیادتر باشد ناراحتیهای روانی و عوارضی نظیر درد سر و چشم در دراموجب می گردد . درجه گرما نیز معمولاً اگر از ۱۸ درجه تجاوز کند یا کمتر شود و یا میزان رطوبت از حد لازم زیادتر باشد و یا گنجایش فضای کلاس برای استنشاق شاگردان و نشستن کافی نباشد ، اشکالاتی را در کار تدریس پیش می آورد . همچنین کلاسهایی که در مجاورت امکنه شلوغ و پر صدا ، مانند : خیابان ، کارخانه ، ایستگاه راه آهن و یا در محیطهای غم - انگیزی نظیر : قبرستان ، بیمارستان ، تیمارستان قرار دارد ، باعث کندی و یا توقف تدریس و حواس پرتی و یا تأثیر خاطر نو آموز می شود .

تعداد افراد کلاس در امر خواندن و پیشرفت شاگردان مؤثر می باشد . در کلاسهای شلوغ ، چون مقداری از نیروی آموزگار صرف انضباط و اداره کلاس می شود و از طرفی کار همه شاگردان آنطور که باید ارزشیابی نمی گردد ، پیشرفت خواندن به کندی انجام می گیرد .

میز ، نیمکت ، تخته سیاه ، گچ ، تخته پاک کن ، لوازم التحریر اگر به اندازه کافی در دسترس دانش آموز نباشد و یا کار کردن با آنها مشکل باشد دشواریهایی را در کار خواندن پیش می آورد .

کتاب درسی باید حتی الامکان زیبا، مصور، خوش خط، ساده و باکافد خوب و چاپ مناسب تهیه شده باشد.

وجود کتابخانه، نمایشگاه و وسائل کمک آموزشی و فعالیتهای فوق برنامه، کلوپها، انجمنها، گردشهای علمی و ... فرصتهای مناسبی برای مطالعه و تحقیق و در ضمن پیشرفت خواندن را برای نوآموز فراهم می کند.

برنامه خواندن نیز باید متناسب با سن و رشد و مبتنی بر علائق و مآنوسات طفل پی ریزی شود و نیاز مندیهای جامعه در آن منظور گردد. برنامه خواندن برای دبستان حتی الامکان باید متنوع و مربوط به تجربیات زندگی کودک باشد، به طوری که میل نوآموز را به خواندن برانگیزد و ارضای خاطر را در او فراهم کند. برنامه خواندن باید حاوی مطالبی باشد که مفاهیم و نتایج درسهایی را که طفل می خواند، در زندگی عملاً ببیند و لزوم آنها را درک کند و بتواند از آموخته های تازه برای حل مشکلات خود استفاده نماید و موفقیت خویش را حس کند.

انواع خواندن

شاید بیشتر مردم تصور کنند که خواندن فقط وسیله بالابردن سطح اطلاعات و استنباط نکات مختلف علمی، ادبی و ... و تنها راه تحقیق و تتبع برای کشف مجهولات است، در حالی که در بسیاری از مواقع ممکن است هدف خواننده از مطالعه، افزایش معلومات نباشد و کتاب را برای منظورهای دیگری انتخاب و مطالعه کند.

به طور کلی خواندن همیشه برای یکی از منظوره‌ای ذیل به کار برده می‌شود .

۱- تفریح و سرگرمی.

۲- وقت گذرانی.

۳- ور رفتن به کتابها یا به قول آمریکائیه‌ها «چریدن در کتابها».

۴- افزودن معلومات عمومی و هم چنین به دست آوردن اطلاعات و معلومات برای پیشرفت کار و کسب و حرفه .

۵- انتقاد .

۶- تمرین نویسنده گی و سرمشق گرفتن از نویسندگان.

۷- تحقیق و تتبع در مسائل علمی و ادبی و ...

۸- حفظ کردن مطالب و به خاطر سپردن کلمات و اصطلاحات . (۱)
بدیهی است که چون شیوه مطالعه در هر کدام از منظوره‌ای هشتگانه مذکور با یکدیگر متفاوت است و هر يك با شرایط مخصوصی همراه می‌باشد ، ضروری است که معلم در تعلیم خواندن نکات لازم را در هر مورد یادآور شود و مهارت مطالعه را برای استفاده کامل از همدفهای فوق در نوآموز فراهم سازد .

برای سهولت تحقیق و بررسی این بحث ، بادر نظر گرفتن اینکه هر چند نکته از منظور های مـ زبور ، ارتباط و پیوستگی نزدیکی با یکدیگر دارند ، خواندن را به انواع سه گانه ذیل تقسیم می‌توان کرد :

الف : خواندن تکمیلی

ب : خواندن تقریحی

ج : خواندن عملی

خواندن تکمیلی به منظور توسعه و تکامل و کسب مهارت‌های لازم برای پیشرفت خواندن در کلاس درس انجام می‌گیرد .

در خواندن تکمیلی که زیر نظر معلم انجام می‌شود، نو آموز با واژه ها ، اصطلاحات و قواعد دستوری زبان آشنا می‌شود و برداشته اطلاعات لغوی خویش می‌افزاید و خود را برای خواندن عملی آماده می‌کند .

وظیفه معلم در خواندن تکمیلی آن است که : به طرز قرائت ، رسائی شمردگی ، تلفظ صحیح ، خوش آهنگی . یکنواخت نبودن و پست و بلندی صدای نو آموزان توجه کند . و ایشان را طوری تربیت کند ، که هنگام خواندن ، معانی کلمات را بفهمند و معانی کلی هر نوشته را بتوانند به روشنی تفسیر و تعبیر کنند .

و زمانی که در برابر جمع با صدای بلند می‌خوانند خونسرد باشند ، تعادل خود را حفظ کنند و طوری بخوانند که توجه شنوندگان را به خود جلب نمایند . به طور کلی در خواندن تکمیلی ، معلم به تمام نکاتی که در مرحله ارائه درس و کاربرد و مرور (بخش تعلیم در مرحله پیشرفت خواندن) اشاره شد باید توجه داشته باشد. «۲»

خواندن تفریحی برای سرگرمی ولذت بردن انجام می‌گیرد. داستانها، سرگذشت‌های تاریخی، قطعات ادبی، اشعار، مطالب هزلی و خنده‌آور، اخبار مجلات و روزنامه‌ها جزء خواندنی‌های تفریحی و سرگرم‌کننده محسوب می‌شوند. به منظور آنکه نوآموز از خواندن تفریحی به وجه احسن استفاده کند ولذت ببرد، باید به‌روش مطالعه و خواندن ساکت که بیشتر چشم فعالیت می‌کند و خواندن سریع‌تر انجام می‌گیرد آشنا باشد. در خواندن تفریحی، خواننده باید مطالب کتاب را بتواند به یکدیگر به‌خوبی ربط دهد و نکات دقیق نوشته و نظرات نویسنده را که گاه ممکن است به‌صورت کنایه یا استعاره و در قالب ضرب‌المثلی بیان گردد، دریابد. اگر خواندن تفریحی مبتنی بر پایه‌ای منظم و صحیح و مناسب سن کودک عملی گردد و کتاب‌هایی زیبا، مصور و آموزنده در اختیارش قرار گیرد، علاوه بر آنکه او را در راه خواندن پیش می‌برد، به‌طور غیر مستقیم برداشته‌های اطلاعات علمی، تاریخی، ادبی، مذهبی، اجتماعی و... او می‌افزاید.

خواندن عملی بیشتر در تحقیق و تتبع و افزودن معلومات تازه و رفع نیازمندی‌ها به‌کار می‌رود. در دروس مختلف تاریخ، جغرافیا، علم الاشياء، ریاضی و... نوآموز با خواندن عملی بر معلومات خود می‌افزاید و به کشف مجهولات و حل مشکلات خویش نائل می‌گردد و در خواندن متن‌های ادبی با دقت به جمله‌بندی و مختصات معنوی و لفظی نوشته، با سبک‌های نگارش و اصول نویسندگی آشنائی پیدا می‌کند. چون در خواندن عملی پایه مطالعه فرد بر فهم لغات و اصطلاحات و موضوع‌های

کلی‌متنهائی استوار است که مورد استفاده قرار می‌گیرد، خواننده باید به طرز استفاده از فهرستها، از جمله فهرست مطالب، اعلام، منابع، مآخذ کتاب و علامات اختصاری مستعمل در آن، همچنین طرز استفاده از فرهنگها و پیدا کردن لغات و تشخیص نوع کلمه به کمک علامات اختصاصی فرهنگ، آشنا باشد و طرز یادداشت کردن و تلخیص و استخراج و استنباط مطالب کتاب را بداند، تا از حداقل وقت حداکثر استفاده را بتواند از منابع و مآخذ مورد نظر بگیری و در تحقیق و تتبع به خوبی توفیق حاصل کند.

مواد و مطالب مناسب برای مطالعه کودکان در دبستان

همان گونه که در بر نامه دبستان برای بالا بردن سطح اطلاعات عمومی و آشنا کردن نوآموز به مسائل گوناگون علمی، ادبی، تاریخی اجتماعی و... مواد مختلفی به نامهای: علوم طبیعی، ادبیات، ریاضی، علوم اجتماعی و غیره گنجانده شده است، مواد خواندنی و کتابهایی را هم که کودکان دبستانی برای مطالعه آزاد و پیشرفت در خواندن انتخاب می‌کنند، باید حتی الامکان مربوط به مباحث و دروسی باشد که در کلاس درس به ایشان تعلیم داده می‌شود.

در قسمت زبان و ادبیات، مطالعه اشعار ساده و مهیج و نثرهای زیبا و آموزنده، موجب تحریک ذوق و تلطیف احساسات و عواطف کودکان می‌شود.

خواندن داستانهای تخیلی یا واقعی کوتاه که حاوی مطالب مذهبی ملی، تاریخی، حماسی می‌باشد و مطالعه سرگذشت مردان بزرگ مذهب

یا تاریخ ملی و جهان ، در تقویت نیروی تخیل و ساختن شخصیت معنوی
 كودك كمك مؤثری می کند .

مسائل ساده علمی و شرح اختراعات و اکتشافات بزرگ و موضوعاتی
 نظیر: سرگذشت زمین و پیدایش موجودات و تغییرات جوی و... كودك را
 از جهان اطراف خویش باخبر می نماید و نیروی تحقیق و تتبع را در او
 بیدار می کند و پرورش می دهد.

موضوعهای تاریخی و علوم اجتماعی و تعلیمات مدنی و نوشته‌هایی
 که از قراردادهای اجتماعی و قوانین و آداب و رسوم زندگی بحث می کند،
 روح قبول مسئولیت و وظیفه شناسی را در نوآموز توانا می سازد، بالاخره
 سایر مواد ، هر يك به نوبه خود بر میزان فهم و درك او می افزاید و او
 را برای زندگی واقعی آماده می کند.

مواد مذکور باید مناسب سن و ذوق و احتیاجات زندگی طفل و
 رشد عقلی و ذهنی او انتخاب گردد، و حتی الامکان جنبه تفریح و سرگرمی
 داشته باشد.

به طور کلی بادر نظر گرفتن شرایط مذکور، مواد مناسب و کتابهای
 خواندنی كودكان را به شرح ذیل می توان تقسیم بندی كرد :

۱- مطالب خواندنی مناسب برای كودكان

(از ۳ تا ۸ سالگی)

«الف: داستانهای که قهرمانان آنها حیوانات باشند ، افسانه
 هایی که قوه تخیل اطفال را در راه صحیح به کار اندازد و حتی الامکان

هیجان آور نباشد و جنبه خرافاتی نداشته باشد .

ب : داستانهای مربوط به محیط زندگی طفل و مطالبی که روابط انسان و اجتماع و آداب معاشرت را به طور ساده و جالب به کودک می آموزد و او را با اجتماعات بزرگ آشنایی کند .

ج : موضوعاتی که علاقه و محبت به حیوانات را در کودکان زیاد می کند و ترس آنها را از بین می برد .

د : مطالبی که صفات و اخلاق پسندیده، نظیر: راستگویی و درستی را در کودکان پرورش می دهد .

ه : مطالب یا تصاویری که امور بهداشتی ساده را به کودک می آموزد.

مطالبی که برای مطالعه کودکان از ۸ تا ۱۲ سالگی مناسب است

الف : مطالب بهداشتی .

ب : مطالبی که حدود آزادی و محدودیتهای کودک را در اجتماع روشن می سازد و داستانهایی که واقعیت زندگی را به او معرفی می کند .

ج : داستانهای تخیلی که عواطف و احساسات کودکان را تلطیف می کند و خداشناسی ، رعایت امور مذهبی ، صلح جوئی و نوع دوستی را در او تقویت می نماید .

د : داستانهای تخیلی علمی و مطالبی که او را با مقدمات علوم ، اختراعات و شگفتیهای جهان آفرینش آشنایی سازد .

ه : داستانهای که کودک را با زندگی قهرمانان خرد سال آشنا می کند .

و : مطالبی که نوآموز را از زندگی کردن در شهر ، دهو کشور های جهان و حرف و مشاغل مختلف آگاه می سازد .

ز : مجموعه هایی از اشعار ، قطعات ادبی ساده و ترانه های فارسی و ترجمه هایی از آثار منظوم و منثور خارجی ، که طفل را با ادبیات ملی و خارجی آشنایی نماید .

۳- مطالب خواندنی مناسب برای نوجوانان (از ۱۲ تا ۱۵ سالگی)

الف : داستانهای ملی و آثار کلاسیک و ساده ادبیات فارسی .
ب : قصه های محلی برای آشنایی با آداب و رسوم و سنن درادوار مختلف .

ج : نوشته ها و ترجمه هایی از کتابهای پر حادثه جهانگردی .
د : سرگذشت و ماجرا های زندگی واقعی جوانان .
ه : مطالبی از زندگی حیوانات (نظیر موریانه ، مورچه و ...) .
دانستنیهای جهان ، داستانهای تخیلی علمی .

و : مطالبی درباره سازمانهای مختلف بین المللی ، ترجمه آثار برجسته نویسندگان خارجی و نوشته های ساده نویسندگان جوان ایرانی .

ز : فیزولوژی دوران رشد و تأثیرات روانی و اجتماعی آن ، مطالبی

درباره ورزش و سرگرمیهای مفید دیگر. « (۱)



به طور کلی برای تمام سنین کودکی، نوجوانی و جوانی، مطالب ذیل نامناسب می باشد و زیانهای فراوانی را برای خواننده پیش می آورد:

مطالبی که کودکان و جوانان را به شانس و اقبال معتقد و پای بند کند و یا آنها را به تن پروری و تنبلی عادت دهد. داستانهای که با مطالب خرافی همراه باشد و حس متقی بافی و کناره گیری و انزوا و بدبینی را در خواننده به وجود آورد.

سرگذشت هایی که درباره صبر و حوصله بیجا مبالغه کند و با جادوگری و جن و دیو و غول و غیره همراه باشد.

کتابهایی، که مادیگری، و پابند نبودن به اصول مذاهب و بی قیدی و بی بندوباری را ترویج کند.

داستانهای پلیسی و جنائی و کتب دیگری که ایجاد ناراحتیهای روحی و روانی کند.

مطالبی که باعث تحقیر ملت و یا اشاعة تبعیض نژادی باشد و بالاخره کتابهایی که فحشاء و بی عفتی را ترویج کند.

۱ - نقل با تلخیص از ماهنامه شورای کتاب کودک شماره ۶ سال اول اسفند ۱۳۴۲ (شورای کتاب کودک نام جمعیتی است که از عده ای نویسنده معروف و متخصص تعلیم و تربیت در تهران تشکیل گردیده است. این شورا علاوه بر فعالیتهایی که در زمینه تهیه و نشر کتابهای کودکان انجام می دهد ماهنامه ای نیز دارد که همراه راجع به مسائل مختلف کتاب کودک، بحثها و نظرات جالب و ارزنده ای منتشر می کند.)

اهمیت کتاب و کتابخانه برای کودکان و نوجوانان

نقشی که کتابهای مفید در بالا بردن سطح اطلاعات و تلطیف ذوق و اندیشه افراد ایفا می کند، بر کسی پوشیده نیست .

کتابخانه به منزله پناهگاهی است که در سکوت آرامش بخش و در محیط آموزنده خود، مارا به دنیای زیباییها و روشنائیها هری می کند، و در قلمرو اندیشه های بلند و الهام بخش مردان بزرگ دین و دانش و فرهنگ و هنر، درس زندگی می آموزد .

کتابخانه سالمترین محیط برای سرگرمی و لذت بردن، و پرارزشترین کانون از نظر رهبری اخلاقی و تربیتی نوجوانان و جوانان به شمار می رود. به گفته یکی از بزرگان : «اگر در کشور ما هر خانواده ای می توانست کتابخانه کوچکی از کتابهای خوب و ارزنده داشته باشد، به طور قطع زندگی اجتماعی ما متقلب می گردید و تحقق هدفها و آرزوهای ملیمان به پاییه غیر قابل تصویری می رسید .» در دنیای کنونی وجود کتاب از لوازم اولیه و اجزای لایتنک زندگی اجتماعی محسوب می شود . پایه و اساس تمدن عصر حاضر، بر کتاب و روزنامه و منابع مطبوعاتی نهاده شده است . پیشرفتهای علمی ، صنعتی ، هنری و ... و تغییرات سریع و بی درپی در کلیه شئون زندگی ایجاب می کند، که معلم و شاگرد با مطالعه کتاب ، از دنیای پراسرار پیرامون خود باخبر گردند، و در

سایه شناسائی محیط و اطلاع از اوضاع و احوال جهان اندیشه ها، وظایف خویش را بهتر تشخیص دهند، و زندگی خوبیتری را برای خود بسازند. وجود کتابخانه در هر مدرسه از اهمیت لوازم است. زیرا معلمی که بخواهد به تربیت افراد متعادل و سازگار با جامعه متری آینده نائل شود، به معلومات خود نمی تواند قانع باشد و بنا بر ضرب المثل معروفی که: «اگر هر کس سه روز مطالعه نکند سخنش دیگر لطفی ندارد» نخواهد توانست، ارضای خاطر را در شاگردان خویش فراهم سازد و در کار خود توفیق حاصل نماید. هر معلمی باید از آخرین پیشرفتهای رشته و فن خویش مطلع باشد و به تازه ترین شیوه های آموزش و پرورش در سایه مطالعه مستمر و خواندن دائمی، آشنائی پیدا کند، تا کار تعلیم و تربیت را به وجهی احسن انجام دهد. همچنین شاگرد نیز علاوه بر خواندن کتابهای درسی و انجام تکالیف کلاسی، باید با مطالعه کتابهای مفید و مناسب، به وظایف اجتماعی خود آشنا شود و احساس مسئولیت و اعتماد به نفس در او تقویت گردد، نیروی تفکر و تخیل و سایر قوای دماغیش پرورش پیدا کند، از تاریخ گذشته کشور خویش و آداب و رسوم و قوانین و قراردادهای اجتماعی مطلع گردد و بالاخره دنیای پیرامون خود را بشناسد.

تشکیل کتابخانه در دبستان

با صرف اندکی نیرو و وقت، می توان کتابخانه مفید و بالنسبه کاملی به یکی از دو صورت ذیل، در دبستان ایجاد کرد:

۱- کتابخانه عمومی

کتابخانه عمومی برای استفاده همه شاگردان دبستان می باشد. مهمترین مسائلی که در ایجاد کتابخانه عمومی باید مورد نظر قرار گیرد: اداره کتابخانه، تهیه کتاب، محل کتابخانه، و وقت مطالعه است.

اداره کتابخانه عمومی باید زیر نظر شورائی مرکب از چند نفر آموزگار و دانش آموز انجام گیرد، و فردی که به امور کتابداری و تنظیم و تقسیم بندی کتابها و تهیه فهرست و غیره آشنائی داشته باشد، باید به عنوان کتابدار معین شود. تهیه کتاب یا ممکن است از راه گرفتن مبلغی مختصر از دانش آموزان تأمین گردد و یا از بودجه ماهیانه ای که از طرف اعضای کتابخانه یا انجمن خانه و مدرسه پرداخت می شود، خریداری شود.

بابرگزاری هفته ای در هر سال به نام «هفته کتاب»، و تشکیل جشن و ایراد سخنرانیهای درمورد اهمیت کتاب، می توان از افراد خیر و یا از اولیاء نوآموزان در هدیه کردن یک یا چند جلد کتاب، به کتابخانه مدرسه استمداد کرد.

برای کتابخانه عمومی وجود محلی مناسب که حتی الامکان آرام و دور از هیاهو و سروصدا باشد و لااقل اطاقی برای مخزن کتاب و جای وسیعتری را برای قرائتخانه داشته باشد، ضروری است.

دسته بندی و تنظیم فهرستی کامل از کتابهای موجود در کتابخانه، و طرح برنامه ای دقیق برای وقت مطالعه، تزئین دیوارهای کتابخانه به وسیله تصاویر یا مجسمه هایی از دانشمندان، نویسندگان،

شعرا و هنرمندان یا شعارهایی که مشوق خواننده به مطالعه باشد، از جمله نکاتی است، که در کتابخانه عمومی باید مورد نظر قرار گیرد.

۴- کتابخانه کلاسی

بایک تنفسه چوبی یا آهنی و تعدادی کتاب می توان کتابخانه کوچکی به نام کتابخانه کلاسی، در هر اطاق درس به وجود آورد.

کتابهای موجود در کتابخانه کلاس باید طبق برنامه ای منظم، به طور امانت برای مطالعه در منزل به شاگردان کلاس داده شود. برای هر دو هفته یا یک ماه، یکی از شاگردان کلاس به عنوان کتابدار که مسئول حفظ و توزیع و جمع آوری کتاب می باشد باید انتخاب شود و کتابهایی که توسط شاگردان از کتابخانه گرفته می شود، به وسیله نامبرده در دفتری، خصوص، باز کر تاریخ دریافت و استرداد ثبت گردد. تعداد کتابهایی که برای کتابخانه کلاس تهیه می شود، باید به نسبت افراد کلاس، برای هر دانش آموز ۵ تا ۱۰ جلد کتاب باشد.

اگر معلم برای کسانی که در انتخاب کتاب و رعایت نوبت و نظم در نگهداری و استرداد کتاب به کتابخانه کلاس، علاقه و توجه بیشتری نشان می دهند، امتیازاتی قائل شود؛ و برای شاگردانی که مطالعه بیشتری می کنند، جوایزی تعیین نماید. از کتابخانه کلاس به وجه شایسته ای می تواند در پیشرفت خواندن و ترغیب شاگردان به مطالعه، بهره برداری کند.

در تهیه کتاب برای کتابخانه های عمومی یا کلاسی دبستان از نظر نوع و

موضوع باید رعایت سن و استعداد نوآموزان، سادگی، مصوّر بودن، تنوع، کوتاهی کتاب، مراعات شود، و به طور کلی شامل کتابهای ذیل باشد:

الف - داستانهای آموزنده و کوتاه اخلاقی، تربیتی، مذهبی، تاریخی و ..

ب: اطلاعات عمومی و مطالب گوناگون اجتماعی، مذهبی آداب و رسوم و ..

ج: تراجم احوال بزرگان مذاهب، دانشمندان، نویسندگان، شعرا، هنرمندان، سلاطین و ..

د: آثار منظوم (معمولا اشعار وصفی و تربیتی ساده) ترجمه‌هایی از شاهکارهای ادبی جهان.

ه: مطالب بهداشتی، علوم به زبان ساده، دانستنیهای جهان.

ه: مطالب فکاهی و سرگرمیها.

ز: کتابهای کمکی برای دروسی که در دبستان تدریس می‌شود نظیر فرهنگها، حل المسائل و ..

برای تأمین نظرات و پیشنهادهای مذکور در مورد تشکیل کتابخانه، و تهیه کتابهای آموزنده، از وظایف اولیه هر معلم است، که از کتابهای مفید و مناسبی که برای کودکان، نوجوانان، جوانان، تألیف یافته است و هر روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود، اطلاع کافی داشته، همه وقت فهرست کاملی از آنها را در دسترس داشته باشد. تا در مواقع لزوم با معرفی کتابهای خوب شاگردان

را به مطالعه تشویق و تحریک کند و بدینوسیله آنها را به ذخائر و گنجینه‌های دانش و ادب و فرهنگ بشری رهبری نماید .

فهرست ذیل اسامی آموزنده‌ترین کتاب‌هایی است که تا کنون به زبان فارسی برای کودکان، نوجوانان، جوانان، متناسب با سن و ذوق و شرایط رشد عاطفی و اجتماعی آنان تألیف و ترجمه شده است . معلمان محترم می‌توانند از این فهرست برای ایجاد کتابخانه عمومی یا کلاسی در دبستان استفاده کنند و شاگردان خویش را به مطالعه آنها راهنمایی نمایند (۱).

کتاب‌های مفید و خواندنی برای کودکان ۶ تا ۷ سال (نوآموزان کلاس اول از کتب ذیل می‌توانند استفاده کنند)

نام کتاب	نویسنده	مترجم	موضوع کتاب
آواز فرشتگان	عباس یمینی شریف	-	اشعار کوتاه
اردک پرچونه	هلن اورز	ناشر: نورجهان	داستان
بازی با القباء	عباس یمینی شریف	-	حکایات کوتاه
بچه خرسها فرامی‌کنند	-	ناشر: کانون دنیا	
		و هنر	داستان مصور
بچه‌های حیوانات	-	ناشر: گوتمبرگ	علوم
برزگرومزرع‌اش	الن اورز	-	داستان

۱ - برای تهیه و تنظیم این فهرست از دوره‌های مجله راهنمای کتاب - فهرست کتاب‌های کودکان و نوجوانان نشریه شورای کتاب کودک - فهرست کتاب‌های کودکان تنظیم‌توران میرهادی - فهرست‌های منتشره شده از طرف کتابفروشیها استفاده شده است .

بیژن و شیر	جمشید اگری	یمینی شریف - والی زاده	داستان
تحصیل قبل از ۷ سال	خوشنویسان	-	داستان مصور
حساب مصور	من - جزایری	-	-
حیوانات مرعه	-	-	علوم
خرگوش بهانه گیر	هلن اورز	ناشر : نورجهان	داستان
داستان عروسک	ع - یمینی شریف	-	«
دو تاقصه فشنک راجع			
به مداد دورنگ	و - سوتیه	-	داستان مصور
کی گفت میائو	«	-	«
گربه مقلد	هلن اورز	-	«
گربه ناقلا	مهدی آذریزدی	-	«
گردش در جنگل	ماری هالانس	هوشمند فتح اعظم	«
میمون مسخره	الزاورز	ناشر : نورجهان	«
نرگس و عروسک موطلائی	لیلی ایمن	-	«

کتابهایی که برای مطالعه کودکان از هفت سال به بالا مناسب است
(شاگردان کلاس دوم دبستان از کتب ذیل می توانند استفاده کنند)

نام کتاب	نویسنده	مترجم	موضوع کتاب
اردک خوشبخت	فریده	-	داستان
از قیل تا قنجان	هرمان و فیثاشنایندر	-	»
افسانه های کودکان	محسن فارسی	-	مجموعه داستان
افسانه های منظوم	عبدالله وزیر الهی	-	شعر
بادکنک	باغچه بان	-	داستان منظوم
بازگشت لاسی	اریک نایت	نورجهان	داستان
باغی که با هم کاشتیم	مونرولف	اطلاعات آمریکا	اجتماعی

داستان	--	رضوان مهدی	بهترین داستان کودکان
اجتماعی	۱. اطلاعات آمریکا	مونرولیف	بیائید خوشتر شویم
داستان	--	شاهد	پروانه ها و باران
«	فرح یگانگی	کرت وایز	پنج برادر چینی
نمایشنامه	--	باغچه بان	پرو ترب
داستان	ن. نور جهان	بازیل میتوز	تلاش نیکو
بهداشتی	۱. اطلاعات آمریکا	مونرولیف	تندرستی مایه نشاط
داستان مصور	--	اندرسن	جوجه اردک زشت
داستان	ن. نور جهان	--	چشمه سحر آمیز
مجموعه داستان	--	«	حکایات شیرین
داستان مصور به شعر	-	رسام ارژنگی	خاله سوسکه و آقا موشه
«	-	جعفر تجار تجی	«
«	-	رسام ارژنگی	خرس و روباه
داستان	-	ل. تولستوی	خروس تاج طلایی
اجتماعی	۱. اطلاعات آمریکا	مونرولیف	درستکاری و همکاری
			دنیا گردی جمشید و
مجموعه داستان	-	ع. یمینی شریف	مehشید
«	-	«	دو کد خدا
«	گریم ه. توانگر	برادران	راپونزل
شعر	-	باغچه بان	زندگی کودکان
علوم	ع. یمینی شریف	ایروما بر	زیر زمین و روی زمین
داستان	نشریات کودک	برادران گریم	ساز و آواز حیوانات
داستان منظوم	-	باغچه بان	عروسکان کوه
مجموعه داستان	-	صبحی	عمو نوروز
داستان مصور	کاظم گیلانپور	یون کرانک	غلام سفید
«	-	اندرسن	فر روزنگ
			قصه های خوب برای
مجموعه داستان	--	مهدی آذریزدی	بچه های خوب
داستانهای منظوم	--	ع. یمینی شریف	قصه های شیرین

قصه های سهیل	نراقی	-	مجموعه داستان
قصه موش دم بریده	ج. تجارتچی	-	داستان مصور
کدوی قلقله زن	شاهد	-	«
گر به های شیپور زن	ع. یمینی شریف	-	داستانهای منظوم
گرگ و چوپان	باغچه بان	-	نمایشنامه
گرگ و هفت بزغاله	برادران گریم	م- جعفری	داستان
مرغابی سیاه کوچولو	اندرسن	-	«
ملکه گلها	«	کاوه دهگان	داستان مصور
نارنج و ترنج	ج. تجارتچی	«	داستان
هر کس پیدا کرد مال			
خودش	لیلی آهی	-	«
هر کس خانه ای دارد	«	-	اجتماعی
یک ملیون گربه	وانداگاک	فرح یگانگی	داستان

کتابهای مناسب برای کودکان از ۸ سال به بالا
(شاگردان کلاس سوم از کتب ذیل می توانند استفاده کنند)

نام کتاب	نویسنده	مترجم	موضوع کتاب
آدمک چوبی	کاراو کولودی	صادق چوپک	داستان
آلیس در سرزمین آئینه ها	ل. کارول	محمد رضا امینی	«
« « « عجایب	«	حسن هنرمندی	«
ابر و باران و برف	برتا موریس		
اتل مثل تو توله	پارکر	مجید روشنگر	علوم
اجتماعات حشره ها	ج. تجارتچی	-	داستان
افسانه های اندرسن	ب. پارکر	م. عامری	علوم
افسانه های باغ بهشت	«	گلشائی	مجموعه داستان
افسانه های دلپذیر	«	اردشیر نیکپور	«
افسانه های زرین	-	-	«
افسانه های شیرین	برادران گریم	دکتر شهسار الملوك مصاحب	«

افسانه های کودکان	کریاوف	خانه شوروی	مجموعه داستان
افسانه های کهن	صبحی	-	،
افسانه های نو	راشل فیلد	ناصر مشیر	،
باشهامت	اسپری	-	،
پسر چوپان	پا نو یوسا نا	ن . نور جهان	،
تام ادیسون	سوگاتریچ	شهمردیان	شرح حال
جانداران	ب . پارکر	م . عامری	علوم
چهل طوطی سخنگو	پروین منصور	-	مجموعه داستان
چهار افسانه روستائی	کوهی کرمانی	-	،
چهارده	»	-	،
حاجی ملا زلفعلی	صبحی	-	،
حرارت	ب . پارکر	م . عامری	علوم
حسنى	فریده فرجام	-	داستان
حیواناتی که می شناسیم	ب . پارکر	م . عامری	علوم
حیوانات گذشته	»	»	،
خواندنیها و سرگرمیها	وزارت فرهنگ		داستان
داستانهای خواندنی کودکان	پرو	-	،
داستانهای شیرین	داریوش زمانی	-	،
داستانهای مصور کودکان	انتشارات کیهان	-	،
دژ هوش ربا	صبحی	-	،
دیوان بلخ	»	-	،
سنگ را کی غلط اند	فرانک بور بون	نور جهان	داستان
سهروسی	لویز امی الکات	،	داستان
شبهه ماشین هستین	ب . پارکر	م . عامری	علوم
فرانسوا کوژیشت	-	ایرج باقر پور	داستان
قصه های پای کرسی	کاشانی	-	مجموعه داستان
قصه های چینی و ترکمنی	مهرین راد پور	-	،

قصه‌های طلائی	روحی ارباب	--	«
قصه‌های کودکان	فرخ بهروز	-	«
کتاب شادمانی	الینور پورتر	نورجهان	داستان
کوئوله بینی، دراز	-	مهندس نیک‌زاد	«
کوچولو و گارسون	۱. لیندکرن	عبیش زاده	«
کودک در خانه و مدرسه	نیکلای نوسف	جمعیت کودک	«
گربه چکمه پوش	-	زینت و مجید کشاورز	«
گل ارغوانی	-	روحی ارباب	مجموعه داستان
گیاهان عجیب	ماری نورا	جعفر بدیع	علوم
ما کیم کوچولو	استانیو کویچ	باقرزاده	داستان
مرال جنگل	علینقی وزیری	-	«
نخستین روزهای جهان جرال و روز			
واید	احمد بطحائی	علوم	
نخستین مردم جهان	«	«	علوم اجتماعی
هزار داستان	اندرسن	مسعود حاتم	داستان

کتابهای که برای کودکان از ۹ سال به بالا مناسب است
(شاگردان کلاس چهارم دبستان از این کتابها می‌توانند استفاده کنند)

نظم کتاب	نویسنده	مترجم	موضوع کتاب
آهنربا	ب. پارکر	م - عامری	علوم
افسانه‌های ایرانی	جواهر کلام	-	مجموعه داستان
افسانه‌های بوعلی سینا	صبیحی	-	»
افسانه‌های ملل	ژیزیل والره	حسن هنرمندی	»
افسانه‌های هندی	-	-	»
باغ اسرار آمیز	فرانس پرنت	ش . مصاحب	داستان
تام سایر	مارک تواین	پروین داریوش	»

داستان	امیر فرسود	م. هنری	توسن بادپا
«	جلالی فر	جان راسکین	پادشاه رودخانه طلائی
»	»	»	پادشاه شهر طلائی
«	»	»	پرنده طلائی
»	-	ر. ب. نلسن	پروانه‌ها
»	نگار روحانی	فرانک باوم	جادوگر شهر زمرد
»	فریده قرچه داغی	جان بادن	جان در جنگل
»	هاجر تربیت	لوئی ستمونس	جزیره گنج
»	جواد عامری	رومک کلانک	جهان جانوران
»	شهین صنعتی	فردیناند لین	جهان حشرات
ریاضی	-	-	چقدر و چقدر
داستان	تنظیم دکتر یار شاطر	فردوسی	داستانهای شاهنامه
»	رستم صاحب	کادل چایک	داستان جن و پری
علوم اجتماعی	اطلاعات آمریکا	-	داستان مصور آمریکا
مجموعه داستان	بریچهر حکمت	-	داستانهای ملل
داستان	مسعود رجب نیا	کارلا امن	را بین هود
»	شیده جلالی فر	پرو	زیبای خفته
بازی و سرگرمی	-	استوکس	سرگرمیها
علمی	فریدون وهمن	ژول ورن	سفر هشتاد و نه روز در دنیا
داستان	محمد قاضی	مارک تواین	شاهزاده و گدا
»	شیده جلالی فر	هنری بستون	شهر زیر دریا
»	-	-	شهرزاد قصه می گوید
»	م. شریف زندیه	شارل و یادراک	عینک شیر
»	-	-	فتح قطب شمال و جنوب
مجموعه داستان	نیر سعیدی	لافونتن	قصه های لافونتن
			قصه مور و بلبل و کلاغ
داستان	-	ج. تجارتی	لجهاز
»	خجسته کیا	-	قصر واژدها

داستان	مهری آهی	قهرمانان کوچک
»	شیده جلالن فر	کشتی اسرار آمیز
»	»	کوهستان اسرار آمیز
داستان علمی	اردشیر نیکپور	گردش به دور ماه
علوم	م. عامری	گل و میوه و تخم
داستان	د. منشی زاده	مایا دختر گریزان کندو
علوم	احمد آرام	ماه مصنوعی
علوم	م. عامری	مرغان
علمی	فریدون وهمن	مسافرت به مرکز زمین
داستان	ش. جلالی فر	ملکه سرزمین فانوس
داستان و صور	عبید زاکانی	موش و گربه
نمایشنامه	جنتی عطایی	نمایشنامه های مدارس
مجموعه داستان	تلخیص دکتر ش. مصاحب	هزار و یکشب
»	سیمین دانشور	همراه آفتاب

کتابهای خواندنی برای کودکان از ۱۰ سال به بالا

شاگردان کلاس پنجم از کتابهای ذیل می توانند استفاده کنند

نام کتاب	نویسنده	مترجم	موضوع کتاب
آشفشان و زلزله	فردریک بو	علی اصغر مهاجر	علوم
آسمان پرستاره	هدایت و ژوزف	-	»
آزمایشهای علمی	ژوزف لیپمن	احمد رضا قلی زاده	»
آنچه به درد بچه های خورده	فریدون شهریاری	-	مجموعه داستان
اختراع هواپیما	کونین هولدن	محمد مایلی	علوم
افسانه های آسیائی	کنت دو گوینو	-	مجموعه داستان
افسانه های کودکان	فرهنگ رازی	-	»

داستان	میمنت دانا	چین و بستر	با بالنگ دراز
علوم	م. عامری	بر تاموریس پارکر	برق
علوم اجتماعی	مهندس محمد عصار	و. ا. برتر	بشرو بازار کارش
داستان	روحی ارباب	هکتور مالو	بیخا نمان
			بیست هزار فرسنگ
داستان علمی	اردشیر نیکپور	ژول ورن	زیر دریا
داستان	اقبال یغمائی	آلفونس دوده	پتی شز
«	غلامرضا ثمری	توماس مینرید	پسران شکارچی
«	جلال عنایت	جرج سیوا	پسری در سمرقند
علوم	شهین صنعتی	آن تری وایت	پنج رود
»	ه. فتح اعظم	ر. هولدن	پنج سفر پر خطر علمی
			تاریخ جهان برای
علوم اجتماعی	مصطفی مقربی	هیلر	خردسالان
علوم	-	حسین امید	تفریحات علمی
داستان	ف. قرچه داغی	ر. ل. ستیونس	تیر سیاه
			تلفن شما چگونه
علوم	احمد آرام	ه. ونینا شنایدر	کار میکند
داستان تخیلی علمی	-	ژول ورن	جزیره اسرار آمیز
داستان	ع. یه مینی شریف	بلبنتین	جزیره مرجان
			جغرافیای جهان
جغرافی	احمد مقربی	هیلر	برای خردسالان
داستان	ا. میر بهاء	ر. کپیلینک	جنگل
علوم	ناصر جدیدی	ا. اسپری	جنگلهای جهان
»	سیروس تاجبخش	فردیناند لین	جهان گلها
شرح حال	ا. خواجه نوری	و. ا. دویت	چهره های درخشان تاریخ
علوم	م. عامری	بر تاموریس پارکر	خاک
مجموعه داستان	-	وزارت فرهنگ	خواندنیها و سرگرمیها
»	-	تنظیم احسان یارشاطر	داستانهای ایران باستان
			داستانهای دل انگیز

ادبیات فارسی	دکتر زهرا خانلری	-	مجموعه داستان
داستانهای ژاپنی	فیلین شالد	اردشیر نیکپور	«
داستانهای من	هلن کلر	ثمینه پیرنقار	شرح حال
داستانهای منتخب	گی دوموپاسان	ف. قرچه داغی	مجموعه داستان
داستان نیکان و پاکان	جواد فاضل	-	»
داستان هزارستان	مجتبی مینوی	-	»
داستانهای برای همه	ارتود گود	-	علوم
داستانهای بزرگوار	ب. پارکر	م. عامری	»
در آغوش خانواده	هکتور مالو	محمد قاضی	داستان
در یادیار عجایب	فردینا ندین	شهین دخت صنعتی	علوم
رستم و سهراب	فردوسی	-	شعر
رستم و اسفندیار	»	-	»
روبنسن کروزوئه	ویلسن	بهرام فره‌وشی	داستان
روبنسن کروزوئه	دانلد دوفر	»	»
سرزمین یخبندان	ا. اسپری	محمود مصاحب	علوم
سرگذشت رز	اسنال	هما زاهدی	داستان
سطح متغیر زمین	ب. پارکر	م. عامری	علوم
شیطان کوچولو	کنتس دوسگور	محمد تقی دانا	داستان
صوت	ب. پارکر	م. عامری	علوم
عروسک مومی	کونتس دوسگور	محمد تقی دانا	داستان
فرزند ربوده شده	ر. ل. ستمیونسن	ا. میر بهاء	«
فلیسی	کنتس دوسگور	رشید هاشمی	»
فندق شکن	هوفمان	حیدری- باقرزاده	»
قوه جاذبه	ب. پارکر	م. عامری	علوم
قهرمانان یونان باستان	وراسمیدنوا	روحی ارباب	داستان
کارا زارها	ب. پارکر	م. عامری	علوم
کتاب پرنده	آرنور گود	-	»
مامان کوچولو	کولت ناست	نگار روخانی	داستان
من و خرم	خ. ر. خمینز	باهره راسخ	»
ناقوسها	چارلز دیکنز	پریدخت مروستی	»

نخستین زن پزشك	آ. هول بیکر	-	شرح حال
نور	ب. پارکر	م. عامری	علوم

کتابهای مناسب و خواندنی برای جوانان و جوانان

نام کتاب	نویسنده	مترجم	موضوع کتاب
آبراهام لینکلن	استرلینگ نورث	بهمن شعله‌ور	شرح حال
آب و هوا	ا. تانپیل	کاظم عمادی	علوم
آبشار نیاگارا	ساموئل آدامز	احمد جزایری	علوم اجتماعی
اختراعات بزرگ	فلچر پرات	اردشیر زندینا	علوم
آدمیان نخستین	آن تری وایت	فریدون بدره‌ای	اجتماعی
آرزوهای بزرگ	چارلز دیکنز	فرح دواچی	داستان
آزادی و استقلال نو	د. فیشر	رضازاده قشقائی	اجتماعی
آزمایشهای علمی	-	-	علوم
آفریدگار جهان	ناصر مکارم	-	مذهبی
آلبرت شواستر	فاسمروال	آذر رهنما	شرح حال
آنجا که حق پیروز است	پرویز خرسند	-	داستان مذهبی
آن سوی منظمه شمسی	ب. پارکر	م. عامری	علوم
آئین سخنوری	محمد علی فروغی	-	ادبی
آئین دوست یابی	دیل کارنگی	رشید یاسمی	اجتماعی
آئین زندگی	,	جهانگیر افخمی	,
آهنگ	محمد حجازی	-	مجموعه داستان
آئینه	,	-	,
اتومبیل	الیزابت جنوی	محمد دپویان	اجتماعی
اختراع تلفن	کترین شپین	ابوطالب صامی	علوم
اخلاق مردان بزرگ	-	مهر دادمهرین	شرح حال
از جان گذشتگان	و. و. میسون	مهر دادنبیلی	اجتماعی

از هوشناس پیرس	ب. پارکر	م. عامری	علوم
اسکندر کبیر	جان کوئتر	ایرج قریب	شرح حال
افسونگران دریا	آلفرد ماسار	ا. پزشک نژاد	داستان
اندیشه	محمد حجازی	-	مجموعه داستان
اندیشه های مردان بزرگ	-	مهر داد مهرین	اجتماعی
ایران را از یاد نباید برد	دکتر اسلامی	-	-
به خدائی ناشناخته	جان اشتاین بک	محمود کیا نوش	داستان
برده آزادی بخش	کاترین شرمین	ابوطالب صارمی	اجتماعی
برزیکران دشت خون	پرویز خرسند	-	مذهبی
برگزیده نشر فارسی	احمدی. رزمجو	-	ادبیات
بنیامین فرانکلین	مارگارت کازنیز	مهین خلیلی	شرح حال
بهار کشنده	ل. ژیلان	رضاسید حسینی	داستان
بیا با نهای جهان	س. و. اپشتاین	محمد تقی مایلی	علوم
پاستور	-	روحی ارباب	شرح حال
پرندة آبی	موریس مترلینک	-	داستان
پرواز به آسمانها	ن. لئونارد	مهندس موحد	علوم
پل وورژینی	ب. دوسن پیر	سعید نفیسی	داستان
پیامبر ۳ جلد	ز. رهنما	-	شرح حال
پیوند دو اقیانوس	ب. کانسی داین	محمود فخر داعی	علوم اجتماعی
تذکره شعرای معاصر (۲ جلد)	خلخالی	-	شرح احوال
تفریحات علمی	ب. کانسی داین	حسین امید	علوم
تمام برو بچه های دنیا	ژاکر می	دکتر ناصر موفقیان	داستان
جورج واشنگتن	استرلینک نورث	اردشیر زند نیا	شرح حال
جنگهای صلیبی	آنتونی وست	داریوش همایون	علوم اجتماعی
جمیله	هانری بر دو	ایرج پزشک نژاد	شرح حال
چرا چرخ می چرخد	ادوارد هیوتی	اکبر بهزادی	علوم
چنگیز خان	هارولد لمب	ابوطالب صارمی	شرح حال
حساسترین فراز تاریخ	جمعی از دبیران مشهد	-	داستان

حقوق زن در اسلام و جهان	یحیی نوری	--	مذهبی
حماسه خورشید	هادی دستباز	-	داستان
حیات مردان نامی	یلوتارک	مهندس رضامشایخی	»
خانه بیلاقی	سامرست موام	جواد امامی	»
خودآموزعکاسی	-	مهدی آذریزدی	علوم
داستان راستان	مرتضی مطهری	-	»
داستانهای برگزیده	م. جمالزاده	-	»
داستان شهر بانو	رحیم زاده صفوی	-	»
در کشوری دور دست	جک لندن	علی جعفری	»
در آغوش خوشبختی	-	ابوالقاسم پاینده	اجتماعی
دریای گوهر ۳ جلد	دکتر مهدی حمیدی	-	ادبی
دلیران کربلا	سید علی رضوی زاده	-	تاریخ
دوست ناشناس	میر هادی ربانی	-	داستان
دومذهب	سید هادی خسرو شاهی	-	مذهبی
دنیای ستارگان	آن تری وایت	مجید یعقوب	علوم
دین و دانش	دکتر حاج سید جوادی	-	مذهبی
دینو سورها	چپمن اندروز	حسین زمانی	علوم
رادیو و تلویزیون	جک گولد	اکبر بهزادی	»
راه افتخار	همادینک کارتر	میر بهاء	اجتماعی
راهی به کشور آفتاب	فردیناند کن	محمود کیا نوش	»
روش نویسندگان بزرگ	حسین رزمجو	-	ادبی
زندگانی چهارده معصوم	جواد فاضل	-	شرح حال
زندگانی حضرت محمد	سید غلامرضا سعیدی	-	»
زندگی سیاهان	گودوین	مهدی سرمدی	داستان
زندگی گیاهی	هیئت ولفان	دکتر محمود بهزاد	علوم
زینب یا بانوی قهرمان	-	-	-
کر بلا	بنت الشاطی	-	شرح حال
ژاندارک	س. و. دایس	ایرج پزشک نیا	»

داستان	محمود قاضی	جک لندن	سپیدندان
مذهبی	-	حسینعلی راشد	سخنرانیهای راشد از رادیو
علوم	دکتر محمود بهزاد	-	سرگذشت زمین
			سرگذشت نگهبانان
داستان	-	جک لندن	صید ماهی
مذهبی	-	محمد رضا حکیمی	سرود جهشها
علوم اجتماعی	مصطفی مقربی	برناردین کیلتی	سقوط قسطنطنیه
داستان	-	جک لندن	سگ سیرک
علوم	عبدالله توکل	آن تری وایت	سنگها و صخرهها
مذهبی	دکتر علی شریعتی	پ-لوئی ماسینون	سلمان پاک
داستان	احمد بطحائی	آن تری وایت	سیاه مبارز
فلسفی	-	محمد علی فروغی	سیر حکمت در اروپا
ادبی		احمدی-رزمجو	سیر سخن (۲ جلد)
تربیتی	-	دکتر عیسی صدیق	سیر فرهنگ
اجتماعی	محمد حجازی	جان کایزل	شادکامی
ادبی	آذین فر	ویلیام شکسپیر	شاهکارهای شکسپیر
	دکتر پرویز خانلری تاریخ هنری	پوپ	شاهکارهای هنر ایران
	گردآورنده کار مجله داستان	-	شعله های جاوید
»	-	رسول پرویزی	شلوارهای وصله وار
علوم	رضا اقصی	ایرا فریمن	شکفتیهای شیمی
داستان	ایرج پورباقر	جک لندن	عشق زندگی
»	-	حسینقلی مستعان	عشق مقدس
علوم	دکتر غلامحسین صاحب	-	عالم تفریحی
اجتماعی	هوشنگ ابرامی	س. و. اپشتاین	غار نشینان قبل از تاریخ
علوم	بیژن مفید	ر. ج. اندروز	غول دریاها
داستان	-	علی وکیلی	فراموش مکن
ورزشی	منیر مهران	-	فن ورزش
علوم	مهر داد بهرین	-	فرایده های هوا و سبزیها
»	مجموعه داستان	آلفونس دوده	قصه های دوشنبه
»	-	سید صدرالدین الاغی	قصص قرآن

قهرهای مصنوعی	دیوید و اتیز	محمود مصاحب	علوم
قهرمانان آزادی	وینست شیان	مهرداد رهسپار	اجتماعی
قهرمانان تمدن	ژوزف کاتلر	-	»
کاشف استرالیا	آ. اسپری	ف. بدره‌ای	شرح حال
کریستف کلمب	«	مجید یعقوب	»
گاریبالدی	مارسیاداون پورت	دکتر فروغ حکمت	»
گالیل	-	روحی‌ارباب	شرح حال
گزنفون	ج. هوله	منوچهر امیری	»
لطیفه‌ها	علی باقرزاده	-	ادبی
ماجرای مارکوپولو	ریچارد والش	احسان شهبازی	شرح حال
محمد پیغمبری که از نو باید شناخته شود	و. گیورگیو	ذبیح‌الله منصوری	مذهبی
محمد رسول الله	جواهر کلام	-	شرح حال
مردانی که دنیا را			
عوض کردند	لارسون	پرویز مرزبان	»
مردنای متناهی	حسن صدر	-	»
مذهب در اروپا	مهندس بازرگان	-	مذهبی
ناپلئون	ف. نورث	اردشیر زندنیا	شرح حال
نامه‌هایی از آسیای من	آلفونس دوده	جمشید توللی	داستان
نجات نسل جوان	ناصر مکارم	-	مذهبی
نزدیکترین همسایه زمین	ب. پارگر	م. عامری	علوم
نهج البلاغه	علی (ع)	جواد فاضل	مذهبی
نیروی برق	ایرا فریمن	حامد نگهبان	علوم
نیش و نوش	حسینقلی مستعان	-	مجموعه داستان
هفت زن نامدار جهان	د. د. توماس	-	شرح حال
یاوه بازار	ویلیام تاکری	فرح‌یکانگی	داستان

دستور زبان

اهمیت دستور زبان
روش تدریس دستور زبان در دبستان
برنامه دستور زبان در دبستان

ما باید رعایت قواعد دستور زبان را
 مثل رعایت قوانین کشور و آداب لباس
 پوشیدن محترم بشماریم و غلط ننویسیم و
 درست سخن بگوئیم ، زیرا نظم جامعه
 زبان نیز، مانند انتظامات دیگر جوامع
 قابل احترام است .
 «استاد ملك الشعر ابهار»

اهمیت دستور زبان

همچنان که برای سوار کردن قطعات يك موتور، نقشه‌ای دقیق و
 منظم باید در کار باشد ؛ تا قطعات آن هر کدام در محل مخصوص خود
 جایفتند و به وسیله پیچها و مهره هائی مناسب، محکم و میزان شود و آماده
 کار و بهره برداری گردد ؛ اجزاء و واحدهای دستگاه تفهیم و تفهّم یا
 زبان هم بر اساس قواعد و اصولی که به نام دستور زبان موسوم است ، باید
 تلفیق و ترکیب شود ؛ تا انتقال مقاصد به آسانی صورت پذیرد و تفهیم
 و تفهّم به درستی انجام گیرد .

قواعد دستوری یا گرامر هر زبان را می‌توان به منزله قوانین و
 فرمانهائی دانست ، که برای اداره و نظم سازمانهای يك کشور، وضع و
 صادر می‌شود . همانگونه که افراد يك ملت در همه حال، موظف به تبعیت
 و اجرای قوانین کشور خود می‌باشند؛ اهل هر زبان نیز موظفند که برای
 نظم جامعه زبان، وجو گیری از تشتمت و هرج و مرج در آن ، اصول

دستوری زبان خود را گردن نهند و آنهارا در گفتار و نوشته‌های خود مراعات کنند .

موضوع دستور زبان بحث در باره خواص کلمات و کیفیت ترکیب آنها بایکدیگر ، یا تشکیل واحدهای اصلی بیان، یعنی جمله می باشد . برای درست گفتن و درست نوشتن زبان فارسی، باید انواع کلمات نه گانه آن یعنی : اسمی ، افعال ، صفات ، قیود ، اعداد ، کنایات ، اصوات ، حروف (اضافه - ربط) ، را شناخت و با نقش هر يك و جای استعمال هر کدام از نظر کیفیت انتقال مفاهیم در جملات ، آشنا گردید .

روش تدریس دستور زبان در دبستان

برای تعلیم دستور زبان ، ابتدا باید به این نکته اساسی توجه داشت که : هدف از تعلیم قواعد دستوری ، آموختن يك سلسله تعریفهای کلی مبهم و بی مصرف ، و تحمیل آنها به حافظه نوآموز نیست . بلکه دستور تنها وسیله‌ای است ، که به کمک آن باید کار تفهیم و تفهّم و تحقیق و تتبع را برای استخراج مفاهیم صحیح ، از نوشته‌ها و گفتار ، آسان ساخت و درست خواندن و درست نوشتن را به وسیله آن آموخت .

در تمام مراحل و کلاسهای دوره دبستان ، تدریس دستور زبان باید مبتنی بر مآنوسات و تجربیات زندگی طفل انجام گیرد ، و هیچگاه به صورت تعریفهای مبهم کلی بیان نشود . برای تعلیم هر مبحث معلم به روش استقرائی باید کار خود را با مقدمه‌ای مناسب شروع کند ، و با مثالهای محسوس و شواهدی روشن و ساده همراه سازد ، و با طرح سؤالات مربوط ، از معلومات

نو آموز برای کشف هر مجهول جدید بهره برداری کند .

به عنوان مثال، برای آموختن بحث صفت (در کلاس چهارم)، معلم می تواند از مقدمه ذیل استفاده کند، ضمن پرسشهای مناسب و مربوط و واداشتن کودک به تفکروپی جوئی و اظهار نظر ، مفهوم صفت را تعریف کند و با تمرین و تکرار های متنوع، آن را به خوبی ، مرکوز ذهن کودک سازد .

معلم ... روز جمعه که بازار رفته بودم، برای تهیه لباس زمستانی سه متر پارچه خریدم. آیا شما می توانید نوع آن را تعیین کنید ؟
شاگردان - (پس از تفکر ممکن است یکی از انواع ذیل را پیشنهاد کنند) :

پشمی ، ابریشمی ، نخی ، کرکی ، سفید ، سیاه ، خاکستری ، ضخیم ، نرم و

معلم کلمات . پارچه نخی . پارچه پشمی ، پارچه نرم ، پارچه ضخیم ، پارچه سفید ... را روی تخته سیاه می نویسد و سپس می پرسد :
- آیا می توانید بگوئید که کلمات نخی ، پشمی ، نرم و ... را که بعد از کلمه پارچه نوشته ام ، چه فرقی با خود پارچه یا اسم اول ترکیبات مذکور دارند، و چه مفهومی را می رسانند ؟ (با شرط این که نو آموزان مفهوم اسم را قبلاً فرا گرفته اند) .

مسلماً کودکان پس از آنکه کی تامل خواهند گفت: که کلمات مذکور نوع و حالت پارچه (اسم) را بیان می کنند . با چند مثال ساده دیگر که معلم ذکر کند ، بدین طریق به آسانی خواهد توانست ، به کمک خود شاگردان

تعریف ذیل را برای صفت بیان کند، که : «صفت کلمه‌ای است که حالت و چگونگی اسم را بیان می‌کند»

همچنین برای ایجاد تنوع در تدریس مباحث دستوری، معلم می‌تواند هر درس تازه را با داستانی کوتاه همراه و توأم سازد و به گونه‌ی گفت و شنود شخصیت‌های داستان بایگدیگر، قواعد مورد نظر را به شیوه استقرائی تعلیم دهد و بدین ترتیب درس‌ها را از صورت تعاریف کلی خارج کند. مثلاً برای تعلیم «مصدر و اسم مصدر» در کلاس ششم دبستان از داستان ذیل (۱) می‌تواند استفاده نماید.

«روزی دانش آموزان کلاس ششم دبستان و دوره اول دبیرستان با معلمان خود به گردش دسته‌جمعی رفتند و کنار چشمه آبی صاف و گوارا را که در دامنه کوه سبز و خرمی بود، انتخاب کردند و در آنجا دسته‌ای به تهیه غذا سرگرم شدند و گروهی به بازی و تفریح پرداختند. چندتن از دانش آموزان کلاس ششم و کلاس اول دبیرستان هم پس از مدتی تفریح در کنار سبزه‌زاری نشسته و به شعر خواندن مشغول شدند.

مهمین دانش آموز دبستان، «نبرد یازده رخ درس صفحه ۷۶ کتاب ششم» را با آهنگی رسا و محکم می‌خواند، تا بدین شعر حکیم فردوسی رسید که:

مراجنگ فرمود و آویختن به خون سیاوش خون ریختن

۱- خوشبختانه از سال گذشته (۱۳۴۳) در کتاب فارسی که برای سال ششم دبستانها تألیف یافته است. تعلیم مباحث دستوری بر شیوه استقرائی نهاده شده است. و اغلب بحثها و قواعد دستور زبان با مقدمه‌هایی داستان گونه نظیر داستان فوق (صفحه ۱۴۶) در درس نهم آن کتاب همراه می‌باشد

عفت دانش آموز دبستان پرسید: «آویختن» و «ریختن» چه نوع کلماتی است؟
 مهین گفت: اسم.

شهین دانش آموز دبستان گفت: نه، فعل است. آذر دانش آموز دبیرستان گفت: اسم است، ولی از اسمهایی که از آنها فعل درست می‌شود و به همین سبب آنها را «مصدر» یعنی محل صدور فعل می‌خوانند. حالا کدامیک از شما می‌تواند مصدر این فعلها را بگوید: شنید، دید، گفت، آید، کشیدی، تابیدی، ساختی، تاختی...

بهزاد، گفت: من. مصادر افعال، مزبور، به تربیت می‌شود: شنیدن، گفتن، آمدن، کشیدن و...

آذر گفت: خوب، پس است، چند نوع مصدر پیدا شد؟ هما: دو نوع: یک دسته که به علامت «دن» و دسته دیگر به علامت «تن» ختم می‌شود. مهین: پس کلمه‌های، گردن، خویشتن، تهمتن و بدن هم مصدرند؟ آذر: نه، شرط مصدر آن است، که اگر «ن» آخر آن را بیندازیم سوم شخص فعل ماضی درست شود، و گردن - گرد، خویشتن - خویشت، تهمتن - تهمت، بدن - بد می‌شود و فعل نیست.

مهین: در مصراع «به خون سیاوش خون ریختن» آیا «ریختن»

تنها مصدر است یا «خون ریختن» با هم؟ و این چه نوع مصدری است؟
 - «چون ریختن» روی هم رفته مصدر است آری، را مصدر مرکب گویند مانند «سخن گفتن». آذر: اسم مصدر کلمه‌ای است که علامت مصدر ندارد ولی به معنی مصدر است و علامتهای دیگری دارد، از این قبیل:

۱- «ی» در آخر صفت: خوبی، بدی، تندى، زشتى.

۲- «ش» در آخر فعل امر: دان - دانش، بین - بینش، بخش -

بخشش

۳- «ه» در آخر فعل امر : خند - خنده ، گری - گریه ، لرز

لرزه .

۴- «ار» در آخر مصدر مرخم : گفت - گفتار ، کرد - کردار .

مهمین : مصدر مرخم چیست ؟ آذر : مصدر مرخم آن است که
«ن» آخرش افتاده باشد . مانند گفت ، نوشت ، آمد .

- حالا بچه های کی «امر» یا «مصدر مرخم» یا «صفتی» بگوید و دیگران
اسم مصدر آن را بیان کند ، سعی کنید هر چه زودتر پاسخ دهید .

هما : بین ، گفت ، تلخ ، خند ، مهمین : بیش ، گفتار ، تلخی ،

خنده و ...»



به روش های مزبور ، معلم می تواند تمام مباحث دستوری را از صورت

فرمولها و تعاریف کلی خارج کند و موارد استعمال و اهمیت شناخت آنها را
به سهولت به نوآموز بیاموزد .

در دوره دبستان تعلیم فروع و موارد استثنائی قواعد دستوری ضرورتی

ندارد ، بلکه به اصول و نکاتی که مورد استعمال زیادتری دارد باید توجه
شود و مباحث فرعی به دوره دبیرستان موکول گردد .

برنامه تعلیم دستور زبان در دبستان

برنامه دستور زبان در دوره دبستان ، متناسب با سن و رشد ذهنی نوآموز ،

و پیشروی از مباحث ساده به موضوعهای دقیقتر ، باید به تربیت ذیل

انجام گیرد :

۱- در کلاس اول نوآموز باید فقط با مفهوم کلمه و واحد گفتار یعنی جمله آشنا شود، و معلم بدون آنکه تعریف دستوری آنها را بیان کند، غیر مستقیم با ذکر مثالهای ساده، معنی کلمه و جمله را به او بفهماند و پس از آنکه نوآموز قدری در خواندن و نوشتن جلو رفت، کم کم مفهوم جمله ناقص را باید بیاموزد و در این مورد تمرین کافی کند. در اواخر سال اول کودک باید بتواند افعال نسبتاً ساده را صرف کنند.

۲- در کلاس دوم برنامه دستور زبان شامل مباحث ذیل است :

الف : معرفی کلمات مترادف نظیر : پیدا و نمایان یا خوب و نیک
قشنگ و زیبا و...

ب : کلمات متضاد نظیر : شب و روز ، نیک و بد ، خشک و تر (مخصوصاً با پیشوندهای باو بی باید کلمات متضاد ساخت ، مانند : با عقل بی عقل) .

ج : کلمات همخانواده نظیر : چرخ ، دوچرخه ، سه چرخه
چرخیدن یا حاکم ، حکم ، حکومت ، محکوم و ...

د : ی نکره ، انواع جمع ، پسوند های : گر ، بان ، دان ،
۴- در کلاس سوم علاوه بر تمرین پیرامون کلمات مترادف ، متضاد و همخانواده نکات ذیل باید تعلیم داده شود .

الف - جمع و علامات آن (الف و ن - ها) .

ب : کلمات مرکب نظیر : کتابخانه ، گلاب ، خوشمزه ... یا

آرامگاه ، دانشگاه و ...

۴- در کلاس چهارم باید زمینه تدریس دستور به صورت تعریف قواعد آغاز شود و معلم علاوه بر نکاتی که در سه سال اول آموخته است، مباحث ذیل را باید به طریقه ساده ای تعلیم دهد .

الف : تعریف جمله و اینکه فعل جزء اصلی و نشانه هر جمله است . و تعداد جملات هر نوشته ، برابر با تعداد افعال آن است .

ب : تعریف اسم (اسامی : خاص و عام) .

ج : فاعل .

د : صفت .

۵- در کلاس پنجم مباحث ذیل باید آموخته شود .

الف : جمله های خبری و پرسشی .

ب : بخشهای جمله (نهاد و گزاره) . (۱)

۱ - « نهاد » و « گزاره » اصطلاحاتی است ، که به تازگی وارد دستور زبان فارسی شده است .

« نهاد » قسمتی است از جمله که ، درباره آن خبر می دهیم . و « گزاره » خبری است که درباره « نهاد » داده می شود .

اصل « نهاد » اسم یا ضمیر است که فاعل یا مفعولیه واقع می شود و وابسته های « نهاد » صفت و مضاف الیه است . جزء اصلی « گزاره » همیشه فعل است و اجزاء آن قید و مفعول (و وابسته های مفعول یعنی : صفت یا مضاف الیه) است . مثلاً در جمله :
[خداوند بزرگ] [همیشه ما را از رحمت خود بهره مند می کند]

[خداوند بزرگ] « نهاد » ، می باشد و خداوند « اصل نهاد » و « بزرگ » وابسته ی نهاد است و بخش [همیشه ما را از رحمت خود بهره مند می کند] « گزاره » است ، که جزء اصلی آن « بهره مند می کند » و کلمات « ما » و « رحمت » و « خود » اجزای نهاد می باشند .

ج : اجزای گزاره: فعل (از نظر زمان : ماضی، مضارع، مستقبل و از نظر اشخاص : مفرد، جمع و لازم و متعدی) .

د : انواع مفعول (مفعول با واسطه «صریح» و بیواسطه «غیر صریح») .

ه : اجزای نهاد : فاعل ، و مسند الیه .

و : اسامی : خاص ، عام، مفرد، جمع، ذات و معنی .

ز : ضمایر شخصی . (منفصل، متصل)

ح : وابسته جزای جمله ، صفت و موصوف، مضاف و مضاف الیه .

ط : وابسته فعل ، قیود (زمان، مکان، حالت) .

در کلاس ششم پیرامون مباحثی که در برنامه سال پنجم پیشنهاد شده است باید مفصلتر بحث و گفتگو شود و مباحث ذیل نیز تدریس گردد.

الف : کلمه‌های مخفف . (کلمات : کز ، ره، شه ، مه ، گه ، گر،

کای، کان، کش، ور، وغیره)

ب : اسامی عام و خاص (عَلَم) ، بسیط ، مرکب، مصغر و علامات

جمع .

ج : صفت و اقسام آن: فاعلی ، مفعولی ؛ مطلق، تفضیلی ، عالی

نسبی ساده، مرکب (در بحث صفت مرکب باید پیرامون پساوندهای : ناک

مند، گین، در، گار، گر، بان، و پیشوندهای : هم، با، بی

گفته‌گو شود) .

د : ضمایر، مشترك، شخصی، اشاره

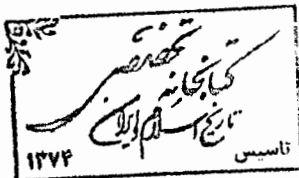
ه : انواع (ی) : وحدت، نکره، ضمیر، زاید، نسبت، اسمی

یا مصدری .

و : مصدر ، اسم مصدر - علامات مصدر ، طرز ساختن اسم مصدر و علامت پای آن (ی ، ش ، ه ، ار) ، انواع مصدر (ساده ، مرکب مرخم) .

انواع فعل ماضی : (مطلق ، استمراری ، نقلی ، بعید ، التزامی) مضارع (اخباری - التزامی) مستقبل و طرز ساختن هر کدام .
ح : مهمات (چند ، فلان ، بهمان ، هر چیز ، دیگر ، هیچ ، یکره و ...)

ط : حالات اسم (فاعلی ، مفعولی ، اضافی ، ندا)
ی : اجزای جمله و روش نظم آن (که به ترتیب یا مسندالیه ، مسند ، رابطه و یا فاعل ، مفعول صریح ، مفعول با واسطه و فعل است .)
مباحث . ذکر در کلاس ششم باید با تجزیه و ترکیب جملات همراه باشد . با انجام تجزیه نو آموزان باید انواع کلمات را به خوبی تشخیص دهند و در ترکیب ، عمل و حالت کلمات را در جمله معین کنند .



بخش چهارم

نوشتن

اهمیت نوشتن

مراحل نوشتن در دبستان

برنامه و مواد نوشتن

۱- خط و روش تعلیم آن

۲- انشاء

اهمیت انشاء

روش و مراحل تعلیم انشاء در دبستان

اصول کلی تعلیم انشاء

ارزشیابی انشاء

نقطه گذاری و اهمیت آن در نوشتن

نامه نگاری

۳- املاء

فواید تدریس املاء

اصول تعلیم املاء

شیوه خط فارسی و قواعد املائی

نیشتن ز گفتن مهتر شناس
 به کار نیشتن به جای آرهوش
 سخن با قلم چون قلم راست دار
 به نیک و بد اندر سخن نیک کوش
 «مسعود سعد»

اهمیت نوشتن

پلکان چهارم زبان آموزی نوشتن است. در امر یادگیری، خواندن و نوشتن دو موضوع لازم و ملزوم یکدیگر است، چنانچه اگر خواندن را به عنوان یک طرف سکه‌ای فرض کنیم؛ نوشتن به منزله طرف دیگر سکه خواهد بود. و اگر خواندن را از جهت اهمیتی که در بالا بردن سطح معاومات و انتقال مفاهیم به ذهن نوآموز دارد، به شنیدن تشبیه کنیم؛ نوشتن به منزله سخن گفتن می باشد.

در دنیای متمدن امروز، نوشتن از مهمترین وسائل تفهیم و ارتباط به شمار می رود. نامه های بیشماری که هر روز مردم جهان را از حال یکدیگر باخبر می سازد و تعداد روزنامه ها، مجلات، کتابها و سایر آثار مکتوبی که در نشر عقاید و افکار و نزدیک کردن جوامع بشری و اشاعه فرهنگ و تمدن نقشی حیاتی را بازی می کند، دلایلی بارز و مسلم بر اهمیت نوشتن است.

نوشتن از عواملی است که در تقویت نیروی فکر و پرورش قوای عقلانی کودک تأثیر به سزائی دارد.

برای فراگیری نوشتن، کودک سعی می کند واژه ها، اصطلاحات

زبان را به خوبی بیاموزد، و موارد استعمال آنها را بشناسد. این امر، گذشته از آنکه او را در بیان کتبی توانایی کند؛ غیر مستقیم به نیروی سخن گفتن او می افزاید و مهارت در خواندن را برایش فراهم می سازد و به او امکان می دهد که در مواقع لزوم، افکار و خواسته های را به وسیله قلم اظهار کند و نیازمندی های را بر طرف سازد و نتیجتاً لذت بیشتری ببرد و سریعتر پیشرفت کند.

مرحله نوشتن در دبستان

تعلیم نوشتن را مانند تدریس خواندن، نمی توان از نخستین روزی که نوآموز کلاس اول به دبستان قدم می گذارد، آغاز کرد. بلکه برای سهولت کار، باید دوره ای را به عنوان آمادگی به آن اختصاص داد، و ذهن و دست کودک را با فعالیت هایی که ذیلاً بدان اشاره خواهد شد در این دوره، آماده نمود. و سپس نوشتن را به او آموخت و دامنه فعالیت های آن را هماهنگ و متناسب با رشد ذهنی و جسمی نوآموز افزایش داد.

به طور کلی فعالیت های نوشتن را به سه مرحله ذیل می توان تقسیم کرد:

الف- مرحله آمادگی: در این دوره که شامل اولین ماه سال تحصیلی کلاس اول می باشد؛ معلم موظف است که میچ و انگشتان دست نوآموزان را، با واداشتن آنها به کشیدن نقاشی های آزاد و رسم خطوطی مشابه حروف الفبا، تقویت کند و طرز قلم به دست گرفتن، قرار دادن کاغذ را روی میز

و نشستن صحیح را هنگام نوشتن، به کودک بیاموزد، و او را برای مرحله تعلیم آماده کند.

ب - **مرحله تعلیم و نوشتن جمعی** : پس از دوره آمادگی معلم تعلیم نوشتن را رسماً شروع می کند و حروف و کلماتی را که نو آموزان خواندنشان را فرامی گیرند، برای نوشتن تکلیف می دهد و رسم الخط و املاء صحیح آنها را می آموزد و با مراعات اصولی که در بحث بعد تذکر داده خواهد شد، و با تمرین و تکرار فراوان در کلاس، و تعیین تکالیف شبانه، مهارت نوشتن صحیح و خواندن را، در کودکان به وجود می آورد.

فعالتهای مرحله نوشتن جمعی که بیشتر به صورت رو نویسی از روی کتاب قرائت و تکالیف درس املاء و یا تحریر جملات به عنوان مشق خط انجام می گیرد، تا آخر دوره دبستان ادامه پیدا می کند.

ج - **مرحله نوشتن انفرادی و مستقل** : نو آموز پس از آموختن حروف و شناختن کلمات و جمله سازی، کار نوشتن انفرادی را آغاز می کند و به موازات فعالتهای نوشتن جمعی، مطابق دلخواه و ذوق خود و به طور مستقل به نوشتن مطالبی نظیر : داستانهای کوتاه، مجموعه های اشعار سرودها، نوشته های مصور، جزوه ها و دفترچه های یادداشت، روزنامه دیواری، کتاب آسان و بالاخره موضوعهای انشاء، نامه نگاری و ... می پردازد. در مرحله نوشتن انفرادی، چون کودکان آزادی بیشتری در انتخاب مطالب و مواد نوشتنی دارند و به میل خود عمل می کنند؛ اگر کارشان را معلم تحت نظارت دقیق قرار دهد، و نوشته هایشان را با حوصله بخواند و اشکالاتشان را درست مرتفع سازد و هر کسی را مطابق استعداد

و علاقه‌اش تشویق و راهنمایی کند؛ علاوه بر آنکه پیشرفتشان را در نوشتن سر به‌تر می‌کند، ابتکار و اعتماد به نفس را در آنها تقویت می‌نماید.

برنامه مواد نوشتن در دبستان

دردبستان مواد نوشتنی شامل: خط - املاء - انشاء است که ذیلاً پیرامون روش تعلیم هر کدام به اجمال بحث می‌شود.

۱- خط

خط و روش تعلیم آن خط مجموعه‌ای از علامتهای قراردادی است، که بر الفاظی که دارای معنی هستند دلالت می‌کند و در بیان کتبی به کار می‌رود. هدف از تعلیم خط آن است، که نوآموز حروف و کلمات را بتواند خوانا، زیبا و سریع بنویسد و در مواقع لزوم به وسیله نگارش، نیازمند به یاریش را بیان کند.

برای تعلیم خط، معلم موظف است، که نکات اساسی ذیل را در نظر گیرد و به انجام آنها مبادرت ورزد:

- ۱- برای آنکه رغبت نوآموز به کار نوشتن برانگیخته شود و به انجام تکالیف نوشتنی تشویق و تشجیع گردد. معلم در آغاز کار باید هدف از تعلیم نوشتن و فواید آن را، با ذکر مثالهایی ساده و محسوس بیان کند.
- ۲- او باید ابتدا، طرز نوشتن حروف، از نظر اتصال و انصال و شکل و موقعیت هر کدام را در (ابتدا یا وسط یا آخر) کلمه و تعداد نقطه و غیره،

دهد (۱) و سپس کلمات ساده دو حرفی، سه حرفی و جملات کوتاه و بالاخره

۱ - از نظر قواعد نوشتن حروف الفباء به دسته‌های ذیل تقسیم می‌شوند:

الف : حروف منقوطه (معجمه) که شامل ۱۷ حرف ذیل است :

ب پ ت ث ج چ خ ذ ز ژ ش ض ظ غ ف ق ن
ب : حروف غیر منقوطه (مهمله) که شامل ۱۶ حرف : « ء ا ح در
س ص ط ع ك گ ل م و ه ی » می‌باشد.
حروف صامت از نظر اتصال یا انفصال در نوشتن، شامل چهار گروه ذیل است :

گروه اول : شامل ۲۰ حرف (ب - پ ت ث ج چ ح خ س ش ص
ض ف ق ك گ ل م ن ی) می‌باشد. این حروف هرگاه :

الف : در اول یا وسط کلمه قرار گیرند، کوچک نوشته می‌شوند و به حرف
بعد از خود می‌چسبند. مانند کلمات : باز ، پرچم ، تاج ، تبر ، ثبات ،
جام و ...

ب : اگر در آخر کلمه قرار گیرند، بزرگ نوشته می‌شوند. مانند : آب ،
کاپ ، ساعت ، اثاث ، کج ، پیچ ، لوح و ...

گروه دوم : شامل ۶ حرف « د ذ ر ز ژ و » است، که فقط يك شکل دارند
این حروف :

الف : اگر حرف ماقبل آنها كوچك باشد، به آن حرف می‌چسبند. مانند :
خدا ، پدر ، سر ، بزرگ ، مرده ، گواه و ...

ب : حروفی که بعد از آنها قرار می‌گیرد، به این شش حرف
نمی‌چسبند. مانند : رود ، دار ، او ..

گروه سوم : شامل دو « حرف ط - ظ » است که يك شکل دارند، این دو حرف
هرگاه :

الف : حرف ماقبل آنها كوچك باشد، به آنها می‌چسبند. مانند :
خط ، حظ

ب : حرف مابعد آنها نیز به آنها می‌چسبند. مانند : طریق ، ظریف

وبالآخره کلمات و جملات دیگر را بیاموزد.

۳- حروف و کلماتی که در هر جلسه درس آموخته می‌شود، باید با خط خوانا و درشت روی تخته سیاه نوشته شود و معلم به نوآموزان خاطر نشان کند، که به حرکت دست و نحوه عمل او هنگام نوشتن، با دقت نگاه کنند و به خاطر بسپارند و سپس خودشان همان گونه عمل کنند.

۴- در ابتدای تعلیم نوشتن، معلم باید شیوه نسخ را در نوشتن انتخاب کند و طرز قرار گرفتن هر حرف را روی خط، با دادن سرمشق مشخص سازد و برای جلوگیری از کج نویسی نوآموزان، تخته سیاه را خط کشی کند و جای کلمات را روی آن معین نماید و در مقدمه کار به کودکان دستور دهد، تا از کاغذهای شطرنجی و یادفاتی که در آنها کلمات را نقطه چین یا کمرنگ چاپ کرده اند، استفاده کنند.

→

گروه چهارم: شامل سه حرف «ع، غ، ه» است و بسته به آنکه اول یا وسط یا آخر کلمه واقع شوند، هر کدام دارای چهار شکل هستند و به نامهای: اول-وسط-چسبان آخر-تنها، نامیده می‌شوند. مانند کلمات: «عالی معلم، بدیع، زارع» و «غروب، تیغ، چراغ» «هرمز، بهار، نامه شاه»

«الف» یا مصوت بلند (ا) که همیشه در وسط یا آخر کلمه قرار می‌گیرد به حرف بعد از خود نمی‌چسبد. مانند: باران، جاودان، و اگر حرف قبل از آن کوچک باشد به آن حرف می‌چسبد. مانند: بادام، داناو..

در مورد قواعد نوشتن همزه‌های عربی متداول در فارسی، که اول، وسط و آخر کلمه می‌آید، رجوع کنید به مبحثی که در پایان این کتاب، تحت عنوان قواعد املائی عربی آورده شده است.

توانا بود و هر که توانا بود

ا ب ج د ر س ص ط ع ف ق ک

ل م ن و ه ی

ا ب ج د ر س ص ط ع

ف ق ک ل م ن و ه ی

طرز قرار گرفتن کلمات و حروف فارسی بر روی خط

۵- معلم طرز قلم به دست گرفتن را باید به شاگردان یاد بدهد و

چون میچ وانگشتان دست اغلب کودکان ، در ابتدای نوشتن آمادگی کار کردن با قلم را ندارد ، دستور دهد که خطوط را درشت تر بنویسند .

۶- توصیه کند که ، حتی الامکان با دست راست بنویسند (کودکانی

که قادر به کار کردن با دست راست نیستند ، باید در کارشان آزاد گذارده

شوند . که اگر درو داشتند آنها به نوشتن با دست راست اصرار شود ، ممکن است نواقصی از جمله لکنت زبان برایشان پیش آید .)

۷- چون استخوانهای اطفال ، خرد سال تا سن ۱۲ سالگی غضروفی

می باشد ، و قابلیت انعطاف دارد ، چنانچه به طرز نشستن آنها توجه نشود ، ممکن است

موجب خمیدگی در ستون فقرات و همچنین نزدیک بینی آنها گردد؛ از این رو معلم طرز نشستن، و قرار دادن کاغذ یا دفتر را روی میز، و رعایت کردن فاصله چشم تا صفحه کاغذ (معمولاً بین ۲۵ تا ۳۰ سانتیمتر) را باید به نوآموزان یاد دهد.

۸- نقطه گذاری، فاصله بین خطوط، گذاردن حاشیه، و رعایت نظم و ترتیب در نوشتن را یادآوری کند و نوآموزان را به انجام آنها وادارد.

۹- موضوع نظافت، نزدن مداد یا قلم را به لبها و بالاخره مضرات داخل کردن آن را، در گوش یا بینی برای نوآموزان بیان کند.

معلم باید همواره مواظب باشد، که کودکان آنچه را می نویسند بفهمند، چه همانطور که خواندن بدون فهم نتیجه ای ندارد، و به خواندن طوطیوار موسوم است، نوشتن هم اگر بیان مافی الضمیر کودک نباشد، بی ارزش است. نوشتن واقعی از هنگامی شروع می شود، که نوآموز درک کند، که چه می نویسد و یا به عبارت دیگر، کلمات و جملات مورد عمل را را خوب بتواند بخواند و بفهمد. در روش ترکیبی (آمیخته) که در بحث خواندن بدان اشاره گردید، نوشتن تقریباً به موازات خواندن آغاز می شود. مبتنی بر روش مذکور، کودک پس از آنکه خواندن چند کلمه را فرا گرفت، باید او را واداشت تا آنهایی را که آموخته است بنویسد. معلم تکالیف نوشتنی را که نوآموزان در تمام دوره دبستان به عنوان مشق شب انجام می دهند، همه روزه باید بازدید کند و با دقت بخواند و اشکالات کارشان را گوشزد نماید و هیچوقت نوشته هایشان

را خط نزنند، بلکه آنها را امضاء کنند و تاریخ بگذارد.

در تمام فعالیتهای نوشتنی دبستان و تکالیف دروسی نظیر :
املاء ، انشاء ، رونویسی و ... معلم به مسئله خط نوآموز باید توجه
داشته باشد و معایب کار را باراهنمائیهای لازم از میان ببرد .

۲- انشاء

اهمیت انشاء: بیان کتبی از لوازم ضروری در اجتماعات متمدنی
امروز می باشد و در بسیاری از موارد، حتی ارزش آن نسبت به
سخن گوئی هم بیشتر محسوس می شود و در انتقال مقاصد زیادتیر به کار
می آید .

احساسات و افکاری را که زبان قادر به اظهار آن نمی باشد ، قلم
با نیروی خویش افشا و بیان می کند . هنر نویسندگی جزء عالیتترین
هنرهاست و درس انشاء که در واقع مقدمه ای برای کسب این هنر
می باشد، از جمله مفیدترین دروس در دوره های دبستان و دبیرستان به
شمار می رود.

درس انشاء اگر با شیوه ای صحیح تعلیم داده شود، فواید ذیل را عاید
نوآموز می کند :

الف : قوای روحی و ذهنی او را پرورش می دهد و مخصوصاً تفکر
تخیل و حافظه اش را توانا می سازد .

ب . ذوق و تمایلات عالی ، از جمله : زیباپرستی ، حقیقت جوئی

و عواطف اخلاقی او را تلطیف می کند .

ج : به نیروی دقت و کنجکاوی می افزاید و قوه سنجش و انتقاد هنری ، یا تمیز زیباییها از زشتیها را در او ایجاد می کند .

د : نیروی ابتکار و ابداع را در او تقویت می نماید و چون نو آموز برای خلق اثری باید مستقلاً فکر کند و از قوای ذهنی خویش کمک بگیرد ، اتکاء به نفس را در او به وجود می آورد ، و بر نیروی شهامت وی می افزاید .

ه : دامنه اطلاعات لغوی و معلومات او را وسیعتر می سازد و مهارت تعبیر روشن مطالب و بیان فصیح را در او ایجاد می کند و بالاخره وی را با آثار نویسندگان بزرگ و افکار عالی و شاهکارهای ادبیات ملی و جهان آشنا می نماید و روحیه اجتماعیش را توانا می سازد و او را در فعالیتهای زندگی به لذات و موفقیتهای بیشتری نائل می کند .

روش و مراحل تعلیم انشاء در دبستان

انشاء در لغت به معنی آفریدن است و در اصطلاح ادبیات عبارت از نگارش جملات و عباراتی است ، که افکار نویسنده را به صورتی روشن و زیبا بیان کند ، که خواننده آنها را به سهولت بفهمد و برایش خوش آیند و مطلوب باشد . پیشرفت انشاء بر پایه تعقل و تفکر استوار می باشد . تا در کودکی نیروی تمتع از زیباییهای کلام فصیح و درك لطائف و دقایق زندگی و طبیعت موجود نگردد و میزان هوش و قوه ابداع او

متعادل نباشد و برای بیان افکارش به اندازه کافی لغت در اختیار نداشته باشد، در نوشتن آثار زیبا و ارزنده توفیق حاصل نمی کند.

وظیفه معلم در تدریس انشاء نسبت به سایر دروس قدری سنگین تر و کارش دقیقتر است.

آشنائی به اصول نگارش و تشخیص محاسن و معایب کلام، ورزیدگی کافی در تجزیه و تحلیل مطالب، احاطه داشتن کامل به واژه ها و اصطلاحات و قواعد دستوری زبان، از شرایطی است؛ که در معلم انشاء باید جمع باشد. معلم انشاء باید با در دست داشتن طرحی دقیق و برنامه ای مناسب رشد ذهنی و علائق نو آموز، کار تعلیم انشاء را به ترتیب مراحل ذیل در دوره دبستان عملی سازد.

۱- مرحله انشاء شفاهی (تقریری): سال سوم دبستان از مرحله آغاز تعلیم انشاء است. قبل از آنکه معلم کار تعلیم انشاء را رسماً آغاز کند و نوآموزان را به بیان کتبی مطالب وادارد، باید اطمینان حاصل کند؛ که کهودکان افکارشان را در جملات روشن و صحیح به طور شفاهی می توانند اظهار دارند. برای تأمین این منظور، یکی دومه اول سال تحصیلی که اس سوم به عنوان مرحله آمادگی، باید بدانشاء شفاهی برگزار شود و در این مدت آموزگار نوآموزان را به تفکر و دقت پیرامون اشیاء، احوال، تصاویر و مناظر، و صحنه هایی که در محیط اطراف خود می بینند، وادارد. و با طرح سؤالات مناسبی که مربوط به مشاهدات و تجربیات زندگی آنهاست، اجازه دهد تا نظرات خود را درباره پرسشهای مورد نظر، بیان کنند. با اجرای این برنامه که مدت آن از دومه تجاوز نمی کند، معلم

می تواند خطاهای فکری و بیانی کودکان را تشخیص دهد و نقائصشان را مرتفع کند و آنان را برای مرحله بیان کتبی یادوره تعلیم رسمی انشاء آماده سازد .

۲- مرحله جمله سازی و نگارش عبارات ساده :

بعد از مرحله انشاء شفاهی ، معلم تعلیم انشاء را از واحد های گفتار ، یعنی جمله سازی باید آغاز کند و کودکان را به نوشتن عبارات ساده ، که خود مقدمه ای برای موضوع نویسی است ، آشنا سازد . و برای آنکه نو آموز به تفکیک و تشخیص انواع جمله از یکدیگر آشنائی پیدا کند ، و ضمناً کارش را با تنوع به انجام برساند ، جمله سازی را به طرق ذیل باید بیاموزد .

الف - به کاربردن لغات در جمله (طبق روش معمول) ، مثلاً از دو کلمه : شکوفه و احترام ، جملاتی نظیر : «درخت شکوفه دارد» یا «به پدر و مادر باید احترام گزارده» را می توان ساخت .

ب- تکمیل جمله های ناقص : مثلاً جملات «شاگرد در امتحان ... می شود» یا «ماه در می درخشد» را باید به صورت «شاگرد خوب در امتحان موفق می شود» و «ماه در آسمان می درخشد» کامل کرد .
ج- تصحیح جمله های غلط : جملات ممکن است از دو نظر غلط باشد :

۱- از نظر نسبت ارکان یا اجزاء جمله ، یا مطابقت نکردن فعل و فاعل ، هماهنگ نبودن زمان فعل و نظیر جملات : «حسین بادو چرخه به دبستان رفتند» یا «من فردا يك دفتر خریدم» یا «شاگردان به گردش

علمی رفتن .

۲- از لحاظ معنی مانند: «هنگام قدم زدن در خیابان، باید از سواره روح رکت کنیم» یا «در تابستان برای گرم شدن از بخاری استفاده می کنیم»
 د - حذف کلمات زائد از جملات : مثلاً در جملات : «موش

حیوانی موزی و اذیت کننده است» یا «دیروز گذشته نمره خوبی گرفتم» یا «کلاس درس را نباید زیاد کثیف کرد» یا «مرغ و خروس پرندگان و حیوانات مفیدی هستند» کلمات: اذیت کننده، گذشته، زیاد، حیوانات کلمات زائد هستند، که برای صحت جملات مذکور باید حذف گردند.
 ه- توضیح در مورد جملات استقهای: نظیر «در فصل بهار چه تغییراتی

در طبیعت پیدا می شود؟» یا «گاو چه نوع حیوانی است؟»
 آموزگاران محترم از بیشتر پرسشهایی که در پایان هر درس در کتاب قرائت فارسی شده است، می توانند در مورد اخیر استفاده کنند و به جای آنکه کودکان را به جواب شفاهی وادارند، از آنها بخواهند تا نظرات خود را در جملات و عبارات ساده ای بنویسند.

و - جمله سازی با کلماتی که از نظر معنی با هم مناسبی دارند:
 مثلاً کلمات: «شب، تاریکی، چراغ، آسمان، ستاره، یا «بهار، گل، سبزه، آب، هوا، باغ» یا «پرند، آشیانه، درخت، جوجه، پروانه، دانه» یا «زمستان، برف، باران، آدم برفی، یخ آب، سرسره»

اگر در مورد کلمات مذکور، نوآموزان بتوانند جملات روشن و صحیح بنویسند و بعد آنها را به دنبال هم قرار دهند و به یکدیگر مربوط سازند؛

در واقع توانسته اند به نوشتن موضوعهای وصفی ساده‌ای که توصیف شب، بهار، زندگی پرندگان و زمستان باشد، 'نائل گردند'. معلم می‌تواند از این طریقه در آماده کردن نوآموزان برای مرحله نگارش موضوعها که بعد از جمله سازی شروع می‌گردد، به خوبی استفاده کند. برای این منظور او باید جملات صحیحی را که کودکان می‌نویسند یا می‌گویند، خود بر روی تخته سیاه بنویسد و عباراتی را که بایکدیگر مناسبتی دارند پشت سرهم قرار دهد و با راهنماییهای لازم به نوآموزان بفهماند، که نوشتن یک موضوع، کاری جز این نیست که ایشان آنچه را ارجع به مطلبی می‌دانند یا فکرشان می‌رسد، در قالب جملاتی صحیح به صورتی روشن و زیبا به روی کاغذ آورند.

۳-۰. مرحله نگارش موضوعها :

بعد از آنکه نوآموزان ساختن، تکمیل، تصحیح و... جملات را به راههای مذکور آموختند و تمرین کافی کردند؛ معلم باید آنان را به نوشتن موضوعهای ساده: وصفی، اخلاقی، تحقیقی، انتقادی و... وادارد و هماهنگ با رشد ذهنی و توسعه معلومات نوآموزان، به ترتیب از سال سوم تا ششم دبستان موضوعهای ذیل را برای نوشتن تکلیف دهد:

نمونه موضوعهای مناسب برای سال سوم و چهارم :

- ۱- شرح، شاهدات نوآموزان در دبستان، منزل، واینکه در منزل، پدر و مادرشان را در چه کارهایی کمک می‌کنند و یاد در مدرسه چه فعالیت‌هایی را

انجام می‌دهند :

۲- معرفی حیوانات اهلی ، و بیان فواید آنها.

۳- شرح وسائل و اسباب نظیر : در زمستان از چه وسائلی برای گرم کردن اطاق استفاده می‌کنند، یا از لوازمی که به مدرسه می‌آورند چه فوایدی می‌گیرند . شرح وسائلی که در قدیم برای مسافرت استفاده می‌کردند و مقایسه آنها با وسائل امروزی و بیان امتیازات مسافرت‌های امروز نسبت به گذشته .

۴- شرح مطالب بهداشتی ساده، نظیر : کچلی از چیست ؟ و برای جلوگیری آن چه باید کرد ؟ یا برای بهداشت چشم و گوش و دندان و بینی چه باید کرد ؟ فواید پاکیزگی در چیست ؟ طبیب با بیمار چه می‌کند؟ و

۵- نوشتن مطالب تحقیقی نظیر : لباسی که بر تن داریم چگونه درست شده است ؟ یا باران چگونه به وجود می‌آید و چه فوایدی دارد؟ یا نان چگونه تهیه می‌شود ؟ .

۶- موضوعهای وصفی ساده نظیر : توصیف ساختمان مدرسه، منزل چهارفصل و ..

۷- نوشتن موضوعهای مقایسه‌ای نظیر : شهر بهتر است یا روستا؟ خانه بهتر است یا دبستان ؟ فرق زمستان و تابستان و غیره

۸- موضوعهای اخلاقی نظیر : بارفقای همدرس و همبازی خود چگونه باید رفتار کرد ؟ با مردم فقیر و بینوا چگونه برخورد باید کرد ؟

وچه کمک‌هایی باید به آنها نمود؟ ، با حیوانات چگونه باید رفتار کرد؟

۹- موضوعهای اجتماعی نظیر: پاسبانها چه می‌کنند؟ وظیفه خدمتگزار در مدرسه چیست؟ و ...

نمونه موضوعهای مناسب برای کلاسهای پنجم و ششم :

در کلاس پنجم و ششم علاوه بر موضوعهایی که برای کلاس پنجم و ششم پیشنهاد گردید، از موضوعهای ذیل می‌توان استفاده کرد:

۱- تعریف روزهای تعطیل، اعیاد، سوگواریها، و اینکه در این روزها چه کارهایی را انجام می‌دهند و چه چیزهای تازه ای می‌بینند؟
۲- موضوعهای علمی ساده نظیر: شرح اختراعات بزرگ، و معرفی نویسندگان، دانشمندان مشهور و بیان اهمیت وجود دانشمندان در اجتماع.

۳- شرح گردشهای علمی، مسافرتها، و کیفیت گذراندن ایام تعطیل تابستان، مشاهدات دریایاق و ...

۴- موضوعهای اجتماعی نظیر: وظیفه شخص نسبت به‌میهن، وظیفه دانش آموز در آموزشگاه، وظیفه فرد نسبت به پدر و مادر و معلم و ...

۵- موضوعهایی نظیر: فواید ورزش، فواید آب، فواید تحصیل، فواید درخت، فواید خاک، فواید حیوانات اهلی و ...

۶- نامه نگاری: انواع نامه‌های دوستانه، اداری، تبریک،

تسلیمیت ، رسید ، تقاضا و ...

اصول کلی تعلیم انشاء

الف - موضوعهای انشاء در دبستان باید ساده ، مناسب سن و مر بوط به تجربیات و درخور فهم کودک انتخاب شود و حتی الامکان حاوی نکته‌هایی باشد؛ که بتواند شادی و نشاط را در نوآموز ایجاد کند و مورد انس و علاقه اش قرار گیرد و حس رغبت به نوشتن را، در او برانگیزد .

ب : موضوعها نباید به صورت يك كلمه ، مانند: راستی و وطنپرستی و ... باشد ، بلکه به صورت چند جمله باشد. مثلاً . وطنپرست چه کسی است؟ وطن کجاست ؟ وظیفه ما نسبت به وطن چیست ؟

ج : برای آنکه زمینه‌ای مناسب در ذهن کودک برای تفکر و نوشتن موضوعهای مورد نظر فراهم گردد ، معلم موظف است در مورد هر موضوع تازه، صحبت کند و توضیحات کافی بدهد . ی.ا به شیوه سقراطی از خود کودکان سئوالاتی کند ، تا بدینوسیله ایشان را برای نوشتن و تفکر، بهتر آماده سازد .

د : علاوه بر آنکه معلم پیرامون هر موضوع تازه ای باید توضیحات کافی بدهد ، برای بالا بردن سطح اطلاعات کودکان، مخصوصاً در مورد موضوعهای تحقیقی ، موظف است کتابها و منابعی را در اختیار ایشان بگذارد و آنها را به خواندن مآخذ مورد لزوم راهنمایی کند . البته در این عمل باید مواظب باشد ، که نوآموزان نوشته‌هایی را عملاً از آثار دیگران

حفظ نکنند و یا فقط رونویسی ننموده و به نام خود عرضه کنند. بلکه باید یادآور شود، که از آنها فقط به عنوان مایه ذهنی و سرمشق کار، بهره گیرند.

ه: به منظور آنکه کودکان در هنگام نوشتن مطالب، سرگردان نشوند و بتوانند در فرصتهایی کوتاه، به نگارش نوشته هایی منظم و خوب نائل گردند. معلم باید دستور دهد که کار خود را بدین ترتیب عملی سازند. که: اول فکر کنند و از محسوسات خود در مورد هر موضوع، حد اکثر استفاده را بگیرند و آنچه را به ذهنشان می رسد، ابتدا به طور پراکنده در دفترچه رکنویس یادداشت کنند و سپس مطالب نوشته شده را نظم و ترتیب دهند و مطالب زائد آن را حذف کرده، قسمتهایی را که به شرح و بسط زیادتری احتیاج دارد، کامل کنند و قسمتی را به عنوان مطلع و بخشی را به عنوان خاتمه در نظر گیرند. و عبارات را با پیوندی طبیعی به یکدیگر ربط دهند و بعد پاکنویس کنند.

و: پس از آنکه مطلبی را نوشتند، چند مرتبه آن را با دقت بخوانند، تا بتوانند رابطه معانی کلی نوشته را درک کنند و هر سخن را در جای خود و هر نکته ای را در مقام خویش قرار دهند. و اگر دانش آموز را در منزل می نویسند، علاوه بر مرور آهسته، چند مرتبه آن را بلند برای خود قرائت کنند، تا بعضی از معایب احتمالی را که ممکن است چشمشان تمیز ندهد، با گوش خود تشخیص دهند و برطرف سازند.

ز: نوشتن انشاء در دوره دبستان حتی الامکان باید در کلاس درس

انجام شود و معلم کار نو آموزان را دقیقاً زیر نظر گیرد و اشکالاتشان را جواب گوید، و پس از نوشتن، آنها را وادارد تا نوشته هایشان را بلند بخوانند.

ح : معلم باید هنگام ارزشیابی انشاء، ابتدائات قابل تمجید هر نوشته را تذکر دهد، و سپس بدون اینکه جنبه تمسخر داشته باشد؛ معایب را بیان کند. همچنین به همه شاگردان کلاس فرصت دهد، تا نظرات خود را در باره انشاء هائی که خوانده می شود اظهار دارند.

ط : معلم باید مراقب باشد، که قسمت های غلط انشاء را که خود تصحیح می کند، شاگردان به خوبی بفهمند و سپس پاک نویس کنند.

ی : تشویق از عوامل مهمی است، که کودکان را به کار نوشتن علاقه مند و در انشاء پیشرفت می دهد. ساده ترین راه تشویق در درس انشاء آن است، که معلم دستور دهد، تا بهترین انشاء کلاس را روی تخته سیاه بنویسند و همه شاگردان آن را با ذکر نام نویسنده، به دفا تر خود منتقل کنند و یا اگر روزنامه دیواری در مدرسه باشد، در آن بنویسند.

ک : برای پیشرفت انشاء، معلم علاوه بر موضوعهائی در که کلاس تکلیف می دهد، باید نو آموزان را به کارهای فوق برنامه، نظیر : مطالعه مجلات و کتابهای مفید، جمع آوری داستانهای کوتاه، و تهیه کتاب آسان، روزنامه دیواری و... تشویق و راهنمایی کند.

یکی از وسایلی که برای تمرین نوشتن و پیشبرد انشاء در دبستان و دبیرستان به کار می آید؛ تهیه روزنامه است. معلمان می توانند شاگردان کلاس خود را به گروههایی تقسیم، و هر گروه را به نوشتن روزنامه ای

هفتگی یا ماهانه موظف کنند و به هر کدام از افراد گروه‌ها، مأموریت دهند تا بخشی از مطالب را تهیه و تنظیم کند. نکاتی را که نوآموزان در تهیه روزنامه‌ی دیواری باید در نظر گیرند، آنست که: آن را با تصاویر مناسب آرایش دهند، نام زیبایی برای آن انتخاب کنند و برای آن ستون‌هایی مرتب با خط کشی‌های تمیز و حواشی جالب ترتیب دهند. و هر کدام از ستون‌های روزنامه را به يك یا چند مطلب از موضوع‌های ذیل اختصاص دهند:

شوخی‌ها، اشعار و قطعات ادبی، داستانه‌ها، مطالب علمی، اخبار، مسابقات هوش، چیستان‌ها، سرگذشت مردان بزرگ، جداول، معرفی و قدر دانی از شاگردان خوب و . . .

ل: معلم ضمن ارزشیابی‌هایی که در کلاس از کار کودکان در درس انشاء به عمل می‌آورد، باید در مواقع مقتضی، محاسن نوشته‌های فصیح و اصول کلی نگارش (۱) را بازکر مثال‌هایی روشن و بازبانی ساده تعلیم دهد.

ارزشیابی انشاء

تفاوت درس انشاء با سایر دروس در این است، که چون اصولی روشن و قطعی برای ارزشیابی در اختیار معلم نیست، بر خلاف درس‌های دیگر، ارزشیابی آن صد درصد درست و محقق صورت نمی‌گیرد، و چه بسیار

۱- در مورد اصول نویسندگی و محاسن نوشته‌های فصیح رجوع شود به «کتاب روش نویسندگان بزرگ معاصر» تألیف نگارنده این کتاب

مواقع ذوق و سلیقه معلم دخالتی تمام در این موضوع دارد و بسته به آنکه کودک مطالبی را مطابق طبع و تمایلات فکری معلم نوشته باشد؛ یا بالعکس، نمره اش فرق می کند. با وجود این، از بیست نمره ای که طبق معمول برای بهترین کار در هر درس منظور می شود، در درس انشاء ده نمره برای تفکر صحیح و ده نمره برای صحیح نوشتن، باید منظور شود. و به طور کلی نوشته دانش آموز از جهات ذیل ارزشیابی گردد.

۱ - موضوع باید خوب پرورانده شده، مطالب آن منظم و میان عبارات آن، ربط و پیوند طبیعی برقرار باشد.

۲ - لغات و اصطلاحات آن در جای خود به کار رفته باشد و جملات ناقص و تکرارهای بیمورد در آن دیده نشود.

۳ - مطالب نوشته مستدل، و عقلاً و منطقاً صحیح باشد. به طوری که اقناع را در خواننده فراهم سازد.

۴ - رعایت اصول دستوری در آن شده باشد و جملاتش ساده، کوتاه و روشن و متنوع باشد.

۵ - تازگی، زیبایی و ابتکار، در آن مشاهده گردد و حتی الامکان با آرایشهای نوشته های فصیح از جمله تشبیهات، استعارات و توصیفات بدیع همراه باشد.

۶ - املاء کلمات آن صحیح و به صورتی خوانا نوشته شده باشد.

۷ - رعایت نقطه گذاری، نظافت، ترتیب فاصله، حاشیه و... در آن شده باشد.

نقطه گذاری و اهمیت آن در نوشتن

۱- نقطه گذاری (۱) از جمله مسائلی است، که قواعد آن در نگارش هر نوع نوشته‌ای باید مراعات گردد. فایده نقطه گذاری در این است که: به کمک علامات آن، نویسنده می‌تواند، حالات درونی و مقاصد خود را بهتر بیان کند و افکار خویش را آسانتر به ذهن خواننده القاء نماید و همچنین خواننده با سهولت بیشتری می‌تواند بخواند و آسانتر افکار نویسنده را بفهمد. پایه تعلیم نقطه گذاری باید در دوره آمادگی کلاس اول ابتدائی گذارده شود و تا پایان دوران دبستان، نوآموزان با همه علامات نهائی که در نوشتن به کار می‌آید آشنا شوند.

معروفترین علامات نقطه گذاری عبارتند از:

نقطه (.) ۲ که در آخر جمله ها و عبارات کامل گذاشته

می‌شود.

ویرگول (,) ۳ یا علامت فاصله و سکنه، که برای جدا کردن اجزائی از جمله که با و او عطف آنهارا می‌توان از هم جدا کرد، یا جملات ناقص به کار برده می‌شود.

علامت تعجب (!) ۴ که معمولاً بعد از جملات تعجبی و یا بعد از منادا

و تحسین و ترس و امر و نهی می آید .

علامت پرریش (؛) ۱ بعد از جملات استفهامی گذارده می شود .

دو نقطه (:) ۲ برای شرح مطلب ، یا نقل قول به کار می رود .

گیومه یا علامت ممیزه (« ») ۳ در موقع نقل عبارتی از کتاب یا گفته شخصی استفاده می شود .

پیرانتز () ۴ در موقع بیان جملات معترضه استعمال می گردد .
تیره (—) ۵ هنگام گفتگوی دو نفر که از ذکر نامشان خودداری می گردد و همچنین میان دو جزء يك کلمه که قسمت اول در آخر سطر و جزء دوم در اول سطر بعدی قرار می گیرد گذاشته می شود .

نقاط تعلیق یا چند نقطه (....) ۶ که علامت انصراف نویسنده از مطلب و وا گذاشتن آن به فهم خواننده یا حذف مطالبی است که به ذکر آن احتیاجی نیست .

نقطه و ویرگول (؛) ۷ در مواقعی که جمله ای طولانی و مرکب

Deux points-۲ Point d'interrogation-۱

Paranthese-۴ Guillemet-۳

Point de Suspension -۶ Tired-۵

Point virgule -۷

از چند جمله ناقص باشد؛ برای جدا کردن جمله‌های ناقص از یکدیگر به کار می‌رود.

نامه‌نگاری

نظر به آنکه نامه نگاری از مطالب بسیار مهمی است، که در دوره دبستان جزء برنامه نوشتن باید آموخته شود. زیرا به اصول کلی آن اشاره می‌شود.

مقدمه : نوشتن نامه در واقع گفتگوئی است کتبی بین ما و آن کسی که نامه به او نوشته می‌شود. لذا در نگارش نامه، باید به کلیه شرایطی که در سخن فصیح ملحوظ می‌گردد، توجه داشت. همان طور که سخن باید طبیعی، ساده، زیبا باشد و طرف خطاب آن را بتواند به خوبی بفهمد و برایش خوش آیند باشد. در نگارش نامه نیز به سادگی، تناسب، درستی و خوانا بودن آن باید توجه گردد.

انواع نامه : نامه‌ها را به طور کلی به دو دسته ذیل می‌توان تقسیم کرد.

۱- نامه‌های خصوصی یا دوستانه که به نزدیکان (پدر، مادر، برادر، همسر، دوست و...) نوشته می‌شود. این دسته از نامه‌ها، باید خیلی ساده و بی تکلف و از هر گونه تعارف خالی بوده و حاوی روح صمیمیت و یکرنگی باشد.

۲- نامه‌های رسمی یا اداری : این دسته از نامه‌ها که معمولاً به

ادارات و مؤسسات دولتی، تجارتي، علمی یا مقامات رسمی نوشته می‌شود؛ چون بیشتر برای رفع نیازمندیها به کار می‌رود و برای کسانی فرستاده می‌شود، که با آنها هیچگونه خصوصیتی در میان نیست؛ برخلاف نامه‌های دوستانه. عبارات آنها باید در حد و حصر قواعدی مخصوص نوشته شود و حتی الامکان جنبه سنگینی و رسمی بودن در نگارششان رعایت گردد. و به عبارت دیگر، نباید خودمانی و بی‌پیرایه باشد.

اجزاء نامه

بطور کلی هر نامه دارای سه بخش است:

۱- **سرنامه**: شامل عنوان یا کلمه مورد خطاب و عباراتی است که احترام، محبت، تواضع نویسنده نامه را به گیرنده آن می‌رساند. در نامه نگاری امروز برخلاف سابق، از به کار بردن القاب مترادف و کلمات مبالغه آمیز بایستی خودداری کرد، و سادگی را چه در نامه‌های دوستانه و چه در نامه‌های رسمی رعایت نمود. در بخش سرنامه، اگر نامه دوستانه باشد؛ نویسنده می‌تواند از نظیر عناوین ذیل استفاده کند:

پدر بزرگوار، مادر مهربان، برادر ارجمند، دوست عزیز. همسر مهربان، استاد نامدارو ..

و در نامه‌های رسمی یا اداری عناوین قانونی ذیل به کار برده می‌شود:

برای شاه: پیشگاه اعلی حضرت همایونی. برای ملکه: پیشگاه علیا حضرت شهبانوی ایران.

برای ولیعهد : پیشگاه والا حضرت همایونی ولیعهد ایران.
 برای والا حضرتها : پیشگاه والا حضرت شاهدخت ۰۰۰ یا
 شاهپور ۰۰۰

برای نخست وزیر ، سایر وزراء ، رؤسای دو مجلس ، سفیرای
 کبار ، استانداران ، مدیران کل ، فرمانداران ، رؤسای ادارات :
 جناب آقای ————— (بعد از ذکر نام سمت گیرنده باید نوشته
 شود)

برای امرای ارتش (سرتیب ، سرلشکر ، سپهبد ، ارتشبد) : تیمسار
 برای افسران ارشد و جزء (از سرهنگ تا ستوان سوم)
 سرکار

برای وزارتخانه ها و ادارات : وزارت محترم ۰۰۰ یا اداره محترم ...
 برای سایر اشخاص از هر طبقه : آقای خانم ...
 در نامه های رسمی معمولاً بعد از ذکر عنوان و اسم طرف ، عباراتی
 نظیر : محترماً به عرض می رسانند . یا محترماً معروض می دارد . نوشته
 می شود .

۲- **تمه نامه** : بخشی است که بعد از سر نامه نوشته می شود و مقصود و نظر
 نویسنده ضمن آن بیان می گردد .

این بخش همان طور که در مقدمه یاد آور شدیم ، بایستی حاوی
 صفات يك نوشته خوب و ارزنده باشد و مقصود نویسنده را به روشنی
 بیان کند .

۳- **پایان نامه**: قسمتی است که نامه در آن بخش تمام می شود و معمولاً با عباراتی که امیدواری، آرزوی دوستی و کامیابی نویسنده را نسبت به گیرنده می رساند، همراه است.

باید در نظر داشت که جملات پایان نامه هر چه قدر ساده و از مبالغات بی جا و تملق و چاپلوسی دور باشد، بهتر است و در این صورت حسن ختامی را به نامه می بخشد.

نامه های دوستانه را معمولاً با عباراتی نظیر جملات ذیل خاتمه می دهند:

«کامیابی و خوشنودی شما را آرزو مندم و همه وارم منتظر یادآوری دوستانه شما هستم». یا «ارادت قلبی خود را تقدیم می دارم و از دور دست شما را صمیمانه می فشارم». یا «از زحمتی که دادم، پوزش می طلبم» یا «دوست دیرینه شما» یا «کسی که همیشه به یاد توست».

و نامه های اداری را با جملات ذیل معمولاً به پایان می رسانند

«احترامات شایسته را تقدیم می دارد»، «باتقدیم شایسته ترین احترامات».

«باتقدیم احترامات فائقه»، «منتظر اقدام جنابعالی است».

«منتظر توجهات آن جناب است».

«امید است توجهات کافی را مبذول فرمایند (۱)»

۱- نامه نگاری برای همه تألیف: حسام الدین امامی - بهترین روش در آموزش نگارش تألیف: کاظم رجوی

نکاتی که در نگارش هر نوع نامه ای باید در نظر داشت :

۱- ذکر تاریخ نامه (معمولاً تاریخ را بسالای نامه، طرف راست می گذارند).

۲- ذکر مقام و نام کسی که نامه به او نوشته می شود. (در نامه های دوستانه مخصوصاً برای پدر، مادر، برادر، همسر، ذکر نام ضروری نیست و حتی اگر نوشته نشود، مبین صمیمیت و احترام بیشتر است.)

۳- سرآغاز نامه بایستی با اظهار احترام (در نامه های اداری) و ابراز صمیمیت و محبت در (نامه های دوستانه) همراه باشد.

۴- عبارات احترام آمیز آخر نامه باید حتماً نوشته شود.

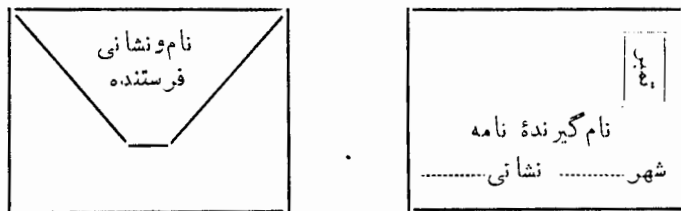
۵- نامه باید حتماً امضاء شود. و اگر برای بار اول به کسی، نامه نوشته می شود، علاوه بر امضاء، نوشتن نام و نام خانوادگی، آدرس و شغل نویسنده ضروری است.

۶- نامه ها را معمولاً باید بر یک روی کاغذ نوشت و اگر گیرندگان نامه افراد بزرگ و مشهور یا مقامات و مؤسسات دولتی باشند، کاغذی که برای نوشتن انتخاب می شود، قطع آن از خشتی نباید کوچکتر باشد. (کاغذ هایی که نام نویسنده بر آن چاپ شده است، فقط برای نوشتن نامه های دوستانه باید مورد استفاده قرار گیرد)

۷- در نوشتن نامه، گذاردن بین خطوط فاصله، حاشیه، خوانائی خط باید رعایت شود.

و در نوشتن پاکت باید نکات ذیل مورد نظر قرار گیرد .
 الف - محل الصاق تمبر، روی پاکت ، در گوشه بالا و سمت راست می باشد .

ب - نام گیرنده نامه، باید روی پاکت نوشته شود و نام شهر و نشانی وی پس از آن ذکر گردد (برای مقامات مشهور ذکر جزئیات آدرس ضروری نیست و فقط نام شهر کافی است) .
 ج - نام و نشانی فرستنده نامه روی لبه پشت پاکت باید نوشته شود .



طرز نوشتن پاکت

نامه نگاری در دبستان

نامه نگاری از سال چهارم دبستان آغاز می گردد . نو آموزان تا پایان دوره دبستان باید قادر شوند، که پیرامون نیازمندیهای اجتماعی خویش نظیر : تشکر از دوستان ، شرح احوال ، درخواست ، تبریک ، تسلیت و ... نامه های منظم و صحیح بنویسند .
 برای تأمین این نظر ، معلم باید فواید نامه نگاری را برای

نوآموزان بیان کند وضمن تمرینهای مکرر، اصول نگارش نامه را، به ایشان بیاموزد و برای آشنا کردن آنها با انواع نامه، موضوعهای ذیل را برای نوشتن به ایشان تکلیف دهد.

- ۱- «نامه‌ای به دوست خود بنویسند و یکی از دفترهای پاک‌نویس او را بخواهند
- ۲- نامه‌ای به پدر خویش بنویسند و خبر قبول شدن خود را در امتحان به او اطلاع دهند.
- ۳- به یکی از دوستان خود که چند روز به دبستان نیامده است نامه‌ای بنویسند و از او احوالپرسی کنند.
- ۴- از یکی از دوستان خود که هنگام بیماری به دیدارشان آمده است تشکر کنند.
- ۵- نامه‌ای بدبستان خود بنویسند و اطلاع دهند که به واسطه بیماری غیبت کرده‌اند.
- ۶- نامه‌ای به پدر یا مادر یا ... بنویسند و از او بخواهند که برای برایشان لوازمی نظیر: کتاب، عکس و ... بفرستد.
- ۷- از رئیس دبستان خود تقاضا کنند، که کارنامه شان را به شهری که می‌روند بفرستد.
- ۸- از محبتی که در حقشان شده است تشکر کنند.
- ۹- از عمل بیجائی که درباره آنها انجام شده است، شکایت کنند.
- ۱۰- به مناسبت عید نوروز یا تولد نوزادی در خانواده دوستان، به

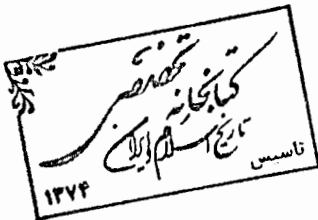
او تبریک بگویند . « (۱)

۱۱- به اداره شهرداری نامه‌ای بنویسند و راجع به اسفالت خیابان جلوی مدرسه یا منزلشان تقاضا کنند .

۱۲- به اداره آمار نامه‌ای بنویسند و تقاضا کنند که در مورد صدور شناسنامه برای نوزادی که در خانواده شان متولد شده است، اقدام گردد .

۱۳- به برزن محل نامه‌ای بنویسند و برای رفتگری که کوزه آنها را پاکیزه می‌کند، تقاضای تشویق کنند .

۱۴- به اداره رادیو نامه‌ای بنویسند و تقاضا کنند که نسبت به اجرای برنامه‌ای که دلخواهشان می‌باشد در برنامه کودک اقدام شود و ...



۳- املاء

فواید املاء

در بحثهای گذشته یاد آور شدیم که کلمات علاماتی قراردادی هستند که برای مبادله افکار و ارتباط افراد یک جامعه به کار می روند. اهل هر زبان خواستار مقاصدشان را به کمک واحدهای گفتار (جملات)، که خود متشکل از کلمات می باشد، به یکدیگر می فهمانند.

کلمات دو صورت دارند، یکی صورت سمعی که تلفظ می گردد و دیگر صورت بصری، که نوشته می شود.

صورت های ملفوظ در گفتن و خواندن مورد استعمال دارند و صورت های مکتوب در نگارش به کار می روند.

درس املاء نو آموز را با صورت های مکتوب علامت قراردادی زبان آشنایی کند و بدین وسیله برداشته اطلاعات لغوی اومی اف-زاید و نیروی بیان را توانایی سازد.

نو آموز ضمن آنکه چندین سال متوالی املاء نوشت، طبعاً به واسطه آشنائی با آثار فصیح زبان به اصول دستوری، شیوه و سبک های نگارش آشنایی شود و موارد استعمال لغات، طرز جمله بندی صحیح را می فهمد و به علاوه به معلومات عمومی او افزوده می گردد و از مسائل مختلف اخلاقی، اجتماعی، مذهبی، تاریخی و... به طور غیر مستقیم آگاهی پیدامی کند و چون برای درست نوشتن همواره از حافظه اش استمداد

می جوید نیروی حافظه و دقت او پرورش می یابد و قوه درکش تقویت می شود .

اصول تعلیم املاء

برای تعلیم صحیح املاء ، معلم باید از سه نیروی شنیدن، دیدن، جنبش دست کودک استفاده کند و صورت های کلمات را از سه راه گوش و چشم و حرکت دست در ذهن نوآموز متمرکز سازد .

نوآموز باید تلفظ درست کلمات را به وسیله گوش، از زبان معلم بشنود و با صداهای حروف الفبا آشنا شود و برای آنکه میان حروف فارسی و عربی ، بدویژه حروف همصدا فرق بگذارد و جای او و معدوله و های غیر ملفوظ و کلماتی را که املاء آنها با تلفظشان تفاوت دارد، به خاطر بسپارد و طرز چسپانیدن یا نجسپانیدن حروف را باهمدیگر یاد بگیرد؛ باید از نیروی بینائی خود استفاده کند، و معلم دانش آموز را وادارد که قبل از شروع درس املاء و یا ضمن یاد گرفتن اشکال حروف درست آنها را به بیند و محل استعمالشان را در نظر گیرد . و برای تمرین در این کار ، هر لغتی را که ضمن قرائت فارسی در کتاب درسی یا در روزنامه یا روی تخته سیاه و .. می بیند دقت کند و صورت ذهنی آنرا در حافظه بسپارد و مهمتر از همه معنی و مورد به کار بردن آنرا خوب دریابد .

باید متوجه بود، که تنها درست دیدن و درست شنیدن برای صحیح نوشتن کلمات کافی نیست . بلکه قبل از نوشتن املاء دانش آموز کلمات مورد نظر را باید مکرر بنویسند ، تا از راه جنبش دست و از مجرای اعصاب عضلات و حافظه مکانیک تمرکز صورت های بصری و سمعی کلمات در ذهنش تقویت

شود و يك نوع ملكه عضوی در دست او برای درست نوشتن، پدیدار گردد و در مواقع لزوم، حتی بدون تفکر ورنج پیدا کردن صوت کلمه خود به خود آن را بنویسد. « (۱)

چون صورت نخستین هر چیز از نظر روانی تأثیر شدیدتری در ذهن باقی می‌گذارد، تا صورتهای بعدی. اگر در کار تعلیم املاء دانش آموز برای نخستین بار کلمه‌ای را نادرست بنویسد، همان طور که اگر رنگی بر زمینه سفیدی زده شود، خوب بر آن نقش می‌بندد و رنگهای بعدی اثر رنگ اول را ندارد، صورت غلط کلمه هم بر زمینه ذهن کودک طوری متمرکز می‌شود، که اصلاح و رفع آن کارچندان آسانی نیست. بنابراین اولین نکته اساسی را که معلم در تدریس املاء باید در نظر گیرد، آن است: که هیچ وقت کلماتی را که نوآموز قبلاً آنها را شنیده و ندیده است به او املاء نگوید. که اگر در غیر این صورت عمل کند و فرضاً که نوآموز کلمات ناآشنائی را درست بنویسد، عملی اتفاقی را انجام داده است و اتفاق و تصادف قابل اعتنا نیست و اگر نادرست بنویسد، معلم جز واداشتن کودک به راه خطا وارد کردن نقش غلط در ذهن وی، کار دیگری انجام نداده است.

لذا برای آنکه کار تعلیم املاء به وجهی مطلوب و صحیح صورت پذیرد و پیشرفت و یادگیری نوآموز را سریعتر گرداند، به نکات اساسی ذیل باید توجه کامل شود:

۱- تعلیم املاء همیشه باید روی بر نامه‌ای دقیق صورت گیرد. بدین ترتیب که معلم قبل از آنکه لغات تازه‌ای را املاء کند؛ باید آنها را روی تخته سیاه بنویسد، درست تلفظ کند، و در جملائی به کاربرد و از نوآموزان بخواهد که آنها را بنویسند و برای هر کلمه جمله‌ای بسازند تا هنگام نوشتن املاء سابقه ذهنی نسبت به کلمات مورد نظر داشته باشند و غلط ننویسند.

برای آنکه لغات تازه به خوبی مر کوز ذهن نوآموز شود، تمرین آنها باید بدین ترتیب انجام گیرد، که ابتدا نوآموز لغت تازه را تلفظ کند بعد بادقت به شکل مکتوب آن نگاه کند و حروف و ساختمان آن را در نظر گیرد و به حافظه بسپارد و سپس از حفظ بنویسد و پس از نوشتن، آن را باصورت صحیح کلمه مقابله کند و در صورت درست بودن آن رادر جملائی به کاربرد.

۲- متن املاء در کلاسهای اول و دوم دبستان حتی الامکان باید از کلمات ساده دو حرفی و جمالات کوتاه باشد و برای سال سوم تا ششم نوشته‌هایی که از نظر معنی کامل باشد (نظیر داستانهای کوتاه) انتخاب شود.

۳- چون هدف اصلی از تدریس املاء در وهله نخست آموختن لغاتی است که در زبان امروز معمول و مورد لزوم می باشد، لذا تعلیم کلمات فارسی و واژه‌های زبان مادری، باید مقدم بر لغات نا مصطلح و نا مأنوس قرار گیرد و کار آموزش کلمات، متناسب بارشد ذهنی و افزایش معلومات نوآموز صورت گیرد.

۴- متنهای املاء حتی الامکان از نوشته‌های فصیح و جالبی باید انتخاب شود که نکات اخلاقی، اجتماعی خصوصاً تربیتی را در برداشته باشد. تاضمن وسیع کردن اطلاعات لغوی کودک، غیرمستقیم بر معلومات عمومی او بیفزاید و رغبتش را به کارنوشتن برانگیزد.

۵- کلمات و جملات متن املاء را معلم هنگام بیان املاء، بایستی درست و رسا تلفظ و طوری قرائت کند که صدایش به‌همه کلاس به‌خوبی برسد.

۶- چون صحیح نوشتن املاء ارتباط مستقیم بافهم معانی آن دارد، و نویسنده، معانی کلمات را از مفهوم کلی جملات درمی‌یابد (مخصوصاً کلمات همصدا مانند: خار و خوار یا صواب و ثواب) بنا براین املاء نباید به صورت لغات پراکنده فراهم گردد. همچنین عبارات آن بلند و خسته کننده نباید باشد، تا دانش آموز معانی لغات را به تناسب واقع شدن در عبارات، به آسانی بفهمد و غلط ننویسد.

۷- قرائت املاء به صورت کلمه کلمه نباید انجام گیرد، بلکه به صورت جمله کامل باید بیان شود و اگر جملاتی کوتاه نباشد؛ باید به چند جمله ناقص کوتاه تقسیم و سپس به کیفیتی ادا شود که معنی و ربط اجزاء آن مشخص گردد. و هر جمله بش از دو بار نباید تکرار شود.

۸- اگر پیش از گفتن املاء، معلم متن املاء را یک بار از ابتدا

تا آنها برای دانش آموزان بخواند ، از نظر ربط دادن معانی آن به یکدیگر و درست نوشتن مفیدتر می باشد .

۹- به منظور وسیع کردن اطلاعات لغوی دانش آموز و تسهیل در تقهیم لغات مشکل ، معلم باید از لغات همخانواده ، مشتقات و مترادفات هر واژه و کلمات متضاد استفاده نماید ، و در این مورد تمرین کافی کند .

نکته‌هایی در مورد تصحیح املاء

الف - تا سال سوم دبستان ، معلم باید شخصاً املاء دانش آموزان را تصحیح کند و در سالهای بالاتر متن املاء را روی تخته سیاه بنویسد و شاگردان را وادارد ، تا از روی آن املاهای خود را تصحیح کنند . یا هر دانش آموزی املاهای دیگری را تصحیح نماید .

ب - ساعت درس املاء باید طوری تقسیم شود که قسمتی از آن برای قرائت املاء و بخش دیگر ، برای تصحیح و پاک‌نویس کردن و رفع اشتباهات برگزار شود . هنگام تصحیح املاء معلم باید کارنو آموزان را با دقت زیر نظر گیرد و اگر شاگردان خود املاهایشان را تصحیح می کنند ، نوشته‌هایشان را بخواند و مواظبت کند که کارشان را به درستی انجام دهند و کلمات غلط را از نظر نیندازند .

ج - هر دانش آموزی باید يك دفتر مخصوص املاء داشته باشد ، و صفحات دست راست آن را به چپ‌نویس و صفحات دست چپ را به پا‌نویس اختصاص دهد . در صفحه چپ‌نویس ستونی به عرض سه سانتیمتر

و - خوانائی خط ، نظافت ، نداشتن خط خوردگی ، گذاردن فاصله بین سطور ، باید مراعات شود . صفحاتی را که نوآموزان برای املاء انتخاب می کنند . باید خط کشی شود و نام خود را در یکی از دو طرف بالای آن بنویسد و عنوان املاء را در وسط در گوشه دیگر آن تاریخ بگذارد و همچنین هنگام نوشتن نقطه گذاری را رعایت کنند . در سالهای آخر دبستان که نوآموزان با قلم می نویسند ، باید دوات ، خشک کن ، و کاغدی برای زیر دست همراه داشته باشند .

شیوه خط فارسی و قواعد املائی جدید

تاچندی پیش به واسطه نبودن شیوه ای واحد در قواعد رسم الخط فارسی ، آشفتگیهای فراوانی در کار تعلیم املاء وجود داشت و هر معلمی بسته به استنباط شخصی کارشگردانش را ارزشیابی می کرد و به سلیقه خود قواعدی را می آموخت . بدیهی است ، که این نحوه عمل ، جز نابسامانی و عدم هماهنگی در برنامه تعلیم و بلا تکلیفی معلم و تضییع حق نوآموزان نتیجه ای نداشت .

اما خوشبختانه در سایه چاره جوئی عده ای از معلمان علاقه مند کشور ، در اردیبهشت ماه هزار و سیصد و چهل و دو ، از طرف وزارت آموزش و پرورش به هیئتی مرکب از استادان و دبیران ادبیات فارسی ، مأموریت داده شد ، که با اتخاذ شیوه ای واحد (از میان شیوه های معمول) به وضع نابسامان گذشته خاتمه دهند .

هیئت مذکور پس از مطالعات و بررسیهای لازم ، شیوه ای را که

ذیلاً بدان اشاره می‌شود، به شورای عالی وزارت آموزش و پرورش تقدیم کرد. شورای عالی آموزش و پرورش نیز آن را به تاریخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۴۲ در هزار و شصت و چهارمین جلسه خود، بداتفاق آراء تصویب و تحت عنوان شیوه خط فارسی به کلیه دبستانهای و دبیرستانهای سراسر کشور ابلاغ نمود و رعایت اصول آن را الزامی دانست.

با وجود آنکه شیوه مذکور ممکن است در بعضی از قسمتها چندان ساده و کامل نباشد و مخصوصاً به واسطه اعتیاد اغلب ما بشیوه های گذشته، در مراحل ابتدای استعمال، مشکل به نظر آید. ولی هر چه هست؛ راهی است که تکلیف، علم را در کار تعلیم معین می‌کند و به آشفتگیها و تشمت آراء گذشته پایان می‌بخشد و هماهنگی را میان مدارس کشور برقرار می‌سازد و به اتمال از تضییع حقوق دانش آموزان جلوگیری می‌کند.

اینک برای تکمیل بحث املاء ذیلاً به اصول شیوه جدید اشاره می‌کنیم و ضمن ارائه شواهدی ساده، مورد استعمال هر يك از قواعد آن را مشخص می‌سازیم. (۱)

۱- لازم به یادآوری است، که بعضی از قواعد شیوه مذکور اخیراً مورد انتقاد و خرده گیری افرادی قرار گرفته است. و چون دامنه مناقشات انتقاد کنندگان حتی به مجلس شورای ملی کشانیده شده است، مقامات مسئول وزارت آموزش و پرورش در این مورد وعده داده اند که اشکالات آن را در آینده نزدیکی مرتفع کنند. به نظر نگارنده با وجود آنکه ممکن است بعضی از نظرات منتقدین صحیح باشد، ولی چون این خرده گیریها و ناسازگاریها که متأسفانه سابقه طولانی در موضوع املاء فارسی دارد و تاکنون نتیجه ای جز آشفتگی و پلانیابی در کار

مقدمه : «خط فارسی باید شیوه واحد و ثابتی داشته باشد که همه افراد کشور ، همه جا ، در هر مقام، و برای نوشتن هر نوع مطلب، یکسان از آن پیروی کنند. و گفتن ندارد که خلاف این امر سبب تشتت و هرج-ومرج در کار نوشتن می گردد .

بنای اتخاذ روش واحد در شیوه خط فارسی ، در موارد مختلف بی تردید بر این مبانی باید استوار باشد :

الف : قواعد و موازین منطقی دستور زبان فارسی .

ب : آسان خوانده شدن کلمات و تولید اشتباه نکردن شکل مکتوب آنها .

ج : سهولت تعلیم و تعلم .

→ نتیجه ای نداشته است، این دفعه نیز سبب شود که مشکلی که تقریباً گشوده شده است مجدداً به حال اول برگردد و آنهمه کوشش و وقت و هزینه ای را که در این مورد صرف شده است به هدر دهد. از طرفی چون هدف اصلی از اتخاذ هر نوع شیوه ای در نگارش کلمات و رسم الخط آن است که آن شیوه مورد اتفاق عموم باشد و تمام افراد بتوانند آن را یکسان به کار برند ، ناگزیر باید قواعد مشترکی را که هر چند بعضی از قسمت های در ابتدای مراحل استعمال مشکل به نظر آید و یا مخالف سلیقه و اعتیاد اقلیتهایی باشد پذیرفت و اینک نیز چون شیوه تصویب شده و قانونی فوق الذکر نسبت به شیوه های پراکنده و بی سامان قبل از خورد کاملتر می باشد و هر چه باشد ، ضابطه ای است ثابت، که می تواند هماهنگی و یکپارختی را در کار تعلیم و ارزشیابی درس املاء در سراسر کشور فراهم کند ، تا هنگامی که از طرف وزارت آموزش و پرورش طرح کاملتر و منطقی تری مشابه شیوه مورد بحث ارائه نشده است ، شیوه مزبور به قوت خود باقی است و وظیفه همگی آموزگاران و دبیران فارسی است، که قواعد آن را گردن نهند و برای جلوگیری از تضییع حقوق دانش آموزان آنها را یکسان به کار برند .

د: کلیت و شمول قاعده، و تا آنجا که ممکن است، بی استثنا یا کم استثنا بودن آن.

ه: تطابق مکتوب و ملفوظ تا حد ممکن.

از شیوه‌های معمول کاتبان، آن شیوه رعایت می‌شود، که با اصول پنجگانه فوق مطابقت داشته باشد. اما اگر در مواردی مراعات این اصول، شیوه‌ای معمول را که در سیر تکامل خط، صورت ساده و آسان یافته است برهم می‌زنند، همان شیوه معمول اختیار می‌شود.

کلمات عربی مستعمل در فارسی عموماً تابع قواعد و مختصات زبان فارسی و استعمال فارسی زبانان است و هر جا که می‌توان کار نوشتن این کلمات را بر عامه فارسی زبانان آسانتر و صورت مکتوب کلمه‌ای را با تلفظ آن سازگارتر و نزدیکتر ساخت؛ عدول از سنت رسم الخط عربی را گناه تابخشودنی نباید شمرد» (۱).

با در نظر گرفتن اصول مذکور، کلمات فارسی رامبتنی بر قواعد

ذیل باید نوشت:

در موارد ذیل باید کلمات جدا از ما قبل و ما بعد خود نوشته شوند:

۱- وقتی به اضافه بر سر کلمه‌ای درآید. مثال:

مکن به چشم حقارت نظر به درویشان

که بی‌نیاز جهانند، اگر تهیدستند

توضیح: در کلمات بدین، بدان، بدو، بدینان، بدیشان، این

حرف متصل نوشته می‌شود، زیرا که جزو «بد» بازمانده صورت اصلی «به»

۱- شیوه خط فارسی در دبستانها و دبیرستانها و همه آموزشگاههای کشور

مصوب شورای عالی وزارت آموزش و پرورش

۷- هم قید و تأکید :

چون سخن در وصف این حالت رسید

هم قلم بشکست و هم کاغذ درید

۸- «چون» حرف ربط یا قید

حرف ربط :

چون وانمی‌کنی گره‌ای، خود گره مباش

ابرو گشاده باش، چودست گشاده نیست

قید :

درد هریکی چون من و آن هم کافر

پس در همه دهر يك مسلمان نبود

توضیح: کلمات مرکبی که بایکی از کلمات مذکور ساخته

شده و صورت ترکیب مزجی پیدا کرده است، تابع قاعده کلمات مرکب است، که پس از این خواهد آمد و باید به هم پیوسته نوشته شوند، از آن جمله اند کلمات :

اینچنین، آنچنان، آنکه، آنچه، همین، همان، همچنین،

همچنان، چونکه، چونین، چونان، چنین، چنان، چگونه، چرا، چقدر، چسان، چطور

۹- «را» همیشه جدا از کلمه ماقبل باید نوشته شود.

ستایش کنم ایزد پاک را که گوید و میناکند خاک را

یکی را که در بند بینی مخند مبادا که روزی در افتی به بند

توضیح: کلمات، مرا، کرا، چرا، ترا، از قاعده مذکور

مستثناست.

۱۰- فعل «است» جز در موارد ذیل همیشه جدا از کلمه ماقبل و مابعد

باید نوشته شود:

الف - بعد از مصوت‌های بلند «آ» A و «او» U و مصوت، کوتاه

«اُ» و «اَ» وقتی که تمام مصوت آغاز «است» در تلفظ حذف می‌شود، در خط

نیز حذف گردد، (در موارد مذکور، اگر مصوتها تلفظ شوند حذف نمی شود)

بعد از مصوت «آ» A:

راستی موجب رضای خداست کس ندیدم که گم شد از ره راست

بعد از مصوت «او» U:

آن به که در این زمانه کم گیری دوست با اهل زمانه صحبت از دور نکوست

بعد از مصوت «ا» O:

چون هر چه می رسد به تواز کرده های توست

جرم فلک کدام و گناه ستاره چیست ؟

ب: فعل «است»: در مورد اشخاص دیگر که به صورتهای ام، ای،

ایم، اید، اند (مخفف: استم، استی، استیم، استید، استند) می باشد به قاعده ذیل عمل می شود.

بعد از مصوت های بلند «آ» A و «او» U (جز در سوم شخص مفرد)

همزه افعال مذکور تبدیل به (ی) می شود مانند:

دانایم، دانایی، داناییم، دانایید

خوشخویم، خوشخویی، خوشخوئیم، خوشخوئید، خوشخویند

ج- بعد از مصوت بلند «ی» i و «ه» بیان حرکت در همه اشخاص

شکل اصلی فعل در آنها حفظ می شود.

مصوت بلند «ی»:

کاری ام، کاری ای، کاری است، کاری ایم، کاری اید، کاری اند

(ه) بیان حرکت:

فرزانه ام، فرزانه ای، فرزانه است، فرزانه ایم، فرزانه اید،

فرزانه اند.

د : در صورتی که اصل کلمه به حرفی صامت یا به صوت مرکب که در حکم صامت است ختم شود ، الف آنها (جز در سوم شخص) در نوشتن حذف می شود .

مثال در مورد حرف صامت : پاکم ، پاکي ، پاك است ، پاكيم ، پاكيد ، پا كند .

در مورد مصوت مرکب : خسروم ، خسروي ، خسرو است ، خسرويم ، خسرويد ، خسروند .

۱۱- «می» و «همی» همواره جدا از فعل نوشته می شوند :

می :

چون برق حوادث جهان می گذرد اوقات عزیز را یگان می گذرد
گر سختیت از جهان رسد غصه مخور
تا چشم به هم زنی جهان می گذرد

همی :

همی گفتم که کی باشد که خرم روزگار آید
جهان از سر جوان گردد بهار غمگسار آید
در موارد ذیل کلمات باید به یکدیگر متصل نوشته شوند :

۱. وقتی از ترکیب دو یا چند کلمه ، کلمه ای تازه (نوع دستوری) با مفهوم تازه (غیر از مفهوم هر يك از اجزای ترکیب) پدید آمده باشد ، باید پیوسته به یکدیگر نوشته شوند . مانند : پاسبان ، کوهسار ، مرغزار ، سنگدل و ...

خوشم همیشه که وجدان پاك من همه جا
عنان نفس گرفته است و پاسبان من است

ابر آزاری برآمد از کنار کوهسار

باد فروردین بجنبید از میان مرغزار

سیاه اندرون باشد و سنگدل

کسه خواهد که موری شود تنگدل

توضیح : الف : در کلمات مر کبی که جزء دوم آنها با مصوت

بلند (آ) آغاز می شود ، (َ) کسه نشان تلفظ همزه پیش از مصوت

است ، در نوشتن از روی الف حذف می گردد مانند :

پیشاهنگ ، پیشامد ، هماواز ، دلارام

ب : کلمات مر کبی را که آخرین حرف جزء اول آنها در خط

چسبیده نمی شود ، یا در صورت پیوستن به یکدیگر ، شکلشان دراز یا پیر دندان

می گردد ؛ برای پرهیز از اشتباه باید از یکدیگر جدا ، اما نزدیک به هم

نوشته شوند . مانند : شکست ناپذیر ، عقب نشینی . بی تربیت تر ،

آئین نامه (نه به صورت های شکستناپذیر ، عقبنشینی ، بی تربیتتر آئیننامه)

۲- پیشوندهای هم - بی - به که رسراسم در می آیند و صفت

مر کب می سازند ، هدواره چسبیده به کلمه بعد نوشته می شوند .

مانند : همدل ، هم زبان ، همزه . بینوا ، بیهوش ، بیکاره ، بخرد ،

بجا ، بهوش .

هم :

بیاموزمت کیمیای سعادت ز هم صحبت بد جدائی جدائی

همزبانی خویشی و پیوندی است مرد با نامجرمان چون بندی است

بی :

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد

نهال دشمنی بر کن که رنج بیشمار آرد

فخر از هنر‌نمای و به اهل هنر گرای
وزعیب و عار بیم‌بران بر کنار باش

ب صفت :

یا سخن آرای چو مردم بهوش
یا بنشین چون حیوانان خموش

۳- علامت صفت تفضیلی (تر) باید به آخر کلمات بچسبد (جز در مواردی که در خواندن اشتباه پیش آید و حرف آخر کلمه اول «ت» باشد).

خوشت‌تر آن باشد که سردلبران گفته آید در حدیث دیگران
۴- «ها» علامت جمع ، به کلمه قبل از خود باید بچسبد .

مانند :

دیرانند پنداری به باغ اندر درختان را
ورق‌ها پر ز صورت‌ها قلم‌ها پر ز زیورها
توضیح : هر جا که کلمه به «ه» غیر مملووظ ختم شود، (ها) جدا از کلمه نوشته می‌شود. مانند : جامه‌ها، نامه‌ها، خانه‌ها و ...

۵- «ب» تأکید و پیشوندهای نفی (ن) و (م) همیشه به فعل باید چسبیده شود .

ب تأکید :

گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتر بپند
ن نفی :

ما نگوئیم بدو میل به ناحق نکنیم
جامه کس سیه و دلخ خود ازرق نکنیم

م نفی :

چشم برلنزش یاران مفکن

به ملامت دل یاران مشکن

توضیح : هر جا که فعل بامصوت آغاز می شود (مانند آراست

، آزد ، افتاد ، انداخت و ...) حرف صامت (ی) به جای همزه آغاز

مصوت، میان فعل و پیشوندهای مذکور (ب تأکید ، ن و م نفی) فاصله

می شود و (مد) از اول فعل می افتد . مانند :

گرالتفات خداویش بیاراید

نگار خانه چینی و نقش ارزنگی است

میازار موری که دانه کش است

که جان دارد و جان شیرین خوش است

نیفتاده بر دست دشمن اسیر

به گردش نباریده باران تیر

فرشته خوی شود آدمی به کم خوردن

و گر خورد چوبهائیم، بیوفتد چو جماد

بنابراین ، نوشتن افعال مذکور به صورت بیآراید ، میآزار ،

نیافتاد . بیاوفتد ، و بیانداخت و .. غلط است . فقط وقتی فعل بامصوت

بلند «ای» آغاز می شود چون همزه آغاز مصوت به نرمی و در حقیقت

به صورت توالی دومصوت تلفظ می شود ، الف باقی می ماند . مانند ایستاد

، نایستاد و ...

قواعد املائی کلمات مختوم به «ه» بیان حرکت

(مغیر ملفوظ)

۱- کلمات مختوم به مصوت کوتاد (ا) یا (ه) بیان حرکت

در اتصال به «ان» جمع یا «ی» مصدری ، «ك» اصلی آخر کلمه به صورت

«گ» پیش از مصوت ظاهر می شود و کلمه مختوم به حرف صامت «گ»

تلقی می‌گردد و «ان» یا «ی» به آن می‌چسبد مانند :
 بندگان ، فرزنانگان ، روندگان ، یا : بندگان ، خستگی ،
 فرزانیگی و ...

روندگان طریقت به نیم‌چون‌نخ‌ند
 قبا‌ی اطلس آن‌کس که از هنر خالی است

دانش و آزادگی و دین و مروت

این همه را بنده درم نتوان کرد

نوشتن کلمات مذکور، به صورت رونده گان. بنده گان و . یا
 آزاده گی ، بنده گی ... غلط است

توضیح : بعضی از کلمات مختوم به «ه» بیان حرکت، هنگام
 اتصال به «ی» نسبت، مانند قاعده قبل ، «گ» در تلفظ آنها ظاهر می‌شود.
 مانند : خانگی ، هفتگی و ولی در تلفظ بعضی از آنها «گ» ظاهر
 نمی‌شود ، در این صورت پسوند نسبت به صورت «ای» به آخر آنها افزوده
 می‌شود . مانند : پارچه پنبه‌ای ، رنگ سرمه‌ای ، قهوه‌ای ، فیروزه‌ای
 و ...

۲- کلمات مختوم به «ه» غیر ملفوظ، هنگام اتصال به (ی)
 نکره یا وحدت «ه» باقی می‌ماند و پسوند به صورت «ای» به کلمه اضافه
 می‌شود . مانند : جامه‌ای ، نامه‌ای ، بنده‌ای و ..

از پس هر گریه آخر خنده‌ای است

مرد آخر بین، مبارک بنده‌ای است

۳- هنگامی که کلمات مختوم به (ه) بیان حرکت در حالت

مضاف واقع می‌شوند ، «ی» فاصل میان مضاف ومضاف الیه به صورت
 «ء» کوچك بالای «ه» نوشته می‌شود. مانند:

کهن جامه خویش پیراستن به از جامه عاریت خـ واستن
 گردائره کوزه ز گوهر سازند از کوزه همان برون تراود که در اوست
 ۴- کلمات مختوم به (ه) غیر ملفوظ ، هنگام ترکیب با پسوند
 ها، یا کلمات دیگر ، «ه» در آنها برای نمایش تلفظ مصوت آخر و احتراز
 اشتباه با کلمات مشابه ، مصوت کوتاه آخر آن باقی ماند . مانند :
 گله مند ، جامعه دار ، بهر دور ، پیلهور ، پیشه ور ، لاله رخ ،
 لاله زار ، نامه رسان ، شیشه فروش ، خنده آور ، فتنه انگیز ، و ..
 زبان دردهان ای خردمند چیست کلید در گنج صاحب هنر
 چو در بسته باشد نداند کسی که گوهر فروش است یا پیلهور
 چوروی کودکان ما، درخت گل به بار آرد

نگار لاله رخ گوئی به خرم لاله زار آید
 توضیح: کلمات عربی مختوم به تاء زائد که در فارسی، تاء آنها
 به صورت «ه» غیر ملفوظ تلفظ می‌شود . در تمام موارد تابع کلمات مختوم
 به (ه) غیر ملفوظ در فارسی است:

الا یا خیمگی خیمه فروهل که پشاهنگ بیرون شد زمزل
 آمد بانگ خروس مؤذن میخوارگان

صبح نخستین نمود روی به نظرگان
 که به کتف برگرفت جامه بازارگان

روی به مشرق نهاد خسرو سوارگان

کلماتی مانند . طاووس ، کاووس ، سیاووش ، پیشاوور ، داوود
 ونظایر آن باید بادو واو نوشته شوند، تا حرف صامت (و) و مصوت بلند

(او) هر يك نمايش خود را در خط داشته باشند .

توضیح: هنگامی که کلمات مذکور مخفف می‌شوند و مصوت بلند (او) در آنها تبدیل به o می‌گردد (به ویژه در شعر) می‌توان آنها را بایک واو نوشت مانند :

سیاوش چنان شد که اندر جهان بهمانند او کس نبود از مهان
قواعد املاي کلمات عربي در فارسي

۱- کلمات عربي ، مختوم به تاي زائد ، اگر در فارسي حرف آخر آنها تلفظ شود ، آخرشان بايد به صورت (ت) دراز نوشته شود .
مانند : مساعدت ، مباحات ، مراجعت ، زکات ، حیات ، صلات و ...
در نتیجه از نوشتن کلمات مذکور به صورت : مساعدة ، مباحاة ، مراجعة زکوة و .. بايد احتراز کرد .

اگر «ت» زائد آخر اين گونه کلمات در فارسي به صورت (ه) غير ملفوظ تلفظ گردد ، به همين صورت نوشته می‌شود و در تمام موارد تابع قواعد کلمات مختوم به (ه) غير ملفوظ است مانند : مراجعه ، مساعدة معاينه ، مکالمه ، علاقه ، حوصله و غيره .

۲- تنوين (ة) درهمه کلمات عربي بدون استثنا بايد روی الف گذاشته شود ، مانند : اولاً ، حقیقتاً ، دفعتاً ، نفياً ، اثباتاً ، موقتاً ، جزئاً ، استثنائاً و ...

۳- الف مقصور در آخر کلمات عربي که در رسم الخط اين زبان آن را به صورت «ی» می‌نویسند ، در فارسي همچنان که تلفظ می‌گردد بايد با الف نوشته شود . مانند : اعلا ، فتوا ، قوا ، تقوا ، مبتلا ، منتها

.....

توضیح: فقط اسامی خاص از قاعده مذکور مستثنا هستند .
مانند : مصطفی ، مرتضی ، موسی ، عیسی ، مجتبی ، یحیی ، کبری ،
صغری و ... این اسامی هنگام اضافه شدن به کلمه دیگر به قاعده
زبان فارسی با «الف» و «ی» نوشته می شوند مانند: موسای کلیم ، عیسای
مسیح ، یحیای برمکی ...

کلمات : اسماعیل ، رحمان ، اسحاق ، ابراهیم ، هارون به همین
ترتیب، چنانکه تلفظ می شوند ، با «الف» نوشته می شوند. نه ، به صورت
اسمعیل ، رحمن ، اسحق ، ابرهیم ، هرون .

املاي همزه : همزه در زبان عربی در اول و وسط و آخر کلمه
وجود دارد ، از این گذشته ، برخلاف حروف دیگر که اغلب مانند :
«ب» فی المثل ، شکلهای اول و وسط و آخر (ب ، ب ، ب) نیز دارند ؛
همزه يكشكل (ء) بیشتر ندارد و در وسط یا آخر کلمه بر حسب حرکت
یا سکون خود آن ، یا حرکت و سکون حرف ماقبلش، روی « الف »
یا « واو » یا « ی » یا میان دو حرف یا کنار کلمه نوشته می شود. مانند
کلمات : رأس ، مؤثر ، رئیس ، قراءت ، ضوء .

در خط فارسی اگر از پذیرفتن شیوه نوشتن برخی از کلمات
همزه دار ، چنانکه در کتابت زبان عربی است ناگزیر باشیم ، برخی
دیگر را می توانیم به صورتی ساده تر و تحت قاعده ای که آموختن و
نوشتن آنها برای عامه فارسی زبانان آسانتر باشد ، در آوریم . و کلمات
خارجی مشابه با آنها را نیز مطابق همان قواعد در فارسی بنویسیم .

همزه‌های عربی را در فارسی به چهار صورت ذیل باید نوشت

۱- به صورت الف :

- ۱- وقتی در اول کلمه واقع گردد. مانند : اعظم ، اکبر ، انس ، اسم ، ایمان و کلمات خارجی نظیر : ایدروژن ، ایدروکربور و ...
- ۲- زمانی که در وسط یا آخر کلمه بعد از مصوت کوتاه « ا » یا فتحه قرار گیرد ، مانند : رأس ، رأفت ، مأخذ ، مأنوس ، مستأجر ، مأمّن ، مأوا ، تألیف ، تأدیب ، منشأ ، مبدأ ، ماجأ و ...
- ۳- هنگامی که در وسط کلمه میان مصوت کوتاه « ا » فتحه و مصوت بلند « ا » واقع شود. مانند: منشآت ، مآل ، مأخذ ، مآب ؛ لآلی (در مثالهای مذکور مدّ (َ) بالای الف، نشان تلفظ همزه است) .
- پس از صامت و پیش از مصوت بلند « آ » نیز همزه به صورت الف نوشته می‌شود مانند: مرآت ، قرآن .

۲- روی «و» :

- هر گاه همزه در وسط یا آخر کلمه بعد از مصوت o (ضمه) در آید روی « و » نوشته می‌شود. مانند : مؤمن ، رؤیت ، رؤیا ، مؤنث ، مؤسس ، مؤدب ، مؤید ، سؤال ، فؤاد ، تلاءلؤ ، تکافؤ ، تهیؤ و ...

۳- روی داندانه « ی » یا « ی » در وسط کلمه

- الف : بعد از مصوت کوتاه (اِ) کسره . مانند : ائتلاف ، بئر ،

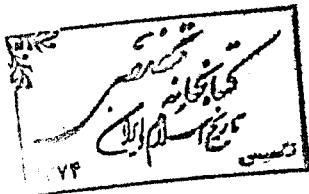
دُغ، تَخَطُّه، تَبْرُه، سِیَّه، توطئه و نظایر آن از کلمات خارجی، نظیر: تئاتر، سئانس، رئالیست، ایدئالیست و...

ب - پیش از مصوت کوتاه (ا) یافته‌ها مانند: مسئله، هیئت، جرئت، نشئت، قرائت، اسائه ادب، ارائه طریق. در کلمات خارجی نیز همزه مفتوح به همین طریق نوشته می‌شود. مانند: ماه ژوئن، پنگوئن و...
ج - پیش از مصوت بلند «او» مانند: شئون، رؤس، رؤف، مئونت، مسئول، مرئوس و نظایر آن از کلمات خارجی مانند: سؤال (بایتخت کره جنوبی) شائل (پادشاه عبریان) و...

د - پیش از مصوت کوتاه o (ضمه) در کلمات خارجی مانند: کائو، ناپلئون، کلئوپاترا و...
ه - پیش از مصوت کوتاه (ا) یا کسره. مانند: مسائل، مصائب، جائز، قائل، علائم، ملائکه، خائن، و از کلمات خارجی: نوئل، سوئل، سوئز، رافائل و...

توضیح: همزه‌های پیش از مصوت کوتاه (ا) را فارسی زبانان اغلب به صورت (ی) تلفظ می‌کنند مانند: جایز، زایل، عواید، فواید، عایق، طایفه، حایل و...

و - پیش از مصوت بلند «ی» مانند: مرئی، رئیس، لئیم، جبرئیل و نظایر آن از کلمات خارجی مانند اوکرائین، تیغوفید، کافئین، بمبئی و...

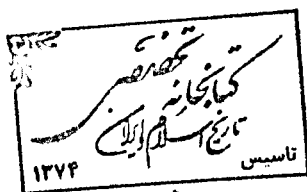


۴- به صورت (ع)

هنگامی که که همزه در آخر کلمه و پس از حرف صامت، یا مصوت‌های بلند «او» و «ی» قرار گیرد، شکل همزه به صورت «ء» است مانند جزء، شیء، ضوء، سوء؛ بطلی و...

توضیح: همزه ساکن آخر کلمه پس از الف ممدود (مصوت بلند آ) اغلب در تلفظ فارسی زبانان حذف می‌شود و تابع کلمات مختوم به «الف» در فارسی می‌شود. مانند: ابتدای کار، وزرای لایق علمای اعلام، انقضای مدت، انبیای بنی اسرائیل، طبای حاذق، احیای موات، اجرای قانون، بنای محبت و...

به جز بنای محبت که دائم آباد است
خراب می‌کند ایام هربنائی را



پایان

فهرست ماخذ

مؤلف - مترجم

محمد علی فروغی

باغچه بان

علی اکبر شعاری نژاد

جمس دان هیل، ترجمه دکتر محمود میر آفتاب

غلامرضا واحدی

احمد کوشا

عباس یمینی شریف

کاظم رجوی

ترجمه فؤاد روحانی

دکتر عباس اکرامی

-

احمد کوشا

-

از نشریات وزارت فرهنگ

دکتر علی اکبر سیاسی

الیزابت هارلاک، ترجمه دکتر محمود میر آفتاب

دکتر محمد باقر هوشیار

دکتر آلیس کرو - لستر کرو، ترجمه مشفق همدانی

دکتر مهدی جلالی شیرازی

نام کتاب

۱- آئین سخنوری

۲- اسرار حروف الفباء

۳- اصول ادبیات کودکان

۴- اصول آموزش و پرورش

۵- افکار حاوید

۶- انشاء ابتدائی

۷- بازی با الفباء

۸- بهترین روش در آموزش نگارش ج ۱

۹- جمهور افلاطون

۱۰- چگونگی عمل تدریس

۱۱- دوره کتابهای ابتدائی

۱۲- راهنمای املاء

۱۳- راهنمای کتاب (مجله)

۱۴- راهنمای معلم ج ۱

۱۵- روانشناسی پرورشی

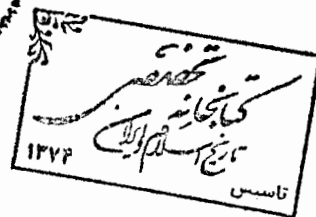
۱۶- روانشناسی رشد

۱۷- روانشناسی عملی

۱۸- روانشناسی کودک

۱۹- روانشناسی کودک

- ۲۰- روانشناسی و تطبیق آن با اصول پرورش
 ۲۱- روش تدریس کتاب آمادگی
 ۲۲- روش تدریس کتاب اول ابتدائی
 ۲۳- روش تدریس کتاب دوم
 ۲۴- روش تعلیم زبان فارسی در مناطقی
 که به لهجه محلی سخن می گویند
 ۲۵- روش نویسندگان بزرگ معاصر
 ۲۶- روش نوین در آموزش و پرورش
 ۲۷- سالنامه اخگر سال ۳۹
 ۲۸- شیوه خط فارسی
 ۲۹- فرزانه تن و روان
 ۳۰- فرهنگ فرانسه- فارسی گلستانی
 ۳۱- فهرست کتابهای کودکان
 ۳۲- فهرست کتابهای کودکان و نوجوانان
 ۳۳- ماهنامه آموزش و پرورش شماره ۱۷ دوره ۲۴
 ۳۴- ماهنامه شورای کتاب کودک شماره ۶
 ۳۵- مثنوی معنوی جلد ۳
 ۳۶- مشکل سخن گفتن اطفال
 ۳۷- نامه نگاری برای همه
 ۱۲۸- نشریه فرهنگ خراسان شماره ۱ و ۲ سال چهارم
- دکتر پرویز ناتل خانلری
 ثمینه باغچه بان
 -
 لیلی ایمن (آهی)
 از نشریات وزارت فرهنگ
 حسین رزمجو
 دکتر عیسی صدیق
 -
 از نشریات وزارت فرهنگ
 دکتر عبدالله بصیر
 ن- گلستانی
 تنظیم توران میرهادی
 شورای کتاب کودک
 -
 شورای کتاب کودک
 جلال الدین محمد مولوی
 ثمینه باغچه بان
 حسام الدین امامی
 -



غاطنامہ

صفحہ	سطر	نا درست	درست
۱۵	۲	نمایم	نمائیم
۱۸	۱۱	ادبات	ادبیات
۲۳	۱۶	با اعداد	یا اعداد
۳۱	۲۱	به او دادند	به او دادند
۳۲	۱۴	تحول	متحول
۴۱	۱۲	کدامك	کدامیک
۴۵	۱	یجای	بیجای
۴۶	۱	کند	کنند
۴۶	۳	حرف	حروف
۴۸	۱۲	باتنه	یا تنه
۵۵	۱۹	خوش آینده	خوش آیند
۸۰	۱۲	وحد	واحد
۱۰۴	۳	فردوسی	ابیات فردوسی
۱۰۴	۱۳ و ۸	که شامل	شامل
۱۰۵	۱	خوانا	خط خوانا
۱۰۸	۸	توانیهای	توانائیهای
۱۱۱	۱۷	و کم	کم
۱۱۹	۲۰	آشنائی	آشنائی
۱۲۲	۱	خراقاتی	خرافاتی
۱۲۵	۱۲	رندگی	زندگی
۱۴۹	۱۸	خوشبختانه	خوشبختانه
۱۵۱	۱۵	نکائی	نکاتی
۱۵۴	۳	مفعول با واسطه «صریح»	مفعول با واسطه «غیر صریح»
۱۵۴	۳	مفعول بی واسطه «غیر صریح»	مفعول بی واسطه «صریح»
۱۵۵	۱۰	ظم	نظم
۱۷۳	۵	علاقه	علاقه -
۱۸۴	۱۹	بین خطوط فاصله	فاصله بین خطوط
۲۰۰	۱۷	مخذ	میخند

یادداشت ناشر :

از دیر باز به قدر توانائی خویش کوشیده‌ام
که مطالب سودمندی را که دانشمندان و
نویسندگان خراسان نوشته یا جمع‌آوری می‌کنند
به چاپ و انتشار آن اقدام نمایم و به سهم خود
با نشر آثار ارزنده به پیشرفت و توسعه فرهنگ
کشورم کمک کنم سرافرازم که به یاری خداوند
بزرگ، تا حد زیادی در این راه موفق شده‌ام .
از جمله کتاب حاضر، چهارمین اثری است که از
مؤلف محترم این کتاب منتشر می‌کنم و خوشوقتم
که بدینوسیله گامی تازه را در طریق خدمتگزاری
به فرهنگ برمی‌دارم و اثر مفیدی را به
دوستان و کتابهای خوب تقدیم می‌کنم .

مشهد - مدیر کتابفروشی باستان
پاسبان رضوی